

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# طرح بزرگ قرآنی ۱۴۴۸

با محوریت سبک زندگی اسلامی





کتابخانه و معارف ساجد



تهیه و تنظیم: مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت نورالثقلین  
اشراف علمی: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حاج ابوالقاسم  
نویسنده: سید مهدی هاشمی

طرح جلد و صفحه آرایی: سید قاسم سیدیان

چاپ: اول / تابستان ۱۳۹۳

شمارگان: ۵۰۰/۰۰۰ جلد

آدرس: تهران، خیابان ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، خیابان جام جم

شبکه قرآن و معارف سیما، ستاد طرح بزرگ قرآنی ۱۴۴۸

رایانامه: [1448@irib.ir](mailto:1448@irib.ir) پایگاه اینترنتی: [www.tv8.ir](http://www.tv8.ir)

تلفن: ۰۲۱-۲۲۶۶۱۴۴۸

سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۱۴۴۸

صندوق پستی: ۱۴۴۸-۱۶۷۶۵

عنوان شماره صفحه

### بخش اول: باورها

#### فصل اول: خدا باوری

- ۱- باور به وجود خدا ۱۴
- ۲- باور به علم و آگاهی خدا از اعمال ۱۶
- ۳- باور به رحمت و مهرورزی خدا ۱۸
- ۴- باور به انتقام خدا از ظالمان ۲۰
- ۵- باور به قدرت خدا و توکل بر او ۲۲
- ۶- باور به یاری و نصرت خداوند ۲۴
- ۷- باور به قدرت خدا در ریشه کن کردن دشمنان ۲۶

#### فصل دوم: الگوشناسی

- ۸- الگو بودن پیامبران ﷺ ۳۰
- ۹- الگو بودن پیامبر اکرم ﷺ ۳۲
- ۱۰- سجایای اخلاقی پیامبر ﷺ ۳۴
- ۱۱- لزوم پیروی از پیامبر ﷺ ۳۶

۳۸ - پیروی از پیامبر ﷺ؛ سبب زنده شدن دل ها

۴۰ - الگو بودن امامان معصوم علیهم السلام

### فصل سوم: قرآن باوری

۴۴ - شناخت عظمت قرآن

۴۶ - اوصاف و ویژگی های قرآن

۴۸ - شناخت راه قرآن

۵۰ - ضرورت انس با قرآن و تدبیر در آن

۵۲ - جاودانگی و فراعصری بودن قرآن

۵۴ - مهجوریت قرآن

### فصل چهارم: شناخت حکمت و فلسفه ی سختی ها

۵۸ - سنت امتحان و آزمایش الهی

۶۰ - حکمت دشواری های زندگی

۶۰ - ۱. خیر و مصلحت بندگان

۶۲ - ۲۲ - ۲. رشد مؤمنان

۶۴ - ۲۳ - ۳. بروز استعدادها

۶۶ - ۲۴ - ۴. جزای اعمال خود بندگان

۶۸ - ۲۵ - ۵. تضرع و زاری و یاد خدا

۷۰ - ۲۶ - اهمیت دعا

### فصل پنجم: معاد باوری

- ۷۴ - شناخت دنیا و آخرت
- ۷۶ - ویژگی های دنیا
- ۷۸ - بی ارزشی دنیا
- ۸۰ - شناخت اوصاف روز قیامت
- ۸۰ - روز پشیمانی
- ۸۲ - شناخت اوصاف روز قیامت
- ۸۲ - روز عزت مؤمنان
- ۸۴ - باور به حسابرسی دقیق اعمال
- فصل ششم: دشمن شناسی**
- ۸۸ - شیطان؛ دشمن آشکار انسان
- ۹۰ - کمینگاه های شیطان
- ۹۲ - راه کار دوری از شیطان
- ۹۴ - شناخت دشمنان خارجی و ویژگی های آنان
- ۹۶ - نفاق و ویژگی های منافقان
- ۹۸ - عدم اعتماد به دشمنان

**بخش دوم: رفتارها**

**فصل هفتم: رفتارهای مطلوب فردی**

- ۱۰۲ - اصلاح و خودسازی (تهذیب نفس)
- ۱۰۴ - انجام تکالیف عبادی

- ۱۰۴ ارتباط با خدا (با محوریت نماز)
- ۱۰۶ - ۴۱ - صبر و استقامت
- ۱۰۸ - ۴۲ - علم آموزی
- ۱۱۰ - ۴۳ - رضا به خواسته‌ی الهی
- ۱۱۲ - ۴۴ - شکر نعمت‌های خداوند

**فصل هشتم: رفتارهای نامطلوب فردی**

- ۱۱۶ - ۴۵ - دنیا دوستی
- ۱۱۸ - ۴۶ - هواپرستی (پیروی از شهوات)
- ۱۲۰ - ۴۷ - تکبر و خودبینی
- ۱۲۲ - ۴۸ - بخل و حرص
- ۱۲۴ - ۴۹ - عجب و خودپسندی
- ۱۲۶ - ۵۰ - حسد و کینه‌توزی

**فصل نهم: رفتارهای مطلوب اجتماعی**

- ۱۳۰ - ۵۱ - احسان و نیکی به مردم
- ۱۳۲ - ۵۲ - نیکی به والدین
- ۱۳۴ - ۵۳ - صلۀ ارحام
- ۱۳۶ - ۵۴ - عفو و گذشت
- ۱۳۸ - ۵۵ - تعاون و همکاری
- ۱۴۰ - ۵۶ - ایثار و از خودگذشتگی

۱۴۲ - ۵۷ - وفای به عهد

**فصل دهم: رفتارهای نامطلوب اجتماعی**

۱۴۶ - ۵۸ - بی تفاوتی نسبت به انحراف دیگران  
(ترک نهی از منکر)

۱۴۸ - ۵۹ - تمسخر و تحقیر دیگران

۱۵۰ - ۶۰ - دروغ و فریبکاری

۱۵۲ - ۶۱ - غیبت و بدگویی

۱۵۴ - ۶۲ - تهمت و سوء ظن

۱۵۶ - ۶۳ - مکر و حيله

**فصل یازدهم: رفتارهای مطلوب در خانواده**

۱۶۰ - ۶۴ - تشویق به ازدواج و پاکدامنی

۱۶۲ - ۶۵ - محبت میان همسران (همسر دوستی)

۱۶۴ - ۶۶ - خوش رفتاری با همسر

۱۶۶ - ۶۷ - مسئولیت در برابر هدایت خانواده

۱۶۸ - ۶۸ - وظایف هر یک از همسران

۱۷۰ - ۶۹ - تشویق به تولید و تربیت نسل پاک و صالح

**فصل دوازدهم: رفتارهای مطلوب اقتصادی**

۱۷۴ - ۷۰ - تلاش برای به دست آوردن روزی حلال

۱۷۶ - ۷۱ - پرهیز از معاملات نامشروع اقتصادی (چون ربا)

- ۱۷۸ - ۷۲ - قناعت و ساده‌زیستی
- ۱۸۰ - ۷۳ - دوری از اسراف و تجمل‌گرایی
- ۱۸۲ - ۷۴ - همت و تلاش
- ۱۸۴ - ۷۵ - رعایت انصاف در معاملات اقتصادی
- ۱۸۶ - ۷۶ - انفاق و کمک به نیازمندان



بسم الله الرحمن الرحيم

ان هذا القرآن يهدي للتي هي اقوم ويبشّر المومنين الذين  
يعملون الصالحات ان لهم اجرا كبيرا

«سوره اسراء آيه ۹»

در یک هزار و چهار صد و چهل و هشتمین سال نزول  
قرآن کریم و در ادامه طرح های موفق قرآنی ۱۴۴۱  
تا ۱۴۴۷، و در سال ۱۳۹۳ «سال اقتصاد و فرهنگ با  
عزم ملی و مدیریت جهادی» طرح بزرگ قرآنی ۱۴۴۸  
با رویکرد حفظ موضوعی آیات مقدس قرآن کریم  
می کوشد تا ضمن آموزش مفاهیم آیات مرتبط تلاشی  
در جهت لیبیک به مطالبه مقام معظم رهبری در  
تربیت ده میلیون حافظ قرآن کریم باشد.

این طرح طی یک بازه زمانی ۸۸ روزه از ۲۲ خردادماه  
مصادف با شب ولادت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف تا ۱۶  
شهریور مقارن با میلاد حضرت علی بن موسی الرضا  
علیه آلاف التحیه و الثناء ادامه خواهد داشت.

محور آیات انتخابی در این مجموعه بر اساس  
موضوع «سبک زندگی اسلامی» و در دو بخش «باورها»  
و «رفتارها» اختصاص دارد. خداباوری، الگوشناسی،  
قرآن باوری، شناخت فلسفه سختی ها و مشکلات،

معاد باوری و دشمن شناسی در حوزه «باورها» و رفتارهای فردی مطلوب و نامطلوب، رفتارهای اجتماعی مطلوب و نامطلوب، الگوهای رفتارهای خانواده و رفتارهای اقتصادی در حوزه «رفتارها» اساس محتوای طرح ملی ۱۴۴۸ را شامل می‌شود. امید است تحت توجهات خاصه حضرت ولی عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى و به برکت نظام والای ولایت، شاهد تربیت خیل مشتاقی از حافظان کلام الهی و ارتقای سطح «فرهنگ زندگی» و «زندگی فرهنگی» حول محور قرآن و معارف اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ باشیم.

ستاد طرح بزرگ قرآنی ۱۴۴۸

قال رسول الله ﷺ:

«مَنْ أَعْطَاهُ اللَّهُ حِفْظَ كِتَابِهِ فَظَنَّ أَنَّ أَحَدًا  
أُعْطِيَ أَفْضَلَ مِمَّا أُعْطِيَ فَقَدْ عَظَّمَ مَا حَقَّرَ  
اللَّهُ، وَحَقَّرَ مَا عَظَّمَ اللَّهُ؛

پیامبرگرامی اسلام ﷺ فرمود: هر کس که  
خداوند حفظ کتابش را به او عطا کرده، ولی  
گمان کند به کسی چیزی بهتر از او داده شده  
است، قطعاً چیزی را بزرگ شمرده که خدا  
آن را کوچک دانسته است و چیزی را کوچک  
شمرده که خدا آن را بزرگ دانسته است.»

(کافی: ج ۲ ص ۶۰۴ ح ۵)



یکی از چیزهایی که می‌تواند تدبیر در قرآن را به ما ارزانی بدارد، حفظ قرآن است. ما حافظ قرآن کم داریم. من قبلاً گفتم که در کشور ما حداقل باید يك ميليون نفر حافظ قرآن باشند - حالا يك ميليون که عدد کمی است نسبت به این جمعیتی که ما داریم - اما حالا چون دوستان الحمدلله يك مقدماتی فراهم کرده‌اند، کارهایی را مشغول شده‌اند و دارند برنامه‌هایی را فراهم می‌کنند برای اینکه ان شاء الله حفظ راه بیفتد، ما هم امیدمان بیشتر شده و به جای يك ميليون، می‌گوئیم ان شاء الله ما باید ده ميليون نفر حافظ قرآن داشته باشیم.

بیانات مقام معظم رهبری در جمع قاریان و حافظان و اساتید قرآنی کشور (۱۳۹۰/۵/۱۱)

## بخش اول: باورها

### فصل اول: خدا باوری

۱

### باور به وجود خدا

يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوْا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ  
خَلْقٍ غَيْرِ اللّٰهِ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ  
لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَاَنّىٰ تُوَفِّكُوْنَ



ای مردم! نعمت خدا را بر خود به یاد آورید! آیا آفریننده‌ای جز خدا هست که به شما از آسمان و زمین روزی دهد؟! هیچ معبودی جز او نیست. با این حال، چگونه به سوی راه باطل منحرف می‌شوید؟! (فاطر، ۳)

**توضیح:** مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری سبک زندگی و شاکله‌ی هر کس، جهان بینی اوست. جهان بینی به معنای نوع تفکر و نگرش فرد به جهان هستی و رابطه‌ی آن با خود است. دانشمندان و متفکران بسیاری در طول تاریخ، به این پرسش اساسی بشر پاسخ داده و در این زمینه اظهار نظر کرده‌اند. این امر سبب پیدایش مکاتب دیدگاه‌های گوناگون فکری گشته است. اعتقاد به هر یک از این مکاتب و دیدگاه‌ها تأثیر مستقیمی در نوع رفتار و سبک زندگی هر فرد خواهد داشت. به طور کلی، می‌توان انواع مکاتب و ادیان بشری را به دو دسته تقسیم کرد: ادیان و مکاتب مادی و ادیان الهی. مقصود

## طرح بزرگ قرآنی ۱۴۴۸

از ادیان و مکاتب مادی، آن دسته از مکاتبی است که نقش خدا را در خلقت یا تدبیر جهان نادیده می‌گیرد. مهم‌ترین این مکاتب یا ایدئولوژی‌ها، انسان‌گرایی، عقل‌گرایی، علم‌گرایی، اصالت تجربه و ... است.

در طرف مقابل، جهان بینی الهی و ادیان آسمانی قرار دارند که معتقدند نقشه‌ی راه و شیوه‌ی درست زیستن را باید از خدا و فرستادگانش فرا گرفت.

ملاک درست برای انتخاب جهان بینی، مراجعه به عقل و فطرت حق جو است. به همین جهت، آیات فراوانی از قرآن، انسان‌ها را به مطالعه پیرامون جهان هستی و برگزیدن اعتقاد صحیح دعوت کرده است. در بسیاری از آیات قرآن به برهان نظم به عنوان یکی از دلایل وجود خدا اشاره شده است. این برهان، از دیرباز متداول‌ترین دلیل اثبات خداوند بوده است.

**آیات متناسب:** زمر، ۳۸ / روم، ۳۰ / فصلت، ۵۳.

**حدیث:** پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ حَتَّىٰ أَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ أَوْ نَصْرَانِهِ أَوْ مَجْسَانِهِ» هر نوزادی بر فطرت اسلام متولد می‌شود تا این‌که پدر و مادرش او را یهودی یا مسیحی یا آتش پرست می‌گردانند. «شرح الأخبار: ج ۱ ص ۱۹۰»

برگ درختان سبزدر نظر هوشیار

هرورقش دفتری است معرفت کردگار

## باور به علم و آگاهی خدا از اعمال

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلَهُ مَا تُوَسَّوَسُ بِهِ

نَفْسُهُ، وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ جَبَلٍ أَلْوَرِيدِ ﴿١٦﴾

إِذْ يَنْتَقِي الْمَتَلَقِيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿١٧﴾

مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿١٨﴾

همانا انسان را آفریدیم و همواره آنچه را که باطنش به او وسوسه می‌شود، می‌دانیم، و ما به او از رگ گردن نزدیک‌تریم. (۱۶) [یاد کن] دو فرشته‌ای که همواره از طرف راست (خوبی‌ها) و از طرف چپ (بدی‌ها)، همراه انسان هستند و اعمالش را ثبت و ضبط می‌کنند. (۱۷) هیچ سخنی را به زبان نمی‌گوید؛ جز این که نزد آن نگهبانی آماده است. (۱۸) (سوره ق)

**توضیح:** شناخت و توجه به هر یک از اوصاف الهی، آثار تربیتی فراوانی را با خود به همراه دارد. از جمله‌ی این اوصاف، علم خداوند و احاطه‌ی دقیق پروردگار به اعمال بندگان است. توجه به این حقیقت، سبب می‌گردد تا انسان همواره خود را در محضر خالق خویش ببیند و از عملی که موجب ناخشنودی وی گردد، دوری کند. انسانی که خود را در محضر الهی می‌بیند، نه تنها



مرتکب گناه نمی‌شود؛ بلکه اندیشه و فکر گناه را نیز در ذهن خود نمی‌پروراند. اولیای الهی، عالم را محضر خداوند می‌دانند و در محضر خدا از معصیت و گناه دوری می‌کنند.

خداوند حتی از خطورات قلبی بندگان و وسوسه‌های زودگذر افکار آنان آگاه است. در آیه‌ی فوق، خداوند برای ترسیم این علم و احاطه، تأکید نموده است که از رگ گردن به بندگانش نزدیک‌تر است. این تعبیر هم نشان از عمق نزدیکی خالق با مخلوق دارد و هم زمینه‌ی دوری بیشتر انسان از محرمات و نافرمانی خدا را فراهم می‌نماید. این در حالی است که فرشتگان مخصوصی نیز همراه انسان گمارده شده‌اند تا تمام اعمال وی را ثبت و ضبط نمایند.

**آیات متناسب:** انعام، ۵۹ / علق، ۱۴ / انعام، ۳.

**حدیث:** پیامبر اکرم ﷺ: «يَا أَبَا ذَرٍّ! اعْبُدِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ؛ ای ابوذر! خدا را آن چنان عبادت کن که گویی او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را به خوبی می‌بیند.» بحار الأنوار: ج ۷۴ ص ۷۴

یار نزدیک‌تر از من به من است  
وین عجب بین که من از وی دورم

### باور به رحمت و مهرورزی خدا

وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ  
 سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ  
 الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا  
 بِجَهَلَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ

غُفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥٤﴾

و هر گاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو می آیند، به آن ها بگو: «سلام بر شما! پروردگارتان رحمت را بر خود واجب کرده است؛ هر کس از شما کار بدی از روی نادانی کند، سپس توبه و اصلاح نماید، (مشمول رحمت خدا می شود؛ زیرا) او آمرزنده مهربان است.» (انعام، ۵۴)

**توضیح:** یکی از مهم ترین باورهای اعتقادی ما که تأثیر فراوانی در ایجاد امید در بندگان دارد، باور به مهرورزی و رحمت خداست. این باور سبب می شود تا بندگان همواره خود را چون کودکی در دامن مهر و محبت خداوند ببینند و بدین ترتیب، ارتباط آنان با خالق، نزدیک تر و ملموس شود.

گفتنی است خداوند دو گونه رحمت دارد: ۱- رحمت عام که شامل همه ی مخلوقات عالم اعم از مؤمن و کافر، نیکوکار و بدکار می باشد. صفت «رحمان» به این نوع رحمت خداوند اشاره دارد. ۲- رحمت خاص و ویژه که تنها به مؤمنان و نیکوکاران اختصاص می یابد. صفت «رحیم» به این نوع رحمت اشاره دارد. مقصود از رحمت عام، همان مواهب گوناگون و گسترده ی پروردگار بر بندگان است که ادامه ی حیات را برای آنان ممکن می سازد؛ نعمت هایی نظیر وجود، رزق و روزی و پاسخ به نیازهای مادی و روحی بشر. مقصود از رحمت خاصه هم فضل و احسان ویژه ی خدا می باشد که مختص مؤمنان و اولیای الهی است. از جلوه های بارز این رحمت می توان به توفیق عبادت و بندگی بیشتر، ولایت اهل بیت علیهم السلام، بهره مندی از پاداش اخروی و ... اشاره نمود.

**آیات متناسب:** زمر، ۵۳ / اعراف، ۱۵۶ / حجر، ۵۶.

**حدیث:** پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: خداوند به داوود وحی کرد: «ای داوود! همان گونه که خورشید نور خود را از کسانی که زیر آن نشسته اند، دریغ نمی کند، رحمت من نیز هر کسی را که در آن داخل شود، در بر می گیرد.» نورالثقلین، ج ۲، ص ۷۸

تو مگو ما را بر آن شه بار نیست  
با کریمان کارها دشوار نیست

## باور به انتقام خدا از ظالمان

فَلَا تَخْسَبَنَّ اللَّهَ مَخْلُفًا وَعَدِيهِ رُسُلَهُ

إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ﴿٤٧﴾

پس گمان مبر که خدا وعده‌ای را که به پیامبرانش داده، تخلف کند! چرا که خداوند قادر و انتقام گیرنده است. (ابراهیم، ۴۷)

**توضیح:** در کنار مطالبی که پیرامون رحمت خداوند و مهر او به بندگان گفته شد، از این نکته نیز نباید غافل شد که خداوند هیچ‌گاه از اعمال زشت کافران غافل نشده و آنان را مشمول عذابی به مراتب دردناک‌تر از بلایی دنیایی می‌گرداند. این نکته اگرچه به ظاهر مطلبی ساده و ابتدایی به نظر می‌رسد، ولی هم در دل مؤمنان ایجاد امید و انگیزه می‌کند و هم پاسخ‌گوی بسیاری از شبهات پیرامون تحقق عدل الهی در جهان می‌باشد؛ یعنی به همگان تأکید می‌کند که عدالت پروردگار در این دنیا و جهان آخرت به صورت کامل تحقق می‌یابد و این چنین نیست که کافران از زندگی بهتر و نعمت خوشتر بهره ببرند، ولی مؤمنان در سختی و رنج باشند.

باور به انتقام گرفتن خدا از ظالمان، زمانی اهمیت

دوچندان می‌یابد که بدانیم بسیاری از انتقام‌های خداوند جنبه‌ی اجتماعی دارد؛ یعنی به نابودی کلی یا سلب نعمت از تمام اجتماع می‌انجامد. سراسر قرآن پر از حکایت سرگذشت اقوام و اشخاصی است که از فرمان خدا سرپیچی کرده و به عذاب نابودکننده‌ی او گرفتار شدند.

بنابراین باید پذیرفت و باور کرد که خداوند عهده دار حفظ دین خود بوده و نسبت به نافرمانی متکبران و سرکشان بی‌تفاوت نخواهد بود.

**آیات متناسب:** ابراهیم، ۴۲ / زخرف، ۴۱ / بروج، ۱۲.

**حدیث:** امام صادق علیه السلام: «به خداوند امیدوار باش، امیددی که تو را برانجام معصیتش جرات نبخشد و از خداوند بیم داشته باش بیمی که تو را از رحمتش ناامید نگرداند.» وسایل التبیان: ج ۱۵ ص ۲۱۸

از خدنگ انتقام آه مظلومان بترس  
ای ستمگر تکیه بر زور کمان خود مکن

۵

باور به قدرت خدا و توکل بر او

... وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ  
بَلِغُ أَمْرِهِ ...

... و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند  
خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند... (طلاق، ۳)

**توضیح:** باور به قدرت بی‌نهایت خداوند و توکل بر او، آثار  
و برکات ظاهری و باطنی فراوانی در زندگی انسان دارد و  
علاوه بر ایجاد امید و شوق به زندگی در او، عزت و کرامت  
او را نیز در برابر سایر مخلوقات حفظ می‌کند.

به همین منظور، آیات فراوانی از قرآن به فضیلت توکل  
و اتصاف مؤمنان به آن اختصاص دارد. توکل به آن  
معناست که انسان در همه‌ی امور زندگی، به خداوند  
تکیه کرده و او را وکیل خویش قرار دهد و به همین دلیل،  
از والاترین مقامات اولیای الهی است.

ناگفته پیداست که توکل به این معنا نیست که انسان  
برای تحصیل معاش، اسباب عادی و علل طبیعی را وا  
نهداده و هیچ تلاشی نکند تا خداوند وی را یاری نماید؛  
بلکه توکل به معنای اطمینان به یاری خداوند است و  
نشانه‌ی آن، رضایت به مقدرات الهی در کامیابی‌ها و  
ناکامی‌هاست.

توکل در حقیقت، نتیجه‌ی عملی اعتقاد به توحید افعالی

است. توحید افعالی بدان معناست که تنها مؤثر در عالم، خداوند است و هیچ یار و یاورى نداشته و نیز هیچ کس را یارای مقابله با وی نیست. مرگ و زندگى، عزت و ذلت، پیروزی و شکست و به طور کلی هر رخداد و اثرى که در جهان هستى است، از اراده و مشیت خدا سرچشمه مى گیرد و هیچ موجودى نمى تواند مستقلاً و بدون اتکا به اراده ی او کارى انجام دهد. مضمون این حقیقت را ما بارها به هنگام ذکر مبارك «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» زمزمه مى کنیم. این آیات زیبا و خواندنى نیز بیان گر همین مطالب است:

قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمَلِكَ مِنْ تَشَاءٍ وَتَنْزِعُ الْمَلِكَ مِنْ تَشَاءٍ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٦﴾

بگو: خدایا! ای مالک همه ی موجودات! به هر که خواهی حکومت مى دهی و از هر که خواهی حکومت را مى گیری، و هر که را خواهی عزت مى بخشی و هر که را خواهی خوار و بی مقدار مى کنی، هر خیرى به دست توست، یقیناً تو بر هر کارى توانایی. (آل عمران، ۲۶)

**آیات متناسب:** طلاق، ۳ / زمر، ۳۸ / زمر، ۳۶.

**حدیث:** امام جواد علیه السلام: «الثِّقَّةُ بِاللَّهِ ثَمَنٌ لِكُلِّ غَالٍ وَ سَلْمٌ لِكُلِّ عَالٍ؛ اعتماد [و توکل] بر خداوند متعال، بهای هر چیز گران و نردبان رسیدن به هر بلندی است.» بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۳۶۴

حق غنى است، بروپیش غنى / نزد مخلوق، گدایی بس کن

۶

### باور به یاری و نصرت خداوند

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن نَّصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ

وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ ﴿٧﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد. (محمد، ۷)

**توضیح:** خداوند کریم در قرآن بارها به مؤمنان و پرهیزکاران وعده داده است که بر دین او پایداری و استقامت کرده و حجت‌های او (پیامبر، امامان و جانشینان آن‌ها) را یاری نمایند، او نیز به یاری مؤمنان خواهد آمد و آنان را در تندبادهای سخت زندگی تنها نخواهد گذاشت. نکته‌ی قابل توجه آن است که در این آیه استقامت و پایداری در دین، نتیجه‌ی یاری کردن خدا عنوان شده است؛ یعنی گام برداشتن در راه تحقق دین و آرمان‌های ناب اسلام سبب استواری و ثبات بیشتر در این راه می‌شود. بنابراین حتی مؤمنانی که نسبت به پیروزی نهایی خود بر کفار ناامید یا متزلزل هستند، می‌توانند با قدم برداشتن در این مسیر، خود را دارای ثبات و اطمینان بیشتر بسازند.

به هر حال، خداوند متعال در این آیه و آیات دیگر به مؤمنان وعده‌ی پیروزی بر کفار را داده است. این وعده در طول تاریخ بارها محقق شده است، ولی تحقق نهایی و کامل آن در آخرالزمان خواهد بود؛ زمانی که حکومت صالحان در زمین جهانی شود و کافران و ظالمان خوار و ذلیل گردند. اعتقاد به





## باور به قدرت خدا در ریشه کن کردن دشمنان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ (۱)  
 أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضَلُّلٍ (۲) وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ  
 طَيْرًا أَبَابِيلَ (۳) تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّنْ  
 سِجِّيلٍ (۴) فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ (۵)

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان؛ آیا ندیدی پروردگارت با اصحاب فیل (لشگر ابرهه که به قصد نابودی کعبه آمده بودند) چه کرد؟! (۱) آیا نقشه‌ی آن‌ها را در ضلالت و تباهی قرار نداد؟ (۲) و بر سر آن‌ها پرندگانی را گروه گروه فرستاد. (۳) که با سنگ‌های کوچکی آن‌ها را هدف قرار می‌دادند. (۴) در نتیجه آن‌ها را هم چون کاه خورده شده قرار داد. (۵) (فیل)

**توضیح:** همان‌گونه که پیشتر نیز گفته شد، اعتقاد به قدرت بی‌نهایت خداوند در کنار توحید افعالی (یعنی همه کاره بودن)، زنجیره‌ای از باورها و رفتارها را در وجود انسان تشکیل می‌دهد که هر کدام از آن‌ها تأثیر فراوانی در موفقیت و سعادت او دارد. یکی از این باورها، باور به تحقق وعده‌های پروردگار است که در آیات قبل به چند مورد از آن‌ها اشاره شد. یکی از این وعده‌ها،

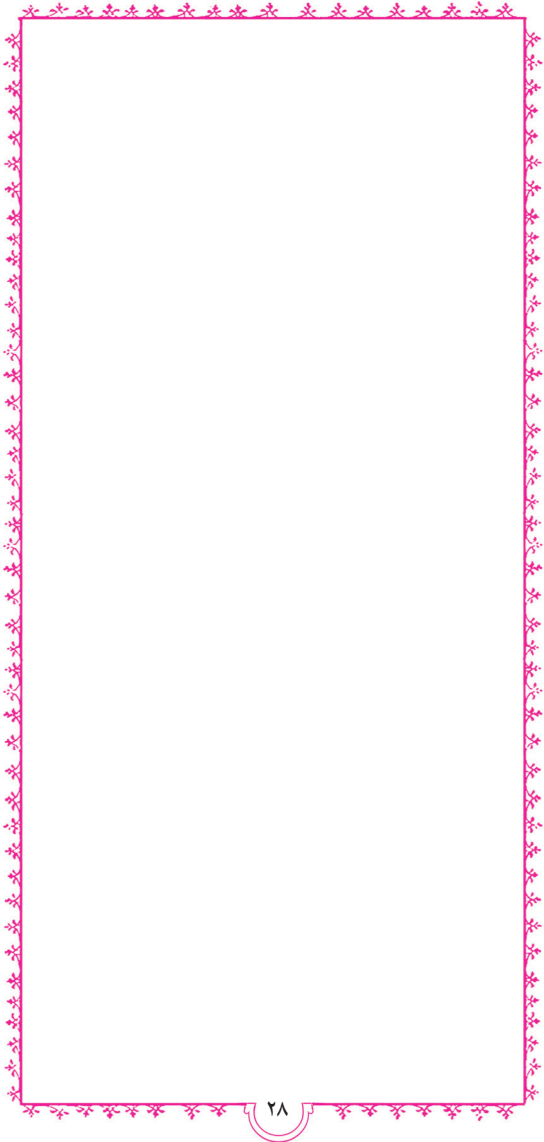
حمایت خداوند از دین خود و ریشه کن کردن دشمنان دین است که آیات زیادی از قرآن را به خود اختصاص داده است.

داستان اصحاب فیل، نمونه‌ی بارز و آشکار تحقق این وعده است. ابرهه - پادشاه یمن - به قصد تخریب و نابودی کعبه، با تجهیزات جنگی مُدِرِن آن زمان، سپاهی قدرت مند تشکیل داد و به سمت مکه به راه افتاد. ساکنان مکه با دیدن سپاه نیرومند ابرهه گریختند و بزرگ مکه - عبدالمطلب - حفاظت و نگاهبانی از خانه‌ی کعبه را به خود خداوند که صاحب آن بود، سپرد. خداوند نیز سپاهی را به سوی ابرهه و لشکرش اعزام کرد؛ سپاهی که لشکریانش جنه‌ی کوچک داشته و تجهیزاتش به اندازه‌ی یک ریگ بیابان بود؛ اما چنان نیرومند بود که حتی فیل‌های غول پیکر آنان را هم تار و مار کرد. این نمونه‌ی بزرگ و روشنی از چیرگی قدرت پروردگار بر قدرت‌های پوشالی ظالمان و طاغیان است.

**آیات متناسب:** عنکبوت، ۴۰ / فصلت، ۱۶ / روم، ۴۷.

**حدیث:** پیامبر اکرم ﷺ «مَنْ صَبَرَ وَاحْتَسَبَ لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يُقَرَّ اللَّهُ لَهُ عَيْنُهُ فِي أَعْدَائِهِ مَعَ مَا يَدْخُرُ لَهُ فِي الْآخِرَةِ؛ هر کس صبر کند و مزدش را از خدا بطلبد، نمی‌میرد تا این که خداوند چشم او را در دنیا با انتقام از دشمنانش شادمان می‌کند؛ علاوه بر ثوابی که در آخرت برایش ذخیره کرده است.» کافی: ج ۲، ص ۸۹، ح ۳.

میان قهر خدا و عدو مشو حایل  
به انتقام الهی گذار دشمن را



طرح بزرگ قرآنی ۱۴۴۸

## فصل دوم: الگوشناسی

### الگو بودن پیامبران

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ  
 يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ  
 الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٦﴾

(آری) برای شما در زندگی آنها اسوه حسنه (و سرمشق نیکویی) است، برای کسانی که امید به خدا و روز قیامت دارند و هر کس سرپیچی کند به خویشتن ضرر زده است، زیرا خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است! (ممتحنه، ۶)

**توضیح:** بدون تردید، هر انسانی برای انتخاب و پیمودن بهتر سبک، شیوه و مسیر زندگی، نیاز به نقشه و برنامه و نیز الگو و راهنما دارد. به همین جهت، خداوند متعال فرستادگانی را از میان مردم برانگیخته است تا هم نقشه‌ی راه و برنامه‌ی مشخص را از سوی او برای بندگان تبیین نمایند و هم خود به مثابه‌ی الگوی عینی و ملموس آیین بندگی را به اجرا درآورند. به همین جهت است که خداوند کریم در چند جای قرآن تأکید کرده است که پیامبران از میان بشر برگزیده شده و هم چون شما در زمین راه رفته و غذا می‌خورند.

آیات فراوانی از قرآن، پیامبران را الگوی زندگی مردم معرفی کرده و مؤمنان را به پیروی از اخلاق و سیره‌ی زندگی آنان فرا خوانده است.

برجسته‌ترین ویژگی‌های پیامبران در قرآن عبارت است از: ۱- بندگی تام و اطاعت بی چون و چرا از دستورات دین. ۲- صبر و استقامت در برابر مشکلات. ۳- مبارزه‌ی عملی و تمام‌عیار با فسادهای رایج در هر زمان. ۴- کوشش خستگی‌ناپذیر در راه تبلیغ و ترویج احکام و معارف دین.

شایان ذکر است که دستور به پیروی مطلق از پیامبران، به معنای عصمت آنان از هرگونه خطا و گناه هست و این موافق اعتقاد مسلمانان نیز هست. در پایان آیه نیز بر این نکته تأکید شده است که مخالفت با سیره‌ی عملی پیامبران، تنها به زیان خود افراد خواهد بود؛ نه خداوند متعال.

**آیات متناسب:** انعام، ۹۰ / نساء، ۱۶۵ / فرقان، ۲۰.

**حدیث:** امام صادق علیه السلام: «**إِنَّمَا بَعَثَ الرَّسُلَ لِيَدْعُوا النَّاسَ**

**إِلَى الْإِيمَانِ بِاللَّهِ**؛ خداوند پیامبران را مبعوث نمود تا مردم را به ایمان به خدا [در اعتقاد و عمل] دعوت کنند.»

علل الشرائع: ج ۵ ص ۱۲۱

پی نیک مردان بیاید شتافت

که هر کاین سعادت طلب کرد یافت

الگو بودن پیامبر اکرم ﷺ

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن  
 كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ﴿٢١﴾

یقیناً برای شما در [روش و رفتار] پیامبر خدا الگوی  
 نیکویی است برای کسی که همواره به خدا و روز قیامت  
 امید دارد و خدا را بسیار یاد می‌کند. (احزاب، ۲۱)

**توضیح:** همان‌گونه که اشاره شد، مهم‌ترین هدف  
 رسالت پیامبران، هدایت انسان‌ها از تاریکی‌های  
 جهل و ناآگاهی به سوی نور و کمال است. آنان علاوه  
 بر شکوفایی دو نور هدایت درونی بندگان - یعنی عقل  
 و فطرت - خود نیز دست بندگان را گرفته و آنان را به  
 سوی خیر و صلاح ابدی راهنمایی می‌کنند. در این  
 میان، وجود پیامبر خاتم - حضرت محمد مصطفی ﷺ -  
 وجودی سراسر خیر و رحمت و مملو از آثار و برکات فراوان  
 برای انسان‌ها بوده است.

قرآن کریم، بعثت آن حضرت را نعمتی بسیار بزرگ  
 برای مؤمنان دانسته است و در چند جا - از جمله آیه‌ی  
 فوق - آن حضرت را الگوی تمام‌نمای حق، معرفی کرده  
 و مؤمنان را به تماشای سیره‌ی ملکوتی وی و اقتدای  
 کامل به وی فرا می‌خواند.



پیامبر ﷺ در همه‌ی زمینه‌ها، بهترین الگو برای مؤمنان است. عبادت و بندگی خداوند، اخلاص و توجه به خدا، استقامت و شکیبایی در برابر مشکلات، حسن خلق و رابطه‌ی نیکو با همگان، مدیریت و رهبری صحیح جامعه و دیگر شئون فردی و اجتماعی آن حضرت هر کدام می‌تواند الگو و سرمشقی برای همه‌ی مسلمین باشد. تقوا معیار فضیلت اشخاص نزد خداوند است و نباید نسبت به انسان‌ها از منظر ویژگی‌های جسمی، اقتصادی، علمی و ... قضاوت نمود.

**آیات متناسب:** آل عمران، ۱۶۴ / سبأ، ۲۸ / نجم، ۳.

**حدیث:** امام علی ع: «او [پیامبر ﷺ] بخشنده‌ترین، دلیرترین، راست‌گوترین، خوش‌عهدترین و نرم‌خوترین مردم بود و رفتارش از همه بزرگوارانه‌تر بود. نظیر او را در گذشته و حال ندیده‌ام.» مکارم الأخلاق: ج ۱ ص ۵۱ ح ۲۰.

قدم در راه مردی نه که راه و گاه و جاهش را

نباشد تا ابد مقطع، نبودست از ازل مبدأ

## سجایای اخلاقی پیامبر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَّ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ ﴿١﴾ مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ

بِمَجْنُونٍ ﴿٢﴾ وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ ﴿٣﴾

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ ﴿٤﴾

به نام خداوند بخشنده مهربان\* سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند، (۱) که به سبب رحمت پروردگارت تو مجنون نیستی؛ (۲) و بی‌تردید برای تو پاداشی همیشگی است؛ (۳) و یقیناً تو بر بلندای سجایای اخلاق عظیمی قرار داری. (۴) (قلم)

**توضیح:** سجایای اخلاقی پیامبر اکرم ﷺ، به قدری رفیع و بلند است که خداوند متعال در قرآن کریم بارها به تمجید و ستایش از آن پرداخته است. در پرتو همین سیرت نیکو بود که وی توانست دل‌های خفته‌ی بسیاری را بیدار ساخته و به آیین خود فراخواند. آن حضرت از چنان اخلاق نیکویی برخوردار بود که دشمنان و مخالفان سرسخت وی نیز به آن اعتراف داشتند. در آیه‌ی فوق، به پایداری و رسوخ ملکات اخلاقی در وجود پیامبر اکرم ﷺ اشاره شده است.

در میان سجایای گوناگون اخلاقی پیامبر اکرم ﷺ، قرآن

بر عبادت و بندگی بسیار آن حضرت در پیشگاه خداوند، نرم خویی و تواضع نسبت به مؤمنان، اشتیاق شدید و کوشش خستگی ناپذیر در هدایت مردم و صبر و استقامت در برابر دشمنان تأکید بیشتری دارد.

در برخی روایات، مراد از «خُلِقَ عَظِيمٌ» در آیه، همان آیین اسلام دانسته شده است که سراسر احکام و معارف آن خوبی و نیکی است.

**آیات متناسب:** احزاب، ۴۵ و ۴۶ / آل عمران، ۱۵۹ / انبیاء، ۱۰۷.

**حدیث:** امام صادق علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَدَبٌ نَبِيَّهُ فَلَمَّا أَكْمَلَ لَهُ الْأَدَبَ قَالَ «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»؛ خداوند پیامبرش را به نیکوترین اخلاقها تأدیب نمود. زمانی که این ادب را تمام و کامل کرد، به او فرمود: «یقیناً تو بر اخلاق بزرگی قرار داری.» کافی، ج ۱، ص ۲۶۶

نگار من که مکتب نرفت و خط ننوشت

به غمزه مسئله آموز صد مدرس شد

### لزوم پیروی از پیامبر

... وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ

#### الْعِقَابِ ﴿٧﴾

و [از اموال و احکام و معارف دینی] آنچه را پیامبر به شما عطا کرد بگیرید و از آنچه شما را نهی کرد، باز ایستید و از خدا پروا کنید؛ زیرا خدا سخت کیفر است (حشر، ۷)

**توضیح:** خداوند متعال، به موازات تمجید از اخلاق نیکوی پیامبر و بیان عصمت آن حضرت، مؤمنان را به پیروی مطلق و بی چون و چرا از کردار و گفتار فرستاده‌ی خویش فرمان می‌دهد تا جایی که اطاعت و پیروی از پیامبر ﷺ را عین اطاعت از خود خوانده و نافرمانی و معصیت از دستور رسولش را سرپیچی از فرمان خود می‌خواند.

آیه‌ی فوق به روشنی بر این مطلب گواهی می‌دهد؛ زیرا در ذیل آیه همگان را به تقوای از خدا سفارش و مخالفان با دستور پیامبر ﷺ را به عذاب شدید تهدید نموده است. گفتنی است این آیه نیز یکی از آیاتی است که بر عصمت پیامبر اسلام ﷺ دلالت دارد؛ زیرا پیروی مطلق تنها از

کسی معقول و مشروع است که مصون از خطا و گناه باشد. از این رو، پذیرش ولایت پیامبر ﷺ در طول اطاعت از خدا و ولایت پذیری از پروردگار است.

در چند جای دیگر قرآن آمده است که خواست و اراده‌ی وجود مبارک پیامبر اسلام ﷺ در همه‌ی موضوعات فردی و اجتماعی بر خواست مؤمنان اولویت دارد. بی‌گمان پذیرش چنین ولایتی به معنای ترجیح منافع شخصی فردی بر دیگران نیست؛ بلکه از آن جهت است که پیامبر اعظم ﷺ دارای مقام عصمت بوده و جز به مصلحت مؤمنان نمی‌اندیشد. مصادیق بارز ولایت‌پذیری از پیامبر ﷺ پذیرش حکومت دینی، مرجعیت علمی و اطاعت در احکام قضایی و ... می‌باشد.

**آیات متناسب:** احزاب، ۳۶ / نساء، ۸۰ / انفال، ۲۰.

**حدیث:** امام باقر علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَوَّضَ إِلَى نَبِيِّهِ ﷺ أَمْرَ خَلْقِهِ لِيَنْظُرَ كَيْفَ طَاعَتْهُمْ؛ به درستی که خداوند متعال کار خلقش را به پیغمبرش واگذارد تا ببیند فرمان بری آنها چگونه است؟» کافی: ج ۱ ص ۲۶۶ ح ۳.

اگر تو حکمت آموزی به دیوان محمد رو

که بوجهل آن بود کو خود به دانش بوالحکم گردد

پیروی از پیامبر؛ سبب زنده شدن دل ها

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ  
وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ  
وَأَعْلَمُوا أَنَّهُ اللَّهُ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ  
وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ



ای اهل ایمان! هنگامی که خدا و پیامبرش شما را به حقایقی که به شما [حیات معنوی و] زندگی [واقعی] می بخشد، دعوت می کنند اجابت کنید، و بدانید که خدا میان آدمی و دلش حایل می شود [تا حق را باطل و باطل را حق مپندارد] و مسلماً همه شما به سوی او محشور خواهید شد. (انفال، ۲۴)

**توضیح:** همان گونه که گفته شد، خداوند متعال اطاعت و پیروی مطلق از کردار و گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بر همه ی مؤمنان واجب نموده است. این اطاعت پذیری نه تنها موجب رشد و کمال معنوی بندگان می گردد؛ بلکه به آنان حیات واقعی بخشیده و دل هایشان را بیدار می سازد.

از آیه ی فوق چند نکته فهمیده می شود:

۱- هدف اصلی از ادیان آسمانی، بخشیدن حیات همه جانبه به انسان هاست.

۲- حیات واقعی از منظر قرآن، رشد عقلی و بیداری دل هاست؛ نه رشد و نمو جسمانی. به همین دلیل، قرآن کسانی را که ندای خداجویی و خداپرستی را در درون خویش خاموش ساخته و در غفلت و گمراهی مطلق به سر می‌برند، مرده می‌داند. (نمل، ۸۰)

۳- حیات واقعی و پاکیزه تنها در بندگی خداوند و اطاعت از انبیاء تحقق می‌یابد.

۴- محتوای دعوت پیامبر ﷺ عیناً با دعوت خداوند مطابقت می‌نماید. (لفظ «دَعَاكُمْ» به صورت مفرد آمده است.)

**آیات متناسب:** نحل، ۹۷ / آل عمران، ۳۱ / انعام، ۱۲۲.

**حدیث:** امام علی علیه السلام - در وصف پیامبر ﷺ - : «**طَبِيبٌ دَوَّارٌ**  
**بَطْبِهِ:** او طبیبی است که به دنبال بیماران گشته تا آنان را درمان نماید.» نهج البلاغه، خ ۱۰۸

هست دین مصطفی دین حیات

شرع او تفسیر آیین حیات

گر زمینی آسمان سازد تورا

آنچه حق می خواند آن سازد تورا

الگو بودن امامان معصوم علیهم السلام

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ  
وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ  
إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ  
الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٥٩﴾

ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و [نیز] از پیامبر و صاحبان امر خودتان [که امامان از اهل بیت اند و چون پیامبر دارای مقام عصمت می باشند] اطاعت کنید. و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، چیزی را که اختلاف دارید، به خدا و پیامبر ارجاع دهید؛ این کار برای شما بهتر و از نظر عاقبت نیکوتر است. (نساء، ۵۹)

**توضیح:** بنا بر اعتقاد شیعیان، لطف و حکمت خداوند متعال اقتضا می نماید تا در هر زمانی فردی را برای هدایت بندگان برگزیند؛ زیرا بزرگ ترین منشأ گمراهی هرامتی، نبود رهبر صالح و پیروی از افراد ناشایست در امور دینی است. بنابراین، خداوند پس از حیات مبارک پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز باید افرادی آگاه و شایسته را برای رهبری مؤمنان معرفی نماید. این کار به دست مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله بارها صورت گرفت. در قرآن نیز آیات زیادی جانشینان بر حق پیامبر صلی الله علیه و آله را مشخص کرده اند.



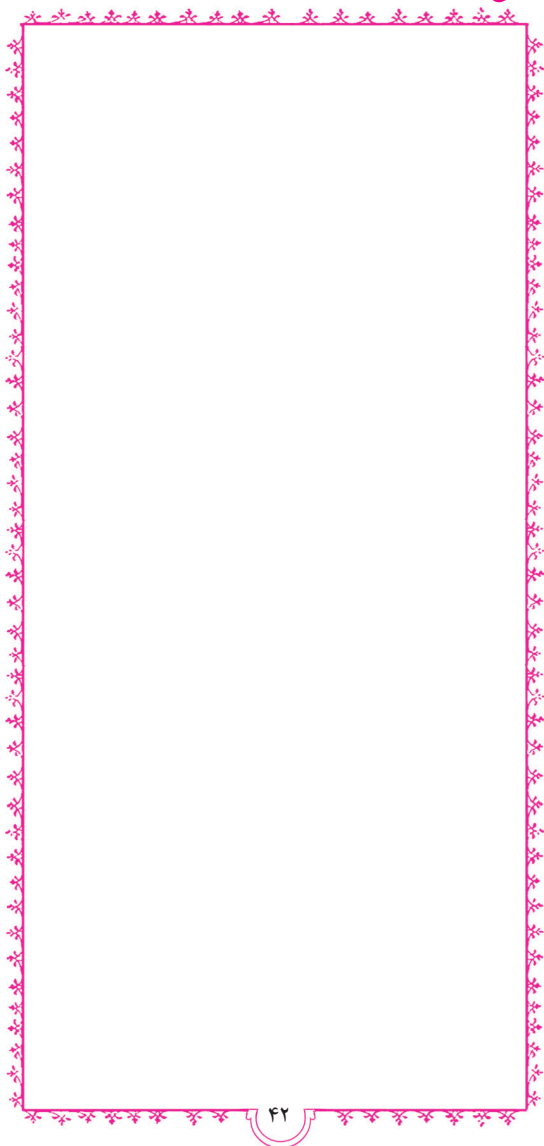
آیه ی «اولوالأمر» یکی از مهم ترین آیات در اثبات امامت و عصمت امامان می باشد. بنا بر این آیه، خداوند اطاعت از «اولوالأمر» را در کنار اطاعت از خود و رسولش قرار داده و از مؤمنان می خواهد در تمام امور زندگی خود از آنان اطاعت کنند. روایات متعددی در منابع شیعه و اهل سنت نقل شده که همگی گواهی می دهند که منظور از «اولوالأمر» ائمه ی معصومین علیهم السلام می باشند و حتی در بیشتر آن ها نام امامان صریحاً ذکر شده است.

گفتنی است از آیات قرآن فهمیده می شود که در روز قیامت هر فرد به همراه پیشوای خود محشور می شود. این به معنای اهمیت نقش رهبری در سرنوشت انسان هاست. با این وجود، باید به انتخاب برترین و کامل ترین پیشوای دینی پرداخت تا از گزند لغزش و گمراهی های احتمالی در امان باشیم. این مطلب دلیل روشنی بر ضرورت نیاز به امامان معصوم علیهم السلام و نیز جانشینان عام آنان در عصر غیبت (ولایت فقیه) است.

**آیات متناسب:** رعد، ۷ / اسراء، ۷۱ / مائده، ۵۵.

**حدیث:** امام باقر علیه السلام: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ». اسلام بر پنج رکن استوار شده است: نماز و زکات و روزه و حج و ولایت. و به هیچ یک به اندازه ی ولایت سفارش نشده است. «کافی: ج ۲ ص ۱۸ ح ۲».

سعدی اگر عاشق کنی و جوانی  
عشق محمد بس است و آل محمد



طرح بزرگ قرآنی ۱۴۴۸

فصل سوم:

# قرآن باوری

### شناخت عظمت قرآن

اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَبِهًا مَثَانِي  
 نَقَشِعُرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ  
 تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَٰلِكَ  
 هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ ۚ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضِلِلِ  
 اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٢٣﴾

خدانیکوترین سخن را نازل کرد، کتابی که [آیاتش درنظم، زیبایی، فصاحت، بلاغت و عمق محتوا] شبیه یکدیگر است، مشتمل بر داستان‌های پندآموز است؛ از شنیدن آیتش پوست کسانی که از پروردگارشان می‌هراسند به هم جمع می‌شود، آن گاه پوستشان و دلشان به یاد خدا نرم می‌گردد و آرامش می‌یابد. این هدایت خداست که هر که را بخواهد به آن راهنمایی می‌کند؛ و هر که را خدا گمراه کند، او را هیچ هدایت‌کننده‌ای نخواهد بود. (زمر، ۲۳)

**توضیح:** قرآن کتاب هدایت‌گر انسان‌ها، شفاف‌بخش سینه‌ی دردمندان و نورشکافنده‌ی تاریکی‌هاست. چه بسیار انسان‌های فرزانه‌ای که بر سر خوان گسترده‌ی این «مأدبة الله» نشستند و از گنجینه‌ی پایان‌ناپذیر علوم و معارف آن توشه برداشتند. زلال جاری قرآن نه

فقط مردم عصر نزول آن؛ بلکه سیل تشنگان معرفت و نور را تا ابد سیراب خواهد کرد. این معجزه‌ی جاوید پیامبر اسلام ﷺ بود که ندای تحدی آن هنوز هم صدای مخالفان و عنادورزان را در گلو خفه کرده و حجت تمامی است بر حقانیت دین اسلام. قرآن کریم نیکوترین سخنان است. آیاتش هم دیگر را تصدیق می‌نماید؛ در آن هیچ نشانی از تضاد و مخالفت نیست؛ از فصاحت و شیوایی بی نظیری برخوردار است. آیات عذابش مؤمنان را به خوف و هراس افکنده و آیات دل‌نشین ثوابش، آنان را به فضل الهی امیدوار می‌کند.

**آیات متناسب:** حشر، ۲۱ / واقعه، ۷۵ تا ۸۰ / اسراء، ۸۸.

**حدیث:** پیامبر اکرم ﷺ: «فَضْلُ الْقُرْآنِ عَلَى سَائِرِ الْكَلَامِ كَفَضْلِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ» برتری قرآن بر دیگر سخنان، چون برتی خداوند بر مخلوقاتش است. « بحار، ج ۸۹، ص ۱۹

نقش قرآن تا درین عالم نشست  
نقش های پاپ و کاهن را شکست  
فاش گویم آنچه در دل مضمراست  
این کتابی نیست چیزی دیگر است  
چون به جان در رفت جان دیگر شود  
جان چو دیگر شد جهان دیگر شود.

## اوصاف و ویژگی های قرآن

... وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا  
لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى

لِلْمُسْلِمِينَ ﴿٨٩﴾

... و این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر هر چیزی و هدایت و رحمت و مژده ای برای تسلیم شدگان [به فرمان های خدا] ست. (نحل، ۸۹)

**توضیح:** قرآن، پندی است که ژرفای ضمیر را تکان می دهد؛ داروی شفا دهنده ای است که سینه ها را از آلودگی های گناه و پلیدی های شرک پاک می کند؛ چراغ فروزانی است که تاریکی های جهل و خرافه را می شکافد؛ مایه ی رحمت برای مؤمنان و زمینه ساز دوری بیشتر کافران و کوردلان است.

آری! هر کس به آیات قرآن عمل کرده و مفاهیم آن را در قلب و جانش باور کند، رحمت خدا بر او نازل شده و آرام روحی و جسمی اش تسکین می یابد و در مقابل، کسی که از این خوان گسترده ی نعمت بهره ای نبرده و نسبت به احکام و معارف آن بی اعتنا باشد، بر گمراهی اش افزوده می گردد؛ چرا که حجت بر او تمام شده و نعمت را تبدیل به نعمت کرده است.

در این آیه بیان شده است که قرآن کریم از هیچ مطلبی که در راه رشد و کمال آدمی نیاز باشد، فروگذار نکرده است. به عبارت روشن تر، هیچ موضوعی نیست که در قرآن برای آن راه کار دینی ارائه نشده باشد؛ اگرچه این راه کار به صورت بیانی کلی و فراگیر باشد. آیا ابلهانه نیست که چنین سرمایه ی عظیمی از علم و دانش را وانهاد و به دنبال علوم ناقص و پراز اشتباه بشری برویم؟!

**آیات متناسب:** اسراء، ۸۲ / نساء، ۱۷۴ / یونس، ۵۷.

**حدیث:** امام صادق علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ تَبْيَانَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ وَاللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْعِبَادُ حَتَّىٰ لَا يَسْتَطِيعَ عَبْدٌ يَقُولُ لَوْ كَانَ هَذَا أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ - إِلَّا وَقَدْ أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِيهِ؛ به درستی که خداوند متعال در قرآن برای هر چیز در قرآن بیان روشنی قرار داد تا جایی که به خدا سوگند! چیزی را باقی نگذاشت که بندگان به آن احتیاج داشته باشند؛ به گونه ای که مطلبی نیست که بنده ای بتواند عذرتراشی کرده و بگوید: اگر این مطلب در قرآن نازل شده بود [من به آن عمل می کردم.]» کافی، ج ۱، ص ۵۹

گرتومی خواهی مسلمان زیستن  
نیست ممکن جزیه قرآن زیستن

### شناخت راه قرآن

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ  
وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ  
لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ﴿٩﴾

بی تردید این قرآن به استوارترین آیین هدایت می‌کند، و به مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می‌دهند، مژده می‌دهد که برای آنان پاداشی بزرگ است. (اسراء، ۹)

**توضیح:** پیشتر نیز اشاره شد که قرآن کریم نقشه‌ی راه زندگی انسان‌ها را ترسیم می‌نماید. این کتاب آسمانی، تبیین‌کننده‌ی «صراط مستقیم» است؛ یعنی به راهی که مستقیم‌ترین و صاف‌ترین و پابرجاترین راه‌ها در کمال انسان است، دعوت می‌کند. به همین جهت، سخن باطل در آن راه ندارد و از هر گونه انحراف و کجی نیز به دور است. این خود یکی از وجوه اعجاز قرآن نیز هست که - با وجود نزول در طول بیست و سه سال - مطالبش هماهنگ و به دور از تضاد درونی است.



کسی که شیوه و آیین زندگی خود را بر محور دستورات قرآن قرار دهد، بی تردید به موفقیت و رستگاری دست خواهد یافت؛ زیرا راهی را برگزیده است که نقشه‌ی آن را موجودی حکیم و آگاه ترسیم کرده است. به عبارت دیگر، امتیاز راه قرآن بر سایر مکاتب و ایدئولوژی‌های بشری این است که طراح آن آگاه‌ترین و خبره‌ترین فرد به انسان، نیازهای او و موانع و خطرات پیش روی اوست. از این رو، پیام آن با نیاز انسان هم‌خوانی دارد. گفتنی است در برخی روایات، راهی که قرآن به سوی آن هدایت می‌کند، راه ولایت اهل بیت علیهم‌السلام عنوان شده است. این مطلب از هم‌آهنگی قرآن و عترت حکایت می‌کند.

**آیات متناسب:** فصلت، ۴۲ / کهف، ۱، بقره، ۲.

**حدیث:** امام علی علیه‌السلام: «فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقِطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ؛ هنگامی که فتنه‌های زمان شما چون قطعه‌های شب تاریک شما را در بر گرفت، به نور هدایت قرآن چنگ زنید.» کافی: ج ۲، ص ۵۹۹ ح ۲.

تکیه بر شرع محمد کن و بر قرآن کن

زان کجا عروه‌ی وثقای تو جز قرآن نیست

## ضرورت انس با قرآن و تدبر در آن

كُنْ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبْرَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ  
وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٢٩﴾

این کتاب پربرکتی است که آن را بر تو نازل کرده‌ایم تا آیتش را تدبّر کنند و خردمندان متذکّر شوند (ص، ۲۹)

**توضیح:** انسان هیچ‌گاه از انس با قرآن بی‌نیاز نخواهد بود؛ چه این که محتوای غنی آن پاسخی به مهم‌ترین نیازهای زندگی اوست. به همین جهت، قرآن کریم از مؤمنان خواسته است تا قرآن را در حد توانشان تلاوت نموده و در انس با این کتاب مقدس کوتاهی نکنند.

در این آیه هدف از نزول قرآن، تدبر در آیاتش بیان شده است. تدبر در قرآن به معنای اندیشیدن در اهداف و مقاصدی است که آیات قرآن به آن اشاره دارد. تلاوتی که با تدبر در آیات همراه نشود، کم‌ثمر است و مانند این می‌ماند که شخصی به گنجینه‌ای از طلا و جواهر گران بها دست یابد، ولی تنها به مشاهده و شمارش مقدار آن بسنده کند و اندوخته‌ای بر ندارد. متأسفانه برخی از مسلمانان به آداب مقدماتی چون تجوید، زیبایی صوت و ... بیشتر از ادب نهایی و غایی

## طرح بزرگ قرآنی ۱۴۴۸

تلاوت اهمیت می دهند و به تعبیری، با وجود فراگیری مقدمات بایسته ی تلاوت، خود را در آن مرحله متوقف نموده اند.

پیشوایان دینی ما، مسلمانان و علاقه مندان به قرآن را از تلاوت سرسری و زیاد خواندن بدون توجه به معنا برحذر داشته و با وجود تأکید بر تلاوت زیاد قرآن، تأکید نموده اند که تلاوت اندک همراه با ترتیل و تدبر، از زیاد خواندن همراه با تندخوانی بهتر و با هدف قرآن سازگارتر است. قرآن کریم در آیه ی ۲۴ سوره ی محمد، عدم تدبر در آیات را نشانه ی قفل شدن قلب ها و غفلت دانسته است.

گفتنی است در روایات اسلامی، تأکید فراوانی بر انس کودکان و نوجوانان با قرآن شده است تا آیات دل نشینش در قلب صاف و پاکشان نشسته و با گوشت و خونشان درهم آمیزد. برترین راه انس با قرآن، حفظ آن است که مورد سفارش بسیار بزرگان نیز قرار گرفته است.

**آیات متناسب:** نساء، ۸۲ / قمر، ۱۷ / مزمل، ۲۰.

**حدیث:** امام علی علیه السلام: «**لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةِ لَا تَدْبُرُ فِيهَا**» قرائتی که تدبر در آن نباشد خیری در آن نیست. «مشكاة الأنوار: ص ۱۳۸»

نگنجد فهم اسرارش به افکار

که بی پایان بود دریای قرآن

## جاودانگی و فراعصری بودن قرآن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ

لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا ﴿١﴾

به نام خداوند بخشنده مهربان؛ همیشه سودمند و با برکت است آن که فرقان را [که جدا کننده حق از باطل است] به تدریج بر بنده اش نازل کرد، تا برای جهانیان بیم دهنده باشد. (فرقان، ۱)

**توضیح:** قرآن، کتاب مقدّس مسلمانان، تنها کتاب آسمانی است که دست بشر در آن راه نبرده است و کلام الهی را بدون هیچ گونه تغییر و کم و کاستی در خود جمع کرده و در اختیار بشر قرار داده است. به همین جهت، کتابی جاودانه، فراعصری و جهان شمول است. پیام قرآن مبتنی بر فطرت و عقل انسان هاست و از آن جا که فطریات انسان ها در طول اعصار و قرون ثابت و غیرقابل تغییر است، پیام قرآن نیز جاودانه خواهد بود. آیه ی فوق بر فراعصری بودن و جاودانگی قرآن نیز دلالت می کند.

محتوای غنی و ژرف این معجزه ی جاوید، دانشمندان

## طرح بزرگ قرآنی ۱۴۴۸

علمی جهان را متعجب و شگفت زده کرده و روز به روز روزنه‌ی جدیدی از علم و معرفت را بر روی آنان می‌گشاید. این در حالی است که طراوت در سخن و بیان تأثیرگذار آن نیز اجازه نمی‌دهد تا حلاوت تلاوت آن از بین رود.

گفتنی است در آیه‌ی بالا از قرآن کریم با نام «فرقان» یاد شده است. فرقان به معنای جداکننده‌ی حق و باطل است. این بدان معناست که قرآن با تبیین ویژگی‌های حقیقت و توصیف اهل آن، حجت را بر همگان تمام ساخته است.

**آیات متناسب:** انعام، ۱۹ / حجر، ۹ / مائده، ۴۸.

**حدیث:** امام صادق علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ لَمَرُّ يُنَزِّلُهُ لِرِمَانٍ دُونَ زَمَانٍ وَلَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ». خداوند قرآن را برای زمان یا مردم خاصی نازل نکرد. از این رو، در هر عصری جدید و تازه و برای هر قومی، با طراوت است تا روز قیامت. «عبود اخبار الرضا، ج ۲ ص ۸۷ ح ۳۲»

حق تعالی نقش هر دعوا شکست

تا ابد اسلام را شیرازه بست

## مهجوریت قرآن

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا

الْقُرْآنَ مَهْجُورًا ﴿٣٠﴾

پیامبر [درقیامت] می‌گوید: ای پروردگار من همانا قوم من این قرآن را متروک گذاشتند! (فرقان، ۳۰)

**توضیح:** فرض کنید فقیری را می‌شناسید که نیاز شدیدی به کمک دارد و شما برای برطرف شدن نیازش به او کمک قابل توجهی کردید؛ به قدری که دیگر نیاز به گدایی و درخواست کمک از دیگران ندارد. با این حال، فردا صبح دوباره او را می‌بینید که در گوشه‌ی خیابان نشسته و دست گدایی به سوی دیگران دراز می‌کند. چه واکنشی نشان می‌دهید؟ آیا از این کار او متنفر نمی‌شوید؟ آیا افسوس نمی‌خورید که چرا با وجود آن همه اموال و ثروت، دوباره این‌گونه خود را کوچک و حقیر کرده است؟ مسلماً این کار او را بسیار ناپسند و غیرعقلانه می‌دانید.

چنین کاری از سوی مسلمانان نسبت به رسول گرامی اسلام ﷺ و امانت گران‌بهای او صورت پذیرفته است. آن حضرت بارها امتش را به تمسک به قرآن سفارش نمود، ولی با نهایت تأسف جوامع اسلامی این رکن مهم هدایت را وانهادند و به احکام و معارف آن عمل

## طرح بزرگ قرآنی ۱۴۴۸

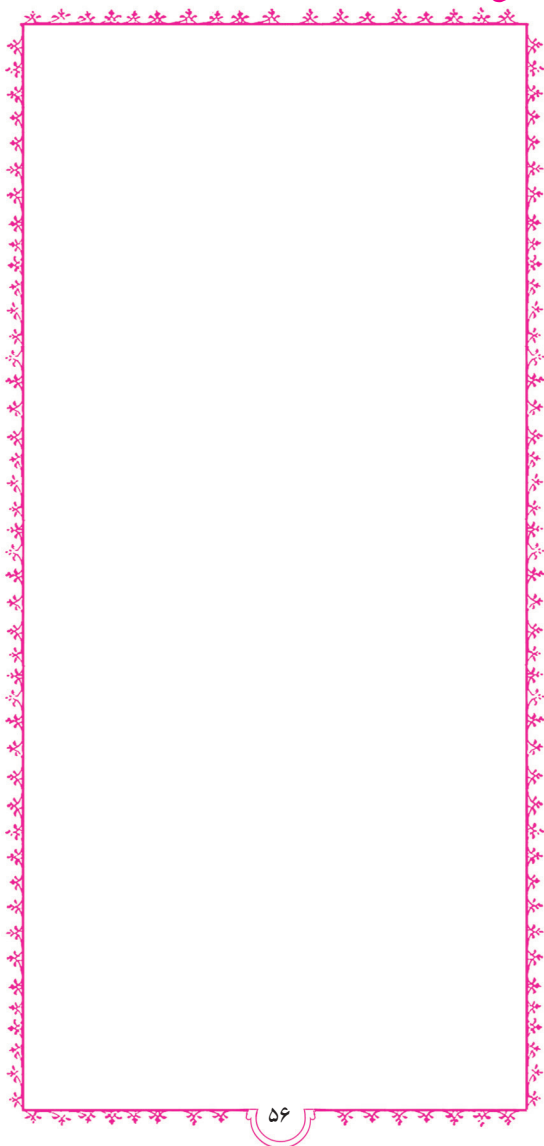
نمی‌کنند. قرآن هم در تلاوت، هم در حفظ، هم در تفسیر، هم در تدبیر، هم در عمل و هم در برپا شدن احکام آن در جامعه و خلاصه در همه‌ی ابعاد آن مهجور واقع شده است. متأسفانه کم نیستند کسانی که روزها، ماه‌ها و حتی سال‌ها از عمرشان می‌گذرد، ولی آیه‌ای از قرآن را تلاوت نکرده‌اند.

آیه‌ی فوق از شکایت پیامبر نسبت به گروهی از مسلمانان حکایت می‌کند که قرآن را به انزوا کشانده‌اند. نکته‌ی قابل توجه آن‌که در آیه‌ی مذکور، پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: امت من قرآن را رها کردند؛ بلکه می‌فرماید: امتم آن را در اختیار گرفته، ولی به مهجوریت کشانده‌اند؛ یعنی گرچه در ظاهر به قرآن می‌پردازند، ولی دستورات آن را بر زمین نهاده‌اند.

**آیات متناسب:** قمر، ۱۷/ محمد، ۲۴/ حشر، ۲۱.

**حدیث:** امام صادق علیه السلام: «ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَسْجِدَ خَرَابٍ لَا يُصَلِّي فِيهِ أَهْلُهُ وَعَالِمٌ بَيْنَ جُهَالٍ وَ مُصْحَفٌ مُعَلَّقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ الْغَبَارُ لَا يُقْرَأُ فِيهِ»؛ سه چیز است که [در قیامت] به درگاه خدا شکایت می‌کند: ۱- مسجد ویرانی که اهلش در آن نماز نخوانند، ۲- عالمی که میان نادان‌ها باشد و قرآنی که غبار بر آن نشسته و خوانده نشود.» کافی: ج ۲ ص ۶۱۳ ح ۳.

ای چو شبنم بر زمین افتنده‌ای  
در بغل داری کتاب زنده‌ای  
خوار از مهجوری قرآن شدی  
شکوه سنج گردش دوران شدی





## فصل چهارم:

# شناخت حکمت و فلسفه‌ی سختی‌ها

### سنت امتحان و آزمایش الهی

أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا  
 وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ﴿٢﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ  
 مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا  
 وَلَيَعْلَمَنَّ الْكٰذِبِينَ ﴿٣﴾

آیا مردم گمان کرده‌اند، همین که بگویند: ایمان آوردیم، رها می‌شوند و [به وسیله جان، مال، اولاد و حوادث] مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟ (۲) در حالی که یقیناً کسانی که پیش از آنان بودند، آزمایش کرده‌ایم [پس اینان هم بی‌تردید آزمایش می‌شوند]، و مسلماً خدا کسانی را که [در ادعای ایمان] راست گفته‌اند می‌شناسد، و قطعاً دروغگویان را نیز می‌شناسد. (۳) (عنکبوت)

**توضیح:** یکی از مهم‌ترین اصول اعتقادی شیعیان، باور به عدالت خداوند است. این باور زمینه‌ی بسیاری از شبهات و برداشت‌های نادرست در زندگی را از بین می‌برد. یکی از این شبهات - که تأثیر زیادی در ضعف ایمان نیز خواهد داشت - این است که چرا شرور، بلاها و ناعدالتی‌ها در جهان وجود دارد؟ چرا خدا به برخی

بندگان نعمت فراوان داده و برخی را در انواع مشکلات و بلاها غوطه ور ساخته است؟!» در این فصل، به پاسخ این پرسش و تبیین رابطه‌ی عدل الهی با بلاها می‌پردازیم. نخست باید توجه داشت که سنت حتمی و حکیمانه‌ی پروردگار، این است که بندگان را با انواع امتحانات و بلاها آزمایش کند تا میزان عبودیت و اطاعت آنان معلوم گردد.

البته روشن است که خداوند خود از میزان صدق و کذب بندگان آگاه است و هدف از امتحان آنان، اتمام حجت بر خودشان و دیگران است. بنابراین، اصلی‌ترین حکمت بسیاری از بلاها و مصائب، امتحان و آزمایش بندگان است؛ چه این که رفاه و آسایش برخی دیگر نیز امتحان الهی است.

**آیات متناسب:** محمد، ۳۱ / آل عمران، ۱۵۴ / انبیاء، ۳۵.

**حدیث:** امام علی علیه السلام: «لَيْسَ أَحَدٌ إِلَّا وَهُوَ مُشْتَمِلٌ عَلَيَّ

**فِتْنَةً:** هیچ کس نیست که مبتلا به فتنه و آزمایشی از سوی خدا نباشد.» نهج البلاغه: حکمت ۹۳.

ز گاهواره تسلیم کن سفینه خویش

میان بحر بلا در کنار مادر باش

## حکمت دشواری های زندگی

### ۱. خیر و مصلحت بندگان

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ  
 وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ  
 وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ  
 يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ



جنگ بر شما مقرر شده، و حال آن که برایتان ناخوشایند است. و بسا چیزی را خوش ندارید و آن برای شما خیر است، و بسا چیزی را دوست دارید و آن برای شما زیان دارد؛ و خدا [مصلحت شما را در همه امور] می داند و شما نمی دانید. (بقره، ۲۱۶)

**توضیح:** روشن است که علم و آگاهی انسان نسبت به اسرار و رموز پدیده های عالم و تأثیر آن در سرنوشت خودش بسیار ناچیز است. از این رو، چه بسا ممکن است واقعه ای را بلا و مصیبت در حق خودش بداند، در حالی که نتیجه ی آن واقعه به مصلحت وی باشد. به عبارت دیگر، همان گونه که ممکن است داروی پزشک برای کودک ناگوار و تلخ باشد، ولی نباید از مصرف آن خودداری کرد، بسیاری از بلاها و مصیبت های ناگوار

زندگی نیز، سرانجامی خوش دارد که خداوند از آن آگاه بوده و بندگان - به دلیل محدودیت علم و دانش خود - آن را تلخ و ناگوار می دانند.

آری! پروردگار عالم به احوال بندگان و ظرفیت های متفاوت آنان در شرایط مختلف زندگی آگاه است و به طور مثال، می داند که اگر برخی مؤمنان را از وفور نعمت بهره مند سازد، به وظایف دینی خود توجه نکرده و راه تکبر و گردن کشی را بر می گزینند.

آیه ی فوق بر این حقیقت بسیار مهم و اثرگذار در زندگی تأکید می نماید. چه نیکوست که بنده، امور خود را به خدای حکیم و خبیر واگذار کرده و از شتاب زدگی و قضاوت عجولانه نسبت به پیش آمدها خودداری کند.

**آیات متناسب:** شوری، ۲۷ / مؤمنون، ۷۵ / اعراف، ۱۸۸.

**حدیث:** امام سجاد علیه السلام: «رَبِّ حَرِيصٍ عَلَى أَمْرٍ قَدْ شَقِيَ بِهِ حِينَ آتَاهُ وَلَرَبِّ كَارِهِ لَأَمْرٍ قَدْ سَعَدَ بِهِ حِينَ آتَاهُ؛ چه بسیار کسانی هستند که به چیزی علاقه مند و مشتاقند، ولی وقتی به آن می رسند، بدبخت می شوند و چه بسیار کسانی هستند که نسبت به چیزی بی رغبت هستند، ولی وقتی به آن می رسند، به خوشبختی می رسند.»

کافی: ج ۲ ص ۱۳۳ ح ۱۶۰.

بخور هرچه آید ز دست حبیب

نه بیمار داناترست از طبیب

## حکمت دشواری‌های زندگی

### ۲. رشد مؤمنان

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ  
 الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ  
 ﴿١٥٥﴾ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا  
 إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿١٥٦﴾ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ  
 وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ﴿١٥٧﴾

و بی تردید شما را به چیزی اندک از ترس و گرسنگی و کاهش بخشی از اموال، جان‌ها و محصولات آزمایش می‌کنیم. و صبرکنندگان را بشارت ده. (۱۵۵) کسانی که چون مصیبتی سخت به آنان رسد می‌گویند: «ما مملوکِ خداییم و یقیناً به سوی او بازمی‌گردیم» (۱۵۶) آنانند که درودها و رحمتی از پروردگارش بر آنان است و آنانند که هدایت یافته‌اند. (۱۵۷) (بقره)

**توضیح:** همان‌گونه که گفته شد، خداوند متعال بندگان خویش را به انواع بلاها و تلخی‌های زندگی دچار می‌سازد تا میزان تسلیم و اطاعت آنان بر همگان

معلوم و زمینه‌ی پاداش و مجازات آنان ایجاد شود. با این توضیح، روشن می‌گردد که انبیاء و اولیای الهی نیز از سنت امتحان خداوند مستثنی نبوده و به سختی‌های گوناگون دچار می‌شوند، ولی این مشکلات و بلاها زمینه‌ی خضوع و بندگی بیشتر را فراهم ساخته و موجب بالارفتن درجاتشان می‌گردد. بنابراین، نتیجه‌ی بلا برای مؤمن، رشد و تعالی او در مسیر بندگی خداوند می‌باشد.

درآیه‌ی فوق، خداوند درود و رحمت ویژه و بزرگ خود را بر کسانی قرار داده است که به هنگام مشکلات، خدا را به یاد آورده و صبر پیشه می‌کنند.

از امام باقر روایت شده است که اگر مؤمن می‌دانست که خداوند در مقابل این بلاها چه اجری به او می‌دهد، هر آینه آرزو می‌کرد گوشت‌های بدنش را قیچی می‌کردند تا به آن اجر برسد.

**آیات متناسب:** بقره، ۲۴۹ / زمر، ۱۰ / ص، ۴۴.

**حدیث:** امام صادق علیه السلام: «إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءً الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَأَلْأَمْثَلُ؛ شدیدترین بلاها در رتبه‌ی اول برای پیامبران، سپس برای اوصیای آنان و پس از آن، برای هر کسی است که به آنان شباهت بیشتری دارد.» کافی: ج ۲ ص ۲۵۲ ح ۱.

هر که در این بزم مقرب تراست

جام بلا بیشترش می‌دهند

## حکمت دشواری های زندگی

### ۳. بروز استعدادها

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٥﴾

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٦﴾

بی تردید با دشواری آسانی است. (۵) [آری] بی تردید با دشواری آسانی است. (۶) (انشرح)

**توضیح:** یکی دیگر از فواید تربیتی بلاها و مشکلات زندگی، ایجاد زمینه برای بروز توانایی و استعدادهاى بندگان است. در سایه ی مواجهه با مشکلات است که آدمی به تلاش و تکاپو برای رفع نیاز خویش افتاده و تلاش می کند تا از تمام ظرفیت های بالقوه ی خود استفاده کرده و مشکلات را حل نماید. در طول تاریخ، نمونه های فراوانی برای صحت این مدعا وجود دارد؛ اغلب دانشمندان و مخترعان در دامن محرومیت ها و مشکلات پرورش یافته و بر توانایی خویش تکیه کرده اند. در زمینه های اجتماعی نیز این گونه است. بیشتر کشورهایی که پیشرفت چشمگیر اقتصادی یا علمی داشته اند، خود زمانی دچار فقر و محرومیت بوده اند؛ اما بر توان داخلی خود تکیه کرده و برزانی خود ایستاده اند.



آری! رفاه و آسانی در دامان سختی و مشقت نهفته است و بدون تحمل رنج و مشقت، دستیابی به آن غیرممکن خواهد بود. این نیز از سنت‌های حتمی خداوند است که قرآن ما را به آن رهنمون می‌سازد. بر این اساس، مؤمنان و خداپرستان باید بدانند که محرومیت و سختی اگرچه زندگی آنان را برای مدتی سخت و طاقت‌فرسا می‌سازد، ولی توان بالقوه‌ی آنان را به فعلیت کشانده و در درازمدت به سود آنان خواهد شد.

**آیات متناسب:** بلد، ۴ / فتح، ۱، ضحی، ۶.

**حدیث:** پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ وَ أَنَّ الْفَرْجَ مَعَ الْكُرْبِ؛ بدان پیروزی بر مشکلات با صبر حاصل شده و گشایش در زندگی با بلا ممکن می‌شود.»

من لا یحضره الفقیه: ج ۴ ص ۴۱۳ ح ۵۹۰۰.

خدا گرز حکمت بیند دری  
زرحمت گشاید در دیگری

## حکمت دشواری های زندگی

### ۴. جزای اعمال خود بندگان

وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ

أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ ﴿٣٠﴾

هر آسیبی به شما رسد به سبب اعمالی است که مرتکب شده‌اید، و از بسیاری [از همان اعمال هم] درمی‌گذرد. (شوری، ۳۰)

**توضیح:** لازمه‌ی مختاربودن انسان، این است که برخی بندگان بر دیگران ظلم کرده و بر آنان مصیبت‌های ناگواری چون قتل و خونریزی و فقر و نداری و ... وارد سازند. بر این اساس، عامل بسیاری از حوادث ناگوار، شیوع فساد و جنایات بشری است. این فساد و گناه‌پیشگی هم به طور مستقیم سبب نزول مصیبت و واقعه‌های ناگواری چون جنگ و کشتار و فقر و ... می‌شود و هم به عنوان مجازات و کیفر گناهان از سوی خداوند؛ یعنی پروردگار عالم عذاب خود را بر سر جوامعی که گناه در آن شیوع پیدا کرده، می‌فرستد.

آری! اگر پادشاهان و خونخواران عالم دست از جنایات فجیع خود برداشته و ثروت مندان و زورگویان، حقوق اقتصادی دیگران را پایمال نمی‌کردند و به وظایف شرعی خود در قبال ضعیفان عمل می‌کردند، شاهد این همه جنگ، بی‌خانمانی، فقر، محرومیت و ... نبودیم.

خداوند متعال در آیه‌ی فوق ضمن تأکید بر این مطلب، خاطرنشان می‌سازد که رحمت خداوند موجب شده تا از کیفر بسیاری از گناهان نیز درگذرد.

**آیات متناسب:** روم، ۴۱ / آل عمران، ۱۸۲ / شوری، ۳۴.

**حدیث:** پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا مِنْ خَدِشٍ عَوْدٍ، وَلَا نَكْبَةٍ قَدَمٍ إِلَّا بِذَنْبٍ؛ هر خراشی که از چوبی بر تن انسان وارد می‌شود، و هر لغزش قدمی، بر اثر گناهی است که از او سر زده است.» مجمع‌البیان: ج ۹ ص ۴۷.

به هر چه آری از نیک و از بد به جای  
بد از خویشان بین و نیک از خدای

## حکمت دشواری های زندگی

### ۵. تضرع و زاری و یاد خدا

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ

بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَنْضَرَعُونَ ﴿٤٢﴾

و بی تردید ما به سوی امت هایی که پیش از تو بودند [پیامبرانی] فرستادیم؛ پس آنان را [چون با پیامبران به مخالفت و دشمنی برخاستند] به تهیدستی و سختی و رنج و بیماری دچار کردیم، تا [در پیشگاه ما] فروتنی و زاری کنند (انعام، ۴۲)

**توضیح:** بهره مندی از انواع نعمت ها و غوطه ور شدن در لذایذ دنیوی موجب غرور و تکبر بسیاری از بندگان گردیده و آنان را از یاد خدا غافل می سازد. حال آن که در سختی و ناگواری ها، آدمی به عجز و ناتوانی خویش اعتراف کرده و از قدرت لایزال الهی یاری می طلبد. از این رو، خداوند برخی بندگان را به بلا و مصیبت دچار می سازد تا زمینه ی بازگشت آنان به خود را فراهم نموده باشد. این حقیقت، در بسیاری از آیات قرآن تبیین گردیده است. عکس این مطلب نیز صادق است؛ یعنی خداوند به برخی از بندگان نعمت فراوان نمی دهد؛ چون می داند که اگر به رفاه برسند، یاد او را فراموش کرده و دچار طغیان و سرکشی می شوند.

از این آیه دو مطلب ضمنی هم فهمیده می شود:  
۱- تضرع و زاری در پیشگاه خداوند دارای آثار و فواید تربیتی بسیار است که یکی از آن ها استجابت دعاست؛ زیرا اگر قرار بود، فایده ی دعا اجابت آن باشد، نیازی به این نبود که خداوند بندگان را گرفتار سازد و سپس دعای آنان را اجابت کند. ۲- انسان در هنگام فقر و نداری بیشتر به یاد خدا می افتد. خداوند متعال این ویژگی انسان ها را بارها مورد نکوهش قرار داده است.

**آیات متناسب:** انعام، ۵۹ / علق، ۱۴ / انعام، ۳.

**حدیث:** امام علی علیه السلام: «**أَوْ لَوْ أَنَّ النَّاسَ حِينَ تَنْزَلُ بِهِمُ التَّقْمُ فَرَعُوا إِلَى رَبِّهِمْ بِصِدْقٍ مِنْ نِيَّاتِهِمْ وَوَلَهُ مِنْ قُلُوبِهِمْ لَرَدَّ عَلَيْهِمْ كُلَّ شَارِدٍ وَأَصْلَحَ لَهُمْ كُلَّ فَاسِدٍ**؛ اگر مردم هنگامی که بلا به آنان می رسد، نزد خداوند زاری و تضرع می کردند، خداوند هر چیز گرفته شده ای را به آنان برمی گرداند و هر چیز خراب شده ای را اصلاح می نمود.» نهج البلاغه: خطبه ۱۷۸.

طیب عشق مسیحا دم است و مشفق، لیک

چو درد در تونبیند، که را دوا بکند

اهمیت دعا

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي  
قَرِيبٌ ۖ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ ۗ  
فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ  
يُرْشَدُونَ ﴿١٨٦﴾

هنگامی که بندگانم از تو درباره من بپرسند، [بگو]: یقیناً من نزدیکم، دعای دعا کننده را زمانی که مرا بخواند اجابت می‌کنم؛ پس باید دعوتم را بپذیرند و به من ایمان آورند، تا [به حق و حقیقت] راه یابند [و به مقصد اعلی برسند] (بقره، ۱۸۶)

**توضیح:** دعا و نیایش - به جهت تأثیر فراوان در رشد و تعالی انسان - مورد توجه تمام ادیان الهی قرار داشته است. برقراری ارتباط با خدا نه تنها ارتباط خالق و مخلوق را دوسویه و زمینه‌ی فیض و رحمت پروردگار را فراهم می‌سازد؛ بلکه موجب تقویت باورهای دینی و تسکین رنج‌های روحی بندگان نیز می‌گردد. دعا در حقیقت، نوعی عبادت و خشوع در برابر پروردگار و اعتراف به ضعف و ناتوانی انسان است.

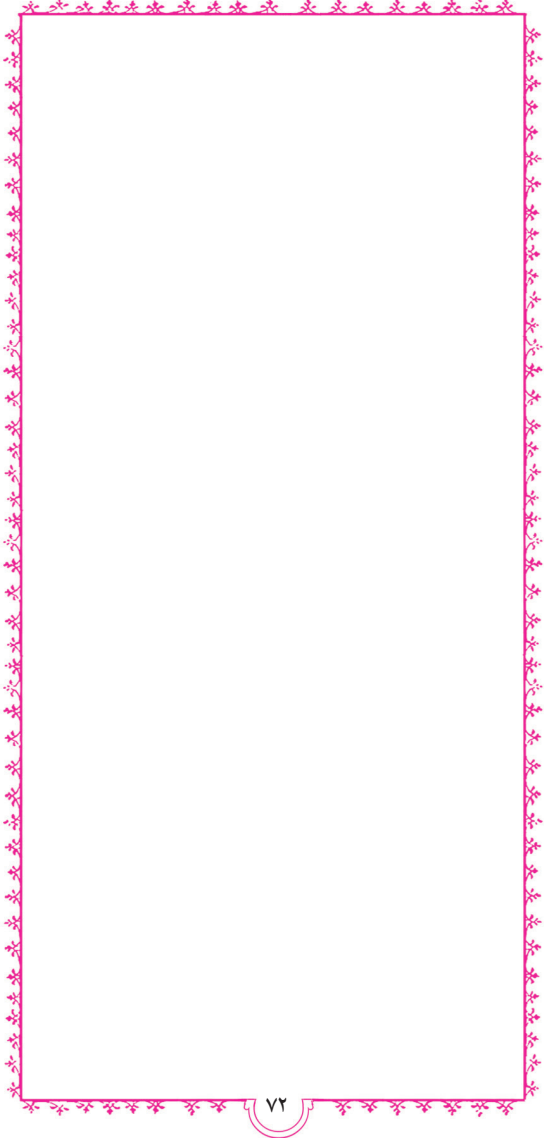
وعده‌ی اجابت حتمی پروردگار در آیات متعددی از قرآن آمده است. استجاب دعا به معنی برآوردن شدن حاجت بندگان نیست؛ بلکه به معنای پذیرفتن حاجت و جواب نیکو به آن است. از این رو، اگر دعایی به ظاهر مستجاب نشد، نباید گفت استجاب نشده است؛ زیرا ممکن است آن حاجت به صلاح بنده نبوده و پاسخ خداوند به آن، به گونه‌ای شایسته‌تر و نیکوتر باشد. هم‌چنین استجاب دعاها فوری است، ولی تحقق آن - به جهت برخی مصالح - ممکن است سال‌ها زمان برد. در آیه‌ی فوق، خداوند با لطیف‌ترین تعبیر از نزدیکی خود به بندگان سخن به میان آورده و آنان را به مناجات و نیایش با خود فرا خوانده است. مهم‌ترین فایده‌ی دعا - یعنی رشد و تکامل معنوی بندگان - نیز در انتهای آیه بیان شده است.

**آیات متناسب:** غافر، ۶۰ / فرقان، ۷۷ / نمل، ۶۲.

**حدیث:** پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الدُّعَاءُ مُخَّ الْعِبَادَةِ؛ دعا مغز و روح عبادت است.» عدة الداعی: ص ۲۹.

بیدلی در همه احوال خدا با او بود

اونمی دیدش و از دور خدایا می‌کرد





طرح بزرگ قرآنی ۱۴۴۸

فصل پنجم:  
معادباوری

### شناخت دنیا و آخرت

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ  
وَأَبْوَابُ الدَّارِ الْآخِرَةِ لَهِيَ الْخَيْرَاتُ لِمَنْ  
كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٦٤﴾

و این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازی نیست و بی تردید سرای آخرت، همان زندگی [واقعی و ابدی] است؛ اگر اینان معرفت داشتند [دنیا را به قیمت از دست دادن آخرت بر نمی‌گزیدند]. [عنکبوت، ۶۴]

**توضیح:** یکی دیگر از مهم‌ترین ارکان هر مکتب و آیین، دیدگاه آن نسبت به دنیا و جهان پس از مرگ است. باور به معاد یا عدم باور به آن نقش بسیار فراوانی در جهان بینی و سبک زندگی هر فرد خواهد داشت.

قرآن کریم در آیات متعددی به روشنگری پیرامون دنیا و ظواهر فریبنده‌ی آن پرداخته است. در نظرگاه این کتاب مقدس، دنیا کالایی فریبنده و زودگذر و چیزی شبیه بازیچه است که در برابر زندگی واقعی و ابدی چند روز کوتاه؛ بلکه یک صبح یا عصر زودگذر است. دنیا چیزی

جز «لهو» و «لعب» نیست. لهو به معنای چیزی است که انسان را به خود مشغول می‌سازد؛ بی‌آنکه نفع خاصی داشته باشد و لعب به معنای بازی است که نفعی خیالی و کودکنانه دارد.

قرآن مرگ را انتقال از این سرا به سرای دیگر می‌داند؛ با این تفاوت که زندگی در دنیا، نحوه‌ی زیستن در آخرت را مشخص می‌کند. در این آیه سرای آخرت، سرای زنده و دارای حیات معرفی شده است.

پرواضح است که انسان حکیم و عاقل زندگی موقت و زودگذر دنیا را بر حیات ابدی و جاودانه مقدم نمی‌دارد.

**آیات متناسب:** انعام، ۳۲ / توبه، ۳۸ / رعد، ۲۶.

**حدیث:** امام سجاد علیه السلام: «اعلموا ان الله عز وجل لم يحب زهرة الدنيا و عاجلها لاحد من اوليائه؛ ای بندگان خدا! بدانید خداوند زینت زودگذر دنیا را برای اولیائش دوست ندارد.» کافی: ج ۸ ص ۷۵ ح ۲۹.

به قدر بودن دنیا، به فکر دنیا باش

کسی همیشه در این خاکدان نمی ماند

### ویژگی های دنیا

اعلموا انما الحیوة الدنیا لعب و لهو و زینة  
 و تفاخر بینکم و تکاثر فی الاموال و الاولاد کمثل  
 غیث اجمب الکفار بانه، ثم یریح فترته مصفرا  
 ثم یرکون حطما و فی الآخرة عذاب شدید و مغفرة  
 من الله و رضون و ما الحیوة الدنیا الا متع

### الغرور

بدانید که زندگی دنیا [یی که دارنده اش از ایمان و عمل صالح تهی است]، فقط بازی و سرگرمی و آرایش و فخر فروشیتان به یکدیگر، و افزون خواهی در اموال و اولاد است، [چنین دنیایی] مانند بارانی است که محصول [سبز و خوش منظره اش] کشاورزان را به شگفتی آورد، سپس پژمرده شود و آن را زرد بینی، آنگاه ریزریز و خاشاک شود!! [که برای دنیاپرستان بی ایمان] در آخرت عذاب سختی است و [برای مؤمنان که دنیای خود را در راه اطاعت حق و خدمت به خلق به کار گرفتند] از سوی خدا آمرزش و خشنودی است، و زندگی دنیا جز کالای فریبنده نیست (حدید، ۲۰)

**توضیح:** یکی از شیواترین راه های مذمت دنیا، مثال هایی است که خداوند برای ناپایداری دنیا به کار برده است. در آیه ی فوق یکی از این مثال ها ذکر شده

## طرح بزرگ قرآنی ۱۴۴۸

است. برخی مفسران آیه‌ی فوق را به مراحل مختلف زندگی تقسیم نموده‌اند؛ بدین‌گونه که بارزترین جلوه‌ی دنیا در کودکی هر فرد، بازی کردن است. به همین دلیل، در ابتدا دنیا به وصف «لعب» معرفی شده است. سپس در نوجوانی، انسان به سرگرمی‌های بیهوده روی می‌آورد که قرآن از آن به «لهو» تعبیر کرده است. در دوران جوانی، این جلوه‌نمایی دنیا بر محور زیبایی و جمال انسان دور می‌زند؛ به‌گونه‌ای که او همواره در صدد خودنمایی برای دیگران است. از این رو، قرآن کریم دنیا را «زینت» می‌خواند. در میان سالی، دیگر انسان به زیبایی هم نمی‌اندیشد؛ بلکه این فخرفروشی در مال و مقام است که او را از آخرت باز می‌دارد. قرآن دنیا را در این مرحله به «تفاخر» متصف می‌کند و بالأخره در کهنسالی، دنیا «تکاثر» است؛ زیرا زیادی فرزندان و نوادگان مورد علاقه‌ی انسان می‌باشد. این فریفتگی هم‌چنان ادامه داشته و از مرحله‌ای به مرحله‌ی دیگر تبدیل و دگرگون می‌شود تا این‌که عمر انسان به تباهی رفته و پا در سرای ابدی می‌گذارد.

**آیات متناسب:** یونس، ۲۴ / کهف، ۴۵ / انعام، ۳.

**حدیث:** امام علی علیه السلام: «رَدْعُ النَّفْسِ عَنِ زَخَارِفِ الدُّنْيَا

ثَمَرَةُ الْعَقْلِ؛ دوری از تجملات دنیا میوه‌ی عقل است.»

غررالحکم، ج ۴ ص ۸۸ ح ۴۸۷۹

زاد فردای خود امروز از اینجا بردار  
این نه راهیست که هرروز توان آمد و رفت

### بی ارزشی دنیا

وَلَوْلَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا  
 لِمَن يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لَبُيُوتِهِمْ سُقْفًا مِّنْ فِضَّةٍ  
 وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ ﴿٣٣﴾ وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا  
 وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَكَبَّرُونَ ﴿٣٤﴾ وَزُخْرَفًا وَإِن  
 كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَّعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ  
 عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٣٥﴾

و اگر [بهره‌مندی کفار از انواع نعمت های مادی و معیشت معمولی بسیاری از مؤمنان سبب] این نبود که همه مردم [به خاطر ضعف ایمان و ناآگاه بودن به حقایق] بر محور کفر امتی واحد شوند، ما برای خانه‌های کافران به [خدای] رحمان سقف‌هایی از نقره قرار می‌دادیم و نردبان‌هایی که با آن بر بالای خانه‌ها برآیند (۳۳) و برای خانه‌هایشان [نیز] درها و تخت‌هایی [از نقره می‌ساختیم] که بر آن تکیه زنند (۳۴) و [برای خانه‌ها و زندگی آنان] زر و زیور [قرار می‌دادیم]، ولی همه این‌ها جز کالای اندک زندگی دنیا [و امور از دست رفتنی] نیست، و آخرت نزد پروردگارت برای پرهیزکاران است. (۳۵) (زخرف)

**توضیح:** تلاوت و تدبر در آیه ی فوق، آثار تربیتی فراوانی برای مؤمنان دارد. نکته ی مهمی که از آیه فهمیده می شود، این است که قرآن اساساً لذات و خوشی های دنیا را به قدری پست و ناچیز می داند که شایسته ی مؤمنان نبوده و لیاقت این را ندارد که پاداش اعمال شایسته ی آنان باشد. بنابراین، نباید با نعمت های عظیم اخروی برای آنان مقایسه شود. به عبارت دیگر، قرآن به مؤمنان می گوید شوکت و رفاه ظاهری کافران در دنیا در مقابل رفاه و برخورداری شما در آخرت قابل قیاس نیست. از این رو، باید از لذات دنیوی چشم پوشی نمایند تا پاداش وصف ناشدنی بهشت را دریابند.

روشن است که مذمت دنیا در این آیات، به معنای اعتزال و گوشه گیری از آن نیست؛ بلکه دل بستن و تعلق خاطر به جلوه های دنیوی مورد نکوهش دین اسلام است.

**آیات متناسب:** طه، ۱۳۱ / آل عمران، ۱۳۶ / حجر، ۸۸.

**حدیث:** امام صادق علیه السلام: «خداوند می گوید: اگر در بنده ی مؤمنم شک و تردید راه نمی یافت، سر کافران را آهن می گذاشتم تا هیچ گاه سردرد نگیرند. [یعنی تمام آسایش دنیا را برایشان فراهم می کردم.]» کافی: ج ۲ ص ۲۵۷ ح ۲۴.

جهان و کار جهان جمله هیچ در هیچ است  
هزار بار من این نکته کرده ام تحقیق

۳۰

## شناخت اوصاف روز قیامت

### روز پشیمانی

وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي

عَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٩﴾

و آنان را از روز حسرت "آن گاه که کار از کار بگذرد" بترسان، که اینان دربی خبری هستند و ایمان نمی آورند.  
(مریم/ ۳۹)

**توضیح:** حال که مختصری با اوصاف دنیا و آخرت آشنا شدیم، خوب است کمی با اوصاف روز قیامت - به عنوان روزی بسیار مهم و تعیین کننده در زندگی ابدی خود- آشنا شویم. روز قیامت اوصاف مختلفی در قرآن دارد. هریک از این اوصاف، به یکی از جلوه های نمایان آن روز اشاره دارد.

یکی از اوصاف روز قیامت، روز حسرت و پشیمانی است. این نام، گویاترین عنوان برای پشیمانی و ندامت بسیاری از انسان ها در روز قیامت است. کافران از کفر و گمراهی خود پشیمان هستند؛ مؤمنان گناه کار از این که گاه و بیگاه معصیت می کردند، انگشت حسرت به دندان می گزند و حتی برخی مؤمنان صالح حسرت می خورند که چرا به همین میزان از تلاش و بندگی



## طرح بزرگ قرآنی ۱۴۴۸

بسند کرده‌اند و مراتب بهتر را نپیمودند. آیه‌ی فوق به زیباترین سخن، خبر از حسرت کافران و غافلان در آن روز داده است.

آری! روز قیامت روزی است که دیگر کار از کار گذشته و فرصت جبران وجود ندارد. کافران آرزو می‌کنند که ای کاش هرگز به دنیا نیامده بودند؛ مجرمان آرزو می‌کنند کاش یکی از نزدیکانشان به جای آنان عذاب شود و خلاصه هر کس به فکر خود و اعمالش است.

بی‌گمان، آنان که به روز قیامت می‌اندیشند و از آن هراسان هستند، رفتار و کردار خود را متناسب با رضای خدا قرار می‌دهند.

**آیات متناسب:** تغابن، ۹ / معارج، ۱۱ تا ۱۴ / آل عمران، ۳۰.

**حدیث:** پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «**عَلَيْكَ بِالسَّرَائِرِ إِحْذَرِ يَوْمًا تُنْشَرُ فِيهِ الصَّحَائِفُ وَيُفْضَحُ فِيهِ الْفَضَائِحُ**؛ بر تو باد به رازها [و اعمال پنهانی] بترس از روزی که پرونده‌ها گشوده شده و رسوایی‌ها آشکار گردد.» مکارم الأخلاق: ص ۴۵۷.

مکن کاری که برپا سنگت آید  
جهان با این فراخی تنگت آید  
چو فردا نامه خوانان نامه خوانند  
تورا از نامه خواندن ننگت آید

۳۱

## شناخت اوصاف روز قیامت

### روز عزت مؤمنان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ۝ (۱) لَيْسَ لَوْقَعِهَا كَاذِبَةٌ ۝ (۲)

خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ ۝ (۳)

به نام خداوند بخشنده مهربان \* هنگامی که واقعه [بسیار عظیم قیامت] واقع شود، (۱) که در واقع شدنش دروغی [در کار] نیست، (۲) پست کننده [کافران] و رفعت دهنده [مؤمنان] است. (۳) (واقعه)

**توضیح:** قیامت روزی است که مقام‌ها و برتری‌های ظاهری دنیا به پایان رسیده و هر کسی شأن و جایگاه واقعی خود را مشاهده می‌کند. مؤمنان - که در دنیا تحقیر می‌شدند - عزیز و محترم شده و کفار - که دارای شوکت ظاهری و جاه بودند - از سریر کبر و غرور خود به زیر کشیده شده و جایگاه واقعی خود را درک می‌کنند. به طور کلی، پول و ثروت، مقام و شهرت، نسبت‌ها

## طرح بزرگ قرآنی ۱۴۴۸

و افتخارات قبیله‌ای و هر چه در دنیا مایه‌ی مباحثات و فخرفروشی مستکبران می‌باشد، در آخرت کارساز نخواهد شد. آیات تکان‌دهنده و تأثیرگذاری در قرآن وجود دارد که بر این حقیقت تأکید می‌کند. در چند آیه آمده است که کفار- که در دنیا با حرص و طمع زیاد به دنبال افزایش سرمایه‌ی خود بودند و آن را از جانشان بیشتر دوست داشتند- در روز قیامت، آرزو می‌کنند کاش تمام دنیا را می‌دادند و در عوض، خداوند آنان را اندکی از عذاب برهاند. این تعبیر، هر انسان خفته‌ای را بیدار می‌سازد تا به مال دنیا دل خوش نکند و به فکر زاد و توشه‌ی پایداری برای خود باشد.

**آیات متناسب:** مائده، ۳۶ / زمر، ۴۷ / رعد، ۱۸.

**حدیث:** امام سجاد علیه السلام: «خَفَضْتُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهِ بِأَعْدَاءِ اللَّهِ إِلَى النَّارِ وَرَفَعْتُ وَاللَّهِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ إِلَى الْجَنَّةِ؛ روز قیامت دشمنان خدا را به سمت دوزخ پایین می‌کشد و دوستان خدا را به سمت بهشت بالا می‌برد.»  
خصال: ص ۶۴ ح ۹۵.

### باور به حسابرسی دقیق اعمال

وَوَضَعَ الْكِتَابَ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ  
وَيَقُولُونَ نُوَيْلُنَا مَا لِي هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ  
صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا  
حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ﴿٤٩﴾

کتاب [اعمال] هر کسی [در برابر دیدگانش] نهاده می‌شود، پس مجرمان را می‌بینی که از آنچه در آن است هراسانند و می‌گویند: وای بر ما، این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را فرو نگذاشته است؛ مگر آن که آن را به حساب آورده؟! و هر عملی را انجام داده‌اند حاضر می‌یابند، و پروردگارت به هیچ کس ستم نخواهد کرد (کهف، ۴۹)

**توضیح:** در این مجال، به موضوع بسیار مهم حساب‌رسی اعمال بندگان اشاره می‌شود. در روز قیامت ترازوهای عدالت نهاده می‌شود تا با نهایت دقت و دادگری اعمال بندگان سنجیده و محاسبه شود. در آن روز به هیچ کس ظلم و ستم نمی‌شود و اعمال آدمی - حتی اگر به اندازه‌ی خردل (تخم سیاه دانه) کوچک و ناچیز باشد، محاسبه می‌شود.

یکی از مظاهر حساب‌رسی در روز قیامت، دادن نامه‌ی

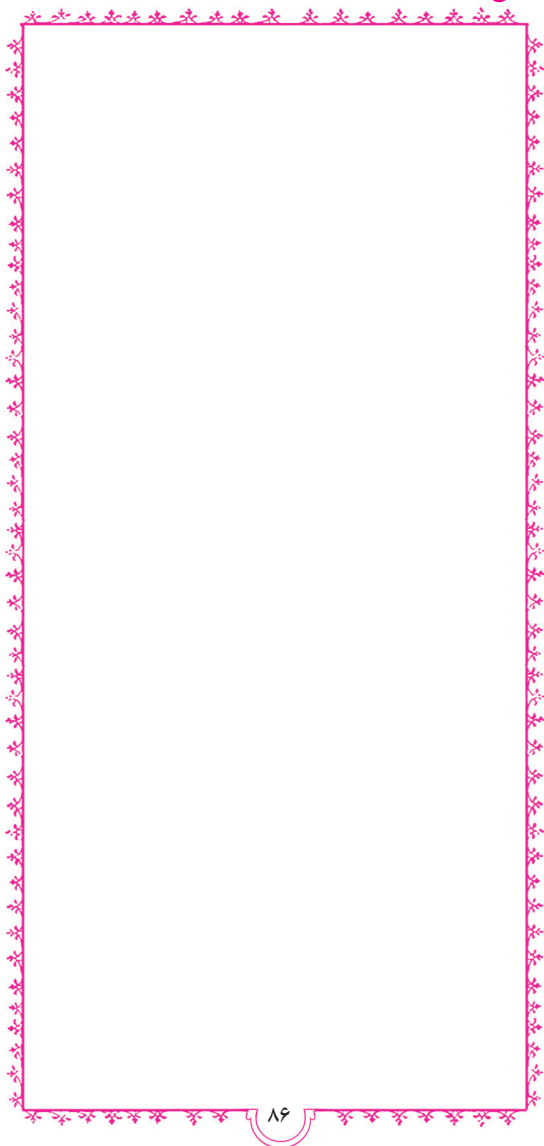
اعمال هر کس به خودش است. در آن روز، نامه‌ی اعمال مؤمنان به دست راستشان و نامه‌ی اعمال مجرمان از پشت سر به دست چپشان داده خواهد شد. این خود کرامتی برای مؤمنان و تحقیری برای کافران است. مجرمان هنگامی که نامه‌ی اعمالشان را می‌بینند، با شگفتی می‌گویند که این چه کتابی است که ریز و درشت رفتارشان را ثبت نموده است. اعمال آنان در مقابل دیدگانشان حاضر می‌شود و توانایی کتمان آن را ندارند.

از ویژگی‌های دادگاه قیامت آن است که محکوم و شاهد و قاضی یک نفر هستند. شاهد، اعضای بدن انسان هستند که علیه خودش گواهی می‌دهند (فصلت، ۲۰) و قاضی نیز خودش هست که به تعبیر قرآن، با دیدن نامه‌ی عملش، خودش به فرجامش آگاه است. (اسراء، ۱۴)

**آیات متناسب:** زلزال، ۷ و ۸ / انبیاء، ۴۷ / جاثیه، ۲۸.

**حدیث:** امام صادق علیه السلام: «انسان، اعمال خویش را در پرونده‌ی خود چنان واضح می‌بیند که گویی همان ساعت آن را مرتکب شده است.» تفسیر عیاشی: ج ۲ ص ۲۲۸ ح ۳۵.

بد و نیک من و تومی سنجند  
گر که کوهی و گر پرکاهی است  
حدیث نیک و بد ما نوشته خواهد شد  
زمانه را سند و دفتری و دیوانی است



**فصل ششم:**  
**دشمن شناسی**

۳۳

### شیطان؛ دشمن آشکار انسان

يَبْنِيءَ آدَمَ لَا يَفْنِنَتَكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا  
 أَخْرَجَ أَبْوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا  
 لِيُرِيَهُمَا سَوْءَ تَهُمَا إِنَّهُ يَدْرِكُكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِمَّنْ  
 حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيْطَانَ أَوْلِيَاءَ

لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٧﴾

ای فرزندان آدم! شیطان، شما را نفریبید چنان که پدر و مادرتان را [با فریبکاریش] از بهشت بیرون کرد، لباسشان را از اندامشان بر می‌کشید تا شرمگاهشان را به آنان بنمایاند، او و دار و دسته‌اش شما را از آنجا که شما آنان را نمی‌بینید می‌بینند، ما شیاطین را سرپرست و یاران کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند (اعراف، ۲۷)

**توضیح:** خداوند در قرآن بیش از هر چیز دیگری ما را از شیطان و حيله‌های او بر حذر داشته و بارها او را دشمن دیرین و آشکار انسان‌ها دانسته است. دشمنی ابلیس با ما به همان ابتدای خلقتمان برمی‌گردد. که خداوند به فرشتگان دستور داد تا بر آدم سجده کنند. او از این کار خودداری کرد و خود را مخلوقی برتر دانست.



## طرح بزرگ قرآنی ۱۴۴۸

خداوند او را از بهشت بیرون کرد و او سوگند خورد تا نسل آدم را تا روزی که زنده است، گمراه ساخته و در آتش وارد سازد. شرح این واقعه در چند جای قرآن آمده است. ابلیس نقاط قوت بسیاری دارد. از آن جمله، این است که به طور نامحسوس و کاملاً مخفیانه در انسان نفوذ می‌کند. منطقی نیست که با داشتن چنین دشمن آشکار، کاربرد و سوگند خورده‌ای که ذره‌ای رحم و عطف ندارد و با سپاهیان بسیارش در کمین ماست، بی‌محابا یا به میدان کارزار بگذاریم و خود را از تیرهای نامرئی و کاری او در امان بدانیم. بنابراین، باید دشمن حقیقی خودمان را خوب بشناسیم؛ نقاط قوت او و کمینگاهش را شناسایی و راه کارهای غلبه بر او را بررسی کنیم.

در پایان این آیه، تأکید شده است که شیطان تنها بر کسانی ولایت و تسلط دارد که خویشان را از ولایت خدا بیرون برده و به پروردگارشان ایمان نیاورده‌اند.

**آیات متناسب:** فاطر، ۶ / نساء، ۱۱۸ تا ۱۲۰ / اعراف، ۱۱ تا ۱۸.

**حدیث:** هشام بن حکم می‌گوید: «از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: پیکار با کدام دشمن واجب‌تر است؟» امام پاسخ داد: «نزدیک‌ترین و دشمن‌ترین و پرضررترین و بزرگ‌ترین و مخفی‌ترین آنان به تو ... و آن ابلیس است.» مکاتیب الأئمه: ج ۴ ص ۴۹۹.

یک نقطه بیش، فرق رحیم و رحیم نیست  
از نقطه ای بترس که شیطانی‌ات کنند.

### کمینگاه‌های شیطان

وَأَسْتَفْزِزُ مَنْ أَسْطَعَتْ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ  
وَأَجْلِبُ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ  
فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَّهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ  
الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ﴿٦٤﴾

از آنان هر که را توانستی با آوازت [به سوی باطل] برانگیز، و [برای راندنشان به سوی طغیان و گناه] با سواره‌ها و پیاده‌هایت بر آنان بانگ زن، و با آنان [از راه سوق دادنشان به حرام] در اموال و [از طریق وسوسه کردنشان به زنا] در اولاد شریک شو، و به آنان وعده [دروغ] بده [که اگر از من اطاعت کنید و دست از دین بردارید به زندگی دلخواه می‌رسید] و شیطان آنان را جز از روی باطل و دروغ وعده نمی‌دهد. (اسراء، ۶۴)

**توضیح:** «استفزز» به معنای «تحریک کن»، «أجلب» به معنای «فریاد بزن یا جلب کن»، «خیل» به معنای «لشکر سواره» و «رجل» به معنای «لشکر پیاده» است. در این آیه مهم‌ترین راه‌های نفوذ شیطان بیان شده است: ۱- هجوم تبلیغاتی و فرهنگی: بسیاری از مفسران، بخش اول آیه را به نغمه‌های هوس‌انگیز موسیقی و دنیای گسترده‌ی تبلیغاتی مسموم تطبیق

داده‌اند. این‌ها ابزارهای کارا و مؤثر شیطان برای فریب بسیاری از انسان‌هاست. ۲- بخش دوم آیه به هجوم نظامی اختصاص دارد که شیطان با تحریک ایادی انس و جنّ خود به آن دست زده و قصد غلبه بر مؤمنان را دارد. ۳- هجوم اقتصادی از راه ترویج حرام خواری و کسب مال از راه‌های نامشروع. اثر این حربه نیز کمتر از دو حربه‌ی قبلی نمی‌باشد. ۴- هجوم فکری: یکی از مهم‌ترین شیوه‌های نفوذ شیطان، ایجاد آرزوهای واهی و پوچ در انسان‌ها و وعده‌های فریبنده به آنان است. هر یک از این چهار شیوه، رواج بسیاری در عصر امروزی دارد.

**آیات متناسب:** مائده، ۹۱ / اسراء، ۵۳ / بقره، ۱۶۸.

**حدیث:** امام علی علیه السلام: «**أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ خَلَّتَانِ: اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ وَ طُولُ الْأَمَلِ فَأَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ**؛ بیشترین چیزی که در شما از آن بیم دارم، دو خصلت است: پیروی از هوای نفس و آرزوهای طولانی. پیروی از هوای نفس از حقیقت جلوگیری می‌کند و آرزوی طولانی آخرت را از یاد خواهد برد.» سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۷۳

سراب، تشنه لبان را کند بیابان مرگ

خوشا دلی که به دنبال آرزو نرود

### راه کار دوری از شیطان

وَأَمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ

بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٠٠﴾ اِنَّ الَّذِيْنَ

اتَّقَوْا اِذَا مَسَّهُمْ طَافٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ

تَذَكَّرُوْا فَاِذَا هُمْ مُبْصِرُوْنَ ﴿٢٠١﴾

و اگر [وسوسه ای از سوی] شیطان، تو را [به خشم بر مردم و ترکِ مهربانی و ملاطفت] تحریک کند، به خدا پناه جوی؛ زیرا خدا شنوا و داناست. (۲۰۰) مسلماً کسانی که [نسبت به گناهان، و آلودگی های ظاهری و باطنی] تقوا ورزیده اند، هرگاه وسوسه هایی از سوی شیطان به آنان رسد [خدا و قیامت را] یاد کنند، پس بی درنگ بینا شوند [از دام وسوسه هایش نجات یابند] (۲۰۱) (اعراف)

**توضیح:** در درس های گذشته با آشکارترین دشمن خود و برخی نقاط قوت او آشنا شدیم. باید اعتراف کنیم که جنگ ما با شیطان، جنگی نابرابر و محکوم به شکست است؛ زیرا نقاط قوت او، همان نقاط ضعف ماست: او راه مستقیم را به خوبی می شناسد و شیوه های مختلف و متنوعی را برای انحراف انسان از آن در پیش می گیرد؛ او به تدریج و آهسته آهسته انسان را منحرف می کند

و از جایی نفوذ می‌کند که گمانش را هم نمی‌کنیم؛  
او دشمنان دیگر ما را علیه ما تحریک می‌کند و جز به  
سقوط و تباهی مطلق ما بسنده نمی‌کند.

وضعیت ما در برابر شیطان به فردی می‌ماند که در  
خانه‌ای محاصره شده و کسی را نمی‌بیند؛ در حالی که  
دشمنش از روزنه‌ای مخفی او را می‌بیند و مورد اصابت  
قرار می‌دهد. در این حالت، تنها راه چاره آن است که  
به سمت پناه‌گاهی امن و مطمئن فرار کرده و به نیرویی  
تکیه کنیم که قدرت و تسلطش بسیار فراتر از دشمن  
ماست. آن پناهگاه یاد خدا و آن نیرو، خداوند متعال  
است. این آیه راهکار مقابله با شیطان را پناه بردن به  
خدا و یادآوری قدرت او دانسته است.

**آیات متناسب:** فلق / ناس / حجر، ۴۲.

**حدیث:** امام صادق علیه السلام: «مراد از آیه ی ۲۰۱ اعراف، آن  
بنده‌ای است که گناه می‌کند؛ سپس متذکر شده و از گناه  
دست می‌کشد. این معنای آیه ی شریفه است که فرمود:  
«پس بی‌درنگ بینا می‌شوند.» الکافی: ج ۴ ص ۲۳۰ ح ۷.

دام سخت است مگر یار شود لطف خدا

ورنه آدم نبرد صرفه ز شیطان رجیم

۳۶

### شناخت دشمنان خارجی و ویژگی های آنان

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا لَا تَتَّخِذُوْا بِيٰطٰنَةً مِّنْ  
 دُوْنِكُمْ لَا يَأْلُوْنَكُمْ حَبٰلًا وَّ دُوًّا مَّا عِنْتُمْ  
 قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ اَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي  
 صُدُوْرُهُمْ اَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْاٰيٰتِ

۱۱۸  
 اِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُوْنَ

ای اهل ایمان! از غیر خودتان برای خود محرم راز  
 نگیرید؛ آنان از هیچ توطئه و فسادى درباره شما  
 کوتاهی نمی کنند؛ شدت گرفتاری و رنج و زیان شما را  
 دوست دارند؛ تحقیقاً دشمنی [با اسلام و مسلمانان] از  
 لابلای سخنانشان پدیدار است و آنچه سینه هایشان [از  
 کینه و نفرت] پنهان می دارد بزرگ تر است. ما نشانه ها  
 [ی دشمنی و کینه آنان] را اگر می اندیشید برای شما  
 روشن ساختیم. (آل عمران، ۱۱۸)

**توضیح:** شیطان را نباید تنها موجودی از طایفه ی جن  
 دانست که دیده نمی شود؛ بلکه شیطان در اصطلاح  
 قرآن به هر فردی گفته می شود که دیگران را از راه حق و  
 جاده ی مستقیم بندگی باز بدارد. بر این اساس، بسیاری  
 از متکبران و زورگویان عالم، ذاتی شیطانی و پلید دارند.

به همین جهت، قرآن کریم مخالفان انبیاء یا دوستان ناباب را شیطان نامیده است.

شناخت دشمنان بیرونی و شیطان‌های انسان‌نما نیز چون شناخت ابلیس و راه‌های نفوذش ضروری است. مؤمنان باید بدانند که دشمنانی سرسخت و لجوج دارند که به هیچ وجه، اجازه‌ی برپایی دین و احکام آن را نخواهند داد. پیکار میان ایمان و کفر در طول تاریخ بوده و خواهد بود.

متأسفانه برخی گمان می‌کنند با ایجاد صلح و آشتی و در نظر گرفتن منافع مشترک، می‌توان میان کفر و ایمان صلح برقرار کرد. این باور غلط است که موجب شده تا قرآن کریم بارها و بارها مسلمانان را از هرگونه اعتماد و حسن ظن نسبت به کافران نهی کرده است.

**آیات متناسب:** بقره، ۱۲۰ / آل عمران، ۱۱۹ / نساء، ۸۹.

**حدیث:** امام رضا علیه السلام: «مَنْ وَآلٍ أَعْدَاءِ اللَّهِ فَقَدْ عَادَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَمَنْ عَادَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ؛ کسی که با دشمنان خدا طرح دوستی بریزد، با دوستان خدا دشمن شده است و چنین کسی نیز، در حقیقت با خدا دشمن شده است.» بحار: ج ۷۲ ص ۳۹۱.

### نفاق و ویژگی های منافقان

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ  
وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يُرَاءُونَ  
النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٤٢﴾  
مُذَبَذَبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ  
وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ﴿١٤٣﴾

منافقان همواره با خدا نیرنگ می‌کنند، و حال آن که خدا کیفر دهنده نیرنگ آنان است. و هنگامی که به نماز می‌ایستند، با کسالت می‌ایستند، و همواره در برابر مردم ریاکاری می‌کنند؛ و خدا را جز به مقدار کمی یاد نمی‌کنند. (۱۴۲) منافقان میان کفر و ایمان متحیر و سرگردانند، نه [با تمام وجود] با مؤمنانند و نه با کافران. و هر که را خدا [به کیفر اعمال زشتش] گمراه کند، هرگز برای او راهی [به سوی هدایت] نخواهی یافت. (۱۴۳) (نساء)

**توضیح:** تاکنون با دو دسته ی کلی از دشمنان خود آشنا شدیم: شیطان و کافران. دسته ی سوم از دشمنان، منافقان هستند. برای شناخت این گروه و بررسی اوصاف و ویژگی هایشان باید به آیات قرآن مراجعه کرد. برخلاف تصور بسیاری از مردم، شکل گیری نفاق در اسلام از همان بدو دعوت پیامبر ﷺ صورت گرفت، ولی نمود



## طرح بزرگ قرآنی ۱۴۴۸

آشکار آن را می توان پس از تشکیل حکومت در مدینه مشاهده کرد. در آن هنگام، مردم مدینه به سه دسته تقسیم شده بودند: ۱- مسلمانان و مدافعان پیامبر ﷺ. ۲- یهودیان و هم پیمانان آن ها. ۳- منافقان که در ظاهر ادعای اسلام و پیروی از پیامبر ﷺ داشتند، ولی در باطن به آن اعتقاد نداشتند. خداوند کریم، پیامبر ﷺ و مؤمنان را از خطر این منافقان بر حذر داشته و با نزول آیات روشنگری، اوصاف برجسته ی آنان را بیان کرده است. مهم ترین این اوصاف از این قرار است: ۱- سستی در عبادت خدا (نساء، ۱۴۲) ۲- مرزبندی نامشخص با دشمنان و حرکت در مسیر میانه ی اسلام و دشمنانش (نساء، ۱۴۳) ۳- زبان بازی و غرور بیش از حد (بقره، ۲۰۴ تا ۲۰۶) ۴- منفعت طلبی در هر شرایطی (نساء، ۷۲) ۵- سوگند بسیار در همراهی با مؤمنان (منافقون، ۱) ۶- ترویج منکرات و تضعیف شعائر دینی (توبه، ۶۷) ۷- استفاده ی ابزاری از دین (توبه، ۱۰۷) ۸- ادعای اندیشمندی و اصلاح طلبی (بقره، ۱۱ و ۱۳) ۹- ترس شدید از مؤمنان (حشر، ۱۳) ۱۰- تلاش برای تضعیف زندگی مؤمنان (منافقون، ۷)

**آیات متناسب:** بقره، ۹ و ۱۴ / نساء، ۱۴۱ / نساء، ۱۴۵.

**حدیث:** امام صادق علیه السلام: «أَرْبَعٌ مِنْ عِلْمَاتِ النِّفَاقِ قَسَاوَةٌ الْقَلْبِ وَ جُمُودُ الْعَيْنِ وَ الْإِصْرَازُ عَلَى الذَّنْبِ وَ الْحِرْصُ عَلَى الدُّنْيَا؛ چهار چیز از نشانه های نفاق است: قساوت قلب؛ خشک شدن اشک چشم، اصرار بر گناه و حرص و طمع زیاد بر مال دنیا.» (اختصاص: ص ۲۲۸).

عدم اعتماد به دشمنان

وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمَسَّكُمْ النَّارُ  
وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ  
ثُمَّ لَا تَنْصُرُونَ ﴿۱۱۳﴾

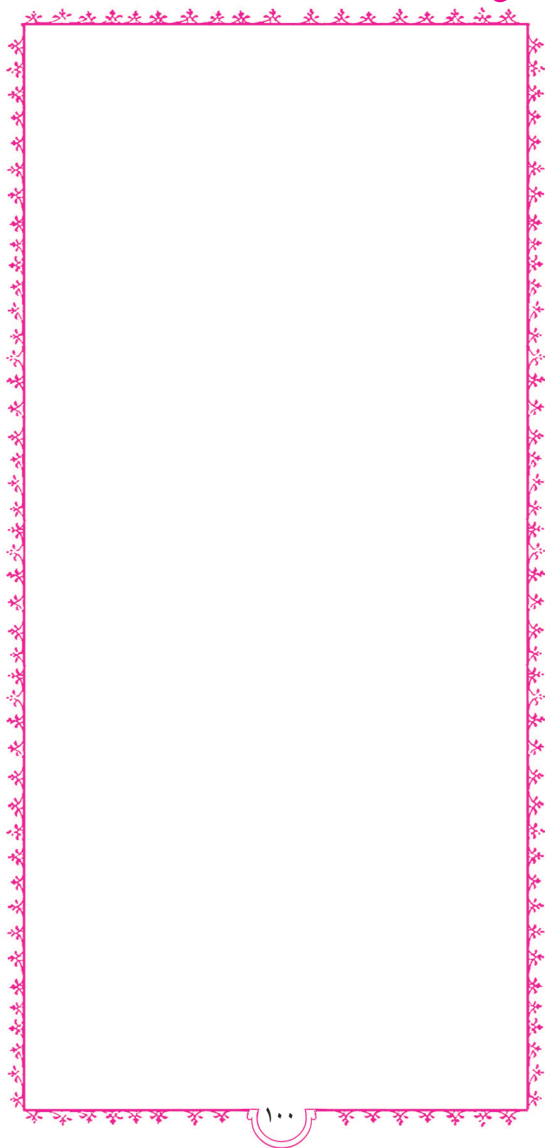
و به کسانی که [به آیات خدا و پیامبر و مردم مؤمن] ستم کرده‌اند، تمایل نداشته و تکیه نکنید که آتش [دوزخ] به شما خواهد رسید و در آن حال شما را در برابر خدا هیچ سرپرستی نیست، سپس یاری نمی‌شوید. (هود، ۱۱۳)

**توضیح:** در گذشته اشاره شد که قرآن کریم، بیان‌گر همه‌ی نیازهای بشر و نقشه‌ی راه زندگی ماست. بر این اساس، دولت‌های اسلامی و عموم مسلمانان باید به توصیه‌های این کتاب عزیز در روابط با دشمنان خویش توجه کنند. اگر بخواهیم اصول سیاست خارجی اسلام را از زبان قرآن، بشنویم، باید بیش از هر چیز بر رعایت عزت و اقتدار در روابط با کشورهای دیگر تکیه کنیم. دست‌کم ده‌ها آیه از قرآن بر این اصل پافشاری و تأکید کرده است؛ به‌گونه‌ای که مسامحه و غفلت از آن، نوعی سرپیچی آشکار از دستورات دینی به شمار می‌رود. در برخی از این آیات تأکید شده است که دوستی

صمیمانه و خوش بینی مطلق به کفار نتیجه ای جز خسارت و زیان به بار نمی آورد. در پاره ای از آیات به عادت پیمان شکنی کفار اشاره شده و در قسمتی دیگر، بردشمنی و عداوت کینه توزانه ی آنان تأکید شده است. پرواضح است که آن چه قرآن بر آن پافشاری می کند، به معنای نفی رابطه و معامله با کشورهای دیگر نیست؛ بلکه به معنای حفظ ارتباط معقول و حکیمانه با رعایت عزت مسلمانان است. در کتب فقهی آمده است که هر گونه معامله و قرارداد که سبب برتری کافر یا کافرانی بر مسلمانان شود، از اساس باطل و غیرقانونی است. به این حکم، قاعده «نفی سبیل» گفته می شود که از آیه ی ۱۴۱ نساء برداشت شده است.

**آیات متناسب:** ممتحنه، ۱ و ۹ / مائده، ۵۱ / توبه، ۱۰.

**حدیث:** امام صادق علیه السلام برای اصحابشان نوشتند: «خداوند اهل حق را نهی کرده است از این که با دشمنانش دوستی کنند و از آنان یاری بطلبند؛ پس چیزی شما را به هراس نیندازد و از یاری حق باز ندارد.» کافی: ج ۸ ص ۱۲ ح ۱.



## بخش دوم: رفتارها

### فصل هفتم:

## رفتارهای مطلوب فردی

### اصلاح و خودسازی (تهذیب نفس)

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا اتَّقُوا اللّٰهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا  
 قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ خَيْرٌۭۤ اِمَّا تَعْمَلُوْنَ  
 ﴿١٨﴾ وَلَا تَكُوْنُوْا كَالَّذِيْنَ نَسُوا اللّٰهَ فَاَنْسَاهُمْ اَنْفُسَهُمْ  
 اُولٰٓئِكَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ ﴿١٩﴾

ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید و هر کسی باید با تأمل بنگرد  
 که برای فردای خود چه چیزی پیش فرستاده است، و از خدا  
 پروا کنید؛ یقیناً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (۱۸)  
 و مانند کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند، پس خدا هم  
 آنان را دچار خودفراموشی کرد؛ اینان بدکار و نافرمان‌اند. (۱۹)  
 (حشر)

**توضیح:** انسان از دو بعد مادی و روحانی برخوردار است.  
 چنانچه بعد روحانی یا عقلانی وی بر قوای جسمی یا حیوانی  
 وی غلبه کرده و آن را به تسخیر خود در آورد، به اوج انسانیت  
 تعالی یافته و به جوار قرب پروردگار رشد می‌یابد، ولی اگر قوای  
 جسمانی یا مادی وی بر قوای روحانی و معنوی غلبه کند،  
 به حسیض حیوانیت تنزل می‌یابد. از این رو، توجه به نفس  
 - به عنوان مرکز تنازع قوای حیوانی و روحانی - بسیار ضروری  
 و مورد توجه اکید قرآن کریم و پیشوایان دینی است.

توجه به نفس - که از آن در علم اخلاق به «محاسبه و مراقبه»  
 یاد می‌شود - به این معناست که انسان در همه‌ی لحظات

## طرح بزرگ قرآنی ۱۴۴۸

زندگی، از نفس خویش مراقبت و حساب‌کشی نماید تا به اعمال نیک روی آورده و دچار لغزش نگردد؛ سپس اعمال نیک و بد خویش را به شماره آورده و برای اعمال نیک، شکرگزاری و برای گناهان استغفار نماید. آن‌گاه اعمال هر روز را با روز گذشته مقایسه و میزان پیشرفت اخلاقی خویش را بسنجد. این همان معنای حدیث مشهور امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام است که می‌فرماید: «زیان دیده و ورشکسته کسی است که دو روزش با هم مساوی باشد. [یعنی هیچ پیشرفت اخلاقی نداشته باشد.]» آن حضرت هم‌چنین در خطبه ۸۶ نهج البلاغه می‌فرماید: «به نفس‌های خود مجال ندهید؛ زیرا در آن صورت، شما را به راه ستم‌کاران می‌برند و درباره‌ی نفس سستی و غفلت نورزید که این سستی شما را به معصیت و گناه می‌کشاند.»

از پیوستگی دو آیه معلوم می‌شود که آن‌هایی که به تزکیه‌ی نفس خود نمی‌پردازند، در حقیقت، خدا را فراموش کرده‌اند. عاقبت فراموشی خدا نیز آن است که پروردگار آنان را دچار خودفراموشی می‌کند.

**آیات متناسب:** مائده، ۱۰۵/ نازعات، ۴۰/ شمس، ۷ تا ۱۰.

**روایت متناسب:** پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «**حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا**؛ [از خویش‌تن] حساب‌رسی نمایید؛ پیش از آن‌که به

حساب شما رسیدگی شود.» کافی: ج ۸ ص ۱۴۳ ح ۱۰۸.

کنون کرد باید عمل را حساب  
نه وقتی که منشور گردد کتاب

۴۰

## انجام تکالیف عبادی

(ارتباط با خدا با محوریت نماز)

أَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ  
وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى  
عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ  
أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿٤٥﴾

آنچه را از این کتاب به تو وحی شده است، بخوان و نماز را برپا دار، یقیناً نماز از گناهان آشکار، و کارهای ناپسند باز می‌دارد؛ و همانا ذکر خدا بزرگ‌تر است، و خدا آنچه را انجام می‌دهید می‌داند. (عنکبوت، ۴۵)

**توضیح:** هنگامی که سخن از رفتارهای مطلوب به میان می‌آید، در ابتدا باید به سراغ بایدها و نبایدها در سبک زندگی اسلامی رفت. غفلت از همین نکته‌ی ساده و ابتدایی، سبب رشد اخلاقی نامتوازن در بسیاری از افراد شده است؛ به‌گونه‌ای که پرداختن به برخی مستحبات را از انجام واجب مهم‌تر دانسته و معیار پاکی نفس دانسته‌اند.

در میان فرایض الهی، نماز جایگاه ویژه‌ای دارد. نماز بزرگ‌ترین فریضه‌ی الهی در تمام ادیان آسمانی بوده است؛ زیرا وسیله‌ی محکم و کارساز ارتباط با خدا و غرق



نشدن در گناه و منجلا ب‌های فساد است. نماز، نشانه‌ی آشکار بندگی و فرمان برداری خداوند است. در قرآن کریم بیش از ۹۰ مرتبه مستقیماً به نماز اشاره شده است. این همه تأکید بر ادای این فریضه، بیانگر ارزش خاص و جایگاه رفیع این عبادت در پیشگاه خداوند است. قرآن تنها ادای نماز را وظیفه‌ی مسلمانان نمی‌داند؛ بلکه اقامه‌ی نماز را از آنان طلب می‌کند. اقامه‌ی نماز به معنای ادای درست نماز با حدود و شرایط، تداوم در برپایی آن و تلاش برای مطرح کردن و گسترش آن در جامعه است.

نماز دارای حکمت‌ها و فواید بسیاری است. یاد خدا، دوری از گناه و فحشاء، پاکی روح، تقویت اراده، از بین رفتن تکبر و غرور و ... از علت‌های تشریح نماز است. مهم‌ترین این حکمت‌ها، یاد مداوم خداوند است و چون یاد خداوند مایه‌ی آرامش دل‌ها و بیداری بندگان است، نماز نیز وسیله‌ی آرامش و بیداری از خواب غفلت است.

**آیات متناسب:** انعام، ۵۹ / علق، ۱۴ / انعام، ۳.

**حدیث:** پیامبر اکرم ﷺ: «نمازهای پنج‌گانه برای امتم همانند رود زلالی است که از مقابل خانه‌ی آنان می‌گذرد، اگر کسی روزانه پنج بار در این نهر شستشو کند، آیا به گمان شما باز هم بر بدن او آلودگی و پلیدی خواهد ماند؟» تهذیب الأحکام: ج ۲ ص ۲۳۷ ح ۹۳۸.

قابل درگاه حی بی نیاز

هیچ طاعت نیست بهتر از نماز

این عبادت مایه قرب خداست

مونس شب‌های تارانییاست

### صبر و استقامت

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ  
عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا  
وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٣٠﴾

بی تردید کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست؛ سپس [در میدان عمل برایین حقیقت] استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند [و می گویند]: مترسید و اندوهگین نباشید شما را به بهشتی که وعده می دادند، بشارت باد. (فصلت، ۳۰)

**توضیح:** رسوخ ملکات نفسانی در وجود آدمی، نیاز به مداومت و پایداری در باور و عمل به آن دارد. از این رو، پایداری در مسیر ایمان و صبر در راه خدا، شرط کلیدی موفقیت در سیر و سلوک بندگان خواهد داشت. با نگاهی به زندگانی انبیاء و اولیای الهی در قرآن، در می یابیم که رمز موفقیت آنان، پایداری بر اعتقاد و متزلزل نشدن در هنگام مواجهه با موانع و مشکلات بوده است. برای نمونه می توان به نمونه های بارزی چون اصحاب کهف، یوسف پیامبر و آسیه - همسر فرعون - اشاره کرد که هیچ یک باورهای دینی خود را در سختی ها و مصائب زندگی از دست ندادند.

در سخنان پیشوایان ما، از صبر به عنوان ریشه و اساس ایمان و نیز کلید گشایش و فرج یاد شده است. (کافی: ج ۲ ص ۸۷) خداوند در قرآن بارها بر همراهی خویش با صابران تأکید نموده و صبر را کلید نجات و پیروزی در برابر مشکلات دانسته است. در سایه‌ی صبر و بردباری، اعتقاد و باور توحیدی در وجود انسان رسوخ یافته و روح وی تکامل می‌یابد. گفتنی است صبر در اندیشه‌ی دینی، فراتر از معنای عرفی آن - یعنی تحمل بلا و مشکلات - است. توضیح آن که صبر در متون دینی دارای اقسامی چون صبر در عبادت، صبر در اجتناب از معصیت و صبر در برابر مصائب و بلاهاست که سبب می‌گردد معنا و کاربرد اخلاقی آن نیز وسیع گردد.

**آیات متناسب:** آل عمران، ۲۰۰ / بقره، ۱۵۳ / زمر، ۱۰۰.

**حدیث:** امام صادق علیه السلام: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَشَدُّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ إِنْ زُبِرَ الْحَدِيدُ إِذَا دَخَلَ النَّارَ تَغَيَّرَ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَوْ قُتِلَ ثُمَّ نُشِرَ ثُمَّ قُتِلَ لَمْ يَتَغَيَّرْ قَلْبُهُ؛ مؤمن از پاره‌های آهن محکم‌تر است؛ پاره‌های آهن اگر در آتش نهاده شود، تغییر می‌کند؛ اما مؤمن اگر بارها کشته و زنده شود، دلش تغییر نمی‌کند.» صفات السبعه: ص ۳۲ ح ۴۷.

دلا در عاشقی ثابت قدم باش  
که در این ره نباشد کاری اجر

### علم آموزی

أَمَّنْ هُوَ قَنْتُءَانَاءُ أَلَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا  
يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ ۗ قُلْ هَلْ  
يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۗ إِنَّمَا  
يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٩﴾

[آیا چنین انسان کفران‌کننده‌ای بهتر است] یا کسی که در ساعات شب به سجده و قیام و عبادتی خالصانه مشغول است، از آخرت می‌ترسد و به رحمت پروردگارش امید دارد؟ بگو: آیا کسانی که معرفت دارند و کسانی که بی‌بهره از معرفت‌اند، یکسانند؟ فقط خردمندان متذکر می‌شوند (زمر، ۹)

**توضیح:** دین مبین اسلام از همان ابتدا بر کسب علم و دانش‌آموختگی تأکید نموده است. یکی از عوامل انحراف امت‌های گذشته، جهالت و سفاهت آنان بوده است؛ به‌گونه‌ای که از تقلید کورکورانه ابایی نداشتند. از این رو، اسلام بر کسب علم و دانش تأکید نموده و آن را فضیلت بزرگی دانسته است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ مسلمانان را به علم‌آموزی و فتح قله‌های دانش تشویق می‌کردند. امام علی در حدیثی مشهور

## طرح بزرگ قرآنی ۱۴۴۸

فرمودند: «به دنبال علم بروید؛ حتی اگر در چین باشد.»

(مصباح الشریعه: ص ۱۳)

برای فهم نظر اسلام پیرامون علم و دانش، توجه به دو نکته بسیار ضروری است: ۱- در میان زمینه‌های مختلف علم و دانش، اسلام اهمیت ویژه و بسزایی برای تحصیل علوم اسلامی و فهم در دین قائل شده است. آیه ی ۱۲۲ توبه بر این مطلب تصریح دارد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حدیث مهمی فرمودند: «علم تنها سه گونه است: نشانه‌ی محکم و استوار؛ حکم و قانون عادلانه؛ اخلاق نیکو و پابرجا» (کافی: ج ۱ ص ۳۲ ح ۱) علمای اسلام این سه دسته علم را بر سه شاخه‌ی اصلی علوم اسلامی - یعنی عقائد، احکام و اخلاق - تطبیق کرده‌اند. ۲- علم به تنهایی نمی‌تواند انسان را به سعادت برساند و باید همراه با عمل و ترس از پروردگار باشد. این مطلب از ابتدای آیه‌ی مذکور نیز فهمیده می‌شود.

**آیات متناسب:** مجادله، ۱۱ / فاطر، ۲۸ / توبه، ۱۲۲.

**حدیث:** پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «**طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى**

**كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ أَلَا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بُغَاةَ الْعِلْمِ**؛ طلب

دانش بر هر مسلمانی واجب است. آگاه باشید خداوند

جویندگان دانش را دوست دارد.» (کافی: ج ۱ ص ۳۰ ح ۱)

با علم اگر عمل نکنی شاخ بی‌بری

علم آدمیتست و جوانمردی و ادب

رضا به خواسته‌ی الهی

مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي  
 أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَنْ نَبْرَاهَا  
 إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٢٢﴾ لِكَيْلَا تَأْسَوْا  
 عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ  
 وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿٢٣﴾

هیچ آسیبی در زمین [چون زلزله، سیل، توفان و قحطی] و در وجود خودتان [چون بیماری، رنج، تعب و از دست رفتن مال و ثروت]، روی نمی‌دهد مگر پیش از آن که آن را به وجود آوریم در کتابی [چون لوح محفوظ] ثبت است، بی تردید این [تقدیر حوادث و فرمان قطعی به پدید آمدنش] بر خدا آسان است. (۲۲) تا [با یقین به این که هر آسیبی و هر عطا و منعی فقط به اراده‌ی خداست و شما را در آن اختیاری نیست] بر آنچه از دست شما رفت، تأسف نخورید، و بر آنچه به شما عطا کرده است شادمان نشوید، و خدا هیچ گردنکش خودستا را [که به نعمت‌ها مغرور شده است] دوست ندارد. (۲۳) (حدید)

**توضیح:** رضا از بالاترین مقامات اولیای خداوند است و ارتباط نزدیکی با دو فضیلت شکر و توکل دارد. اهمیت این صفت نیکو به قدری است که امام علی علیه السلام آن را

نتیجه ی یقین می داند.

نشانه ی رضایت به خواست خدا، اعتراض نکردن و خشمگین نشدن در پیشامدهاست. کسی که به مقام رضا رسیده باشد، تفاوتی میان فقر و ثروت، راحتی و سختی، مریضی و سلامتی، و ... نمی بیند و هر آن چه از دوست رسد را نیکو می شمارد. در روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام آمده است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هرگز درباره ی چیزی که اتفاق افتاده بود، نمی گفت که ای کاش غیر از این اتفاق افتاده بود.

در آیات بالا، خداوند متعال ابتدا یادآوری می کند که هر حادثه و اتفاق که در جهان رخ می دهد، با خواست و اراده ی او می باشد. سپس از بندگان می خواهد که برای آن چه از دست داده اند، افسوس نخورند و به خاطر آن چه به آن ها داده شده، شادمان و سرخوش نباشند. باید خلیل بود و به یار اعتماد کرد / گاهی بهشت در دل آتش میسراست!

**آیات متناسب:** مائده، ۱۱۹ / توبه، ۵۹ / آل عمران، ۱۵۳.

**حدیث:** پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «در شب معراج از خداوند عز و جل پرسیدم: کدامین عمل از سایر اعمال بهتر است؟ خداوند پاسخ داد: «لَيْسَ شَيْءٌ عِنْدِي أَفْضَلَ مِنَ التَّوَكُّلِ عَلَى وَالرِّضَى بِمَا قَسَمْتُ؛ هیچ چیز نزد من از توکل بر من و رضایت به آنچه من قسمت کرده ام برتر نیست.»  
بحار الأنوار ج ۷۷ ص ۲۱.

سود و زیان و مایه چو خواهد شدن زدست  
از بهر این معامله غمگین مباش و شاد

### شکر نعمت های خداوند

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ  
لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ  
﴿٧﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ إِنَّ تَكْفُرًا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ  
جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٨﴾

و [نیز یاد کنید] هنگامی که پروردگارتان اعلام کرد: اگر سپاس گزاری کنید، قطعاً [نعمت] خود را بر شما می افزایم، و اگر ناسپاسی کنید، بی تردید عذاب سخت است. (۷) و موسی [به بنی اسرائیل] گفت: اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید [زیانی به خدا نمی رسد]؛ زیرا خدا بی نیاز و ستوده است. (۸) (ابراهیم)

**توضیح:** یکی از این فضایل، شکرگزاری در برابر خداوند است. تأثیر این فضیلت اخلاقی در پرورش روح انسان بسیار زیاد است؛ زیرا از سویی عظمت پروردگار را در یاد او تقویت می کند و از سوی دیگر، او را به بهره گیری صحیح از نعمت های پروردگارش فرامی خواند. نکته ی مهم این است که شکر در حقیقت، آمیخته ای از ستایش با زبان و عمل است؛ یعنی شکر حقیقی آن است که بنده نه تنها در زبان؛ بلکه در عمل نیز قدر



## طرح بزرگ قرآنی ۱۴۴۸

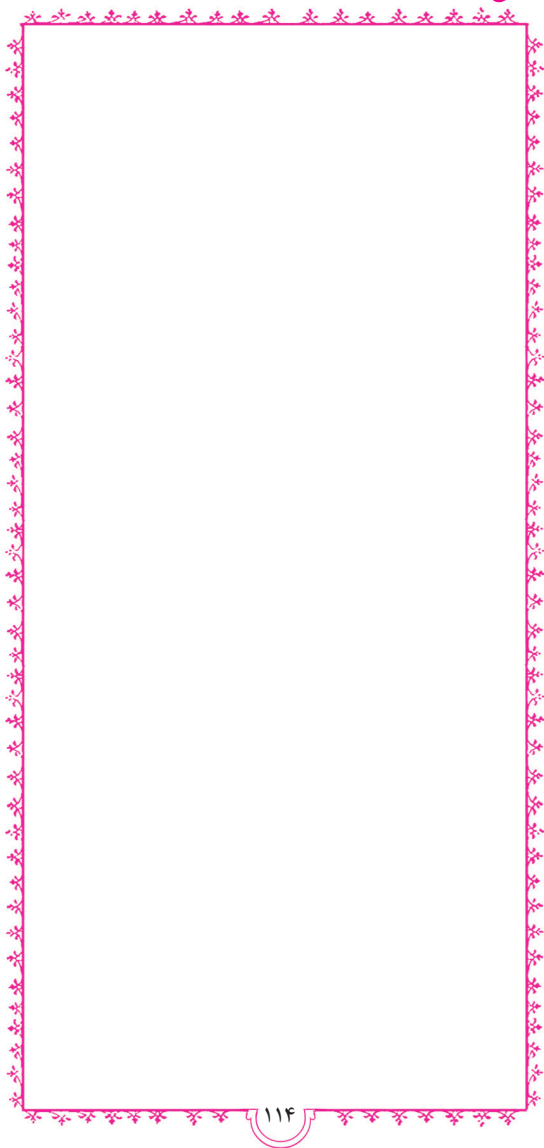
نعمت خدا را بداند و آن را در راه مطلوب استفاده کند. این دو آیه از مهم‌ترین آیات در بیان آثار شکر است. در آیه ی اول خداوند با تأکید فراوان به بندگان گوشزد می‌کند که سنت حتمی او این است که بندگان شکرگزار را از نعمت‌های بیشتری در دنیا برخوردار سازد و در سوی مقابل، نعمت خود را از آنان که بندگان ناسپاس سلب بازپیش بگیرد. نمونه‌های فراوانی در قرآن از اقوام و جوامع گذشته ذکر شده است که به جای شکرگزاری در برابر پروردگار، به نعمت‌های خدادادی مغرور و فریفته شده و سرانجامی جز سلب نعمت و مجازات پروردگار نداشتند. داستان قوم سبأ - که در آیات ۱۵ تا ۱۷ سوره سبأ بیان شده - از آن موارد است.

آیه ی بعد نیز، بیان‌گر این حقیقت است که فایده‌ی شکر تنها به خود بندگان رسیده و خدا نیازی به آن ندارد.

**آیات متناسب:** ضحی، ۱۱ / نساء، ۱۴۷ / ابراهیم، ۳۴.

**حدیث:** امام علی علیه السلام: «شَكَرُ كُلِّ نِعْمَةٍ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ: شکر هر نعمتی پرهیز کردن از حرام‌های خداوند است.» مشکاة الأنوار: ص ۳۵.

خردمند طبعان منت شناس  
بدوزند نعمت به میخ سپاس



**فصل هشتم:**

**رفتارهای نامطلوب فردی**

### دنیا دوستی

زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ  
وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ  
الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ  
وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ  
الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَتَابِ ﴿١٤﴾

محبت و عشق به خواستنی‌ها [که عبارت است] از زنان و فرزندان و اموال فراوان از طلا و نقره و اسبان نشاندار و چهارپایان و کشت و زراعت، برای مردم زیبا جلوه داده شده؛ اینها کالای زندگی [زودگذر] دنیا است؛ و خداست که بازگشت نیکو نزد اوست. (آل عمران، ۱۴)

**توضیح:** از آیات و روایات فراوان استفاده می‌شود، اصلی‌ترین عامل سقوط و تباهی معنوی انسان، دنیا دوستی است. شیطان و نفس اماره، حب دنیا را در وجود انسان زینت بخشیده و او را از آخرت غافل می‌سازند. خداوند متعال بارها دنیا را متاعی فریبنده و زودگذر معرفی کرده تا بندگان از دل بستگی به آن دوری کنند.

فخرفروشی نسبت به مظاهر دنیوی چون مال، فرزند، ماشین، شأن اجتماعی، پست و مقام و ... از جلوه‌های دنیادوستی است که در آیه‌ی بالا نیز به آن اشاره شده است. بسیاری از ما بندگان اسیر عشق و محبت بیش از حد به این جلوه‌های فریبنده و زودگذر گشته‌ایم.

ذکر این نکته نیز ضروری است که در اسلام، اعتزال و دنیاگریزی به شدت نکوهش شده است. بر این اساس، بهره‌ی مباح از لذات دنیوی - چون همسر، فرزندان و مال و ثروت - مورد تأیید قرآن و بلکه پسندیده نیز هست؛ اما باید از تعلق خاطر و دل بستگی مطلق به آن دوری شود؛ زیرا به تدریج انسان را از یاد خدا و آخرت باز دارد.

**آیات متناسب:** بقره، ۲۱۲ / قلم، ۸ تا ۱۴ / تکوین، ۱۴ تا ۱۶

**حدیث:** امام صادق علیه السلام: «رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا؛ حب دنیا سرچشمه‌ی هر خطا و اشتباهی است.»  
کافی: ج ۲ ص ۳۱۵ ح ۱.

مجدورستی عهد از جهان سست نهاد  
که این عجزه عروس هزار داماد است

هواپرستی (پیروی از شهوات)

أَفْرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ  
عَلَىٰ عِلْمِهِ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ  
بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ  
أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٢٣﴾

آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داده و خداوند او را با آگاهی (بر اینکه شایسته هدایت نیست) گمراه ساخته و بر گوش و قلبش مهر زده و بر چشمش پرده‌ای افکنده است؟! با این حال چه کسی می‌تواند غیر از خدا او را هدایت کند؟! آیا متذکر نمی‌شوید؟! (جائیه، ۲۳)

**توضیح:** در آیه‌ی گذشته به برخی نمونه‌های آشکار حب دنیا اشاره شد. اکنون به نتیجه‌ی حب دنیا اشاره می‌کنیم. محبت بیش از حد و شیفتگی به لذایذ دنیوی سبب می‌شود تا انسان به تدریج، اسیر شهوت و هوای نفس خود گردد. برای روشن شدن این مطلب، کافی است به این نکته توجه کنید که نفس در تعابیر قرآن، اقسام متعددی دارد. یکی از آن اقسام، «نفس اماره» است. مقصود از نفس اماره، نفسی است که به بدی‌ها و زشتی‌ها امر می‌کند؛ یعنی عنان اختیار آدمی

را به کلی در دست گرفته و او را تا پای جان سرخوش غفلت و غرور می سازد. نفس اماره در ابتدا چنین قدرتی ندارد؛ بلکه به تدریج و گام به گام وجود انسان را تحت کنترل خود درمی آورد. این امر زمانی است که دیگر ندای فطرت و وجدان (یا به تعبیر قرآن، نفس لوامه و سرزنش گر) به کلی خاموش شود. بنابراین نباید به راحتی به خواسته های نفسانی توجه کرد؛ زیرا به تدریج افسار آدمی را به کلی در اختیار گرفته و او را جز در ورطه ی هلاکت و نابودی رها نمی سازد.

در آیه ی بالا خداوند با شگفتی بسیار از کسانی یاد می کند که هوای نفس را معبود خود قرار داده و بر عقل و قلبشان مهر غفلت و خاموشی نهاده شده است.

**آیات متناسب:** فرقان، ۴۳ / مریم، ۵۹ / یوسف، ۵۳.

**حدیث:** امام علی علیه السلام: «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ وَ الْفَحْشَاءِ فَمَنْ اتَّمَمَهَا خَانَتْهُ وَ مَنْ اسْتَنَامَ إِلَيْهَا أَهْلَكَتُهُ؛

نفس همواره به بدی و زشت کاری فرمان می دهد. پس هر که به نفس خویش اعتماد کند نفس به او خیانت می ورزد و هر که به آن دل خوش کند نفس او را به هلاکت می افکند.» غرر الحکم: ج ۲ ص ۵۲۱-۳۴۹.

مبرطاعت نفس شهوت پرست

که هر ساعتش قبله ی دیگرست [سعدی]

### تکبر و خودبینی

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ  
مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿١٨﴾

متکبرانه روی از مردم برمگردان، و در زمین با ناز و غرور راه مرو، همانا خدا هیچ خودپسند فخرفروش را دوست ندارد. (لقمان، ۱۸)

**توضیح:** فخرفروشی و تکبر از گناهان بزرگ است که با خود گناهان دیگری چون تمسخر و تحقیر دیگران یا لجاجت و عناد در برابر حق را به همراه دارد. خداوند متعال در آیه ی ۵۶ سوره ی غافر اصلی ترین عامل عناد در برابر حق و نافرمانی خداوند، وجود تکبر در قلب کافران است. نمونه ی بارز آن، ابلیس است که به دلیل خودبرتربینی و استکبارش، از درگاه حق رانده شد. (بقره، ۳۴) فرعون نیز از همین رو، خود را پروردگار مصریان خواند. (قصص، ۴) بالاتر آن که، در آیه ی ۷۵ سوره ی اعراف، خداوند از جبهه بندی دو گروه حق و باطل، به تقابل مستکبران و مستضعفان یاد کرده است تا به بندگان گوشزد شود که ریشه ی گمراهی کافران، تکبر و خودبینی آنان است.



گفتنی است زمینه‌های ایجاد تکبر در انسان بسیار زیاد است. گمان بسیاری از مردم این است که تکبر و خودبینی تنها مخصوص آنان است که از ثروت یا مقام ویژه‌ای برخوردارند؛ درحالی‌که ریشه‌های این صفت نکوئیده، در همه وجود دارد و چه بسا کسی در نهاد کوچک خانواده نیز چون فرعون خدایی کند و خود را عقل کل بداند. به همین جهت است که قرآن حتی از کوچک‌ترین جلوه‌های تکبر نیز به شدت نهی کرده است. در آیه‌ی بالا کسانی که از مردم روبرگردانده یا در راه رفتن متکبرانه قدم برمی‌دارند، نکوهش شده‌اند.

**آیات متناسب:** غافر، ۵۶ / فاطر، ۴۳ / فرقان، ۲۱.

**حدیث:** امام علی علیه السلام: «إِحْذَرِ الْكِبْرَ فَإِنَّهُ رَأْسُ الطُّغْيَانِ وَ مَعْصِيَةُ الرَّحْمَنِ؛ از تکبر پرهیزید که سرآغاز طغیان‌ها و معصیت و نافرمانی خداوند رحمان است.»

غررالحکم: ج ۲ ص ۲۷۹ ح ۲۶۰۹.

تواضع سرفعت افرازدت

تکبر به خاک اندر اندازدت [سعدی]

## بخل و حرص

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَاءٍ أَنَّهُمْ أُكْرِهُوا مِنْ  
فَضْلِهِ ۗ هُوَ خَيْرٌ لَّهُمْ بِئَلَّا هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ ۖ سَيُطَوَّقُونَ  
مَا بَخُلُوا بِهِ ۗ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ وَاللَّهُ مِيرَاثُ  
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١٨٠﴾

کسانی که خدا به آنچه از فضلش به آنان داده بخل می‌ورزند، گمان نکنند که آن بخل به سود آنان است، بلکه آن بخل به زیانشان خواهد بود. به زودی آنچه به آن بخل ورزیدند در روز قیامت گردنبنده گردنشان می‌شود. و میراث آسمان‌ها و زمین فقط در سیطره مالکیت خداست، و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است (آل عمران، ۱۸۰)

**توضیح:** اسلام، به همان میزان که بر سخاوت و انفاق به عنوان یک فضیلت متعالی تأکید کرده، از بخل و تنگ‌چشمی نیز نهی نموده است. مهم‌ترین زمینه‌های ایجاد بخل در انسان دو چیز است: ۱- فریفته شدن به دارایی‌های دنیوی: حب دنیا و مال دوستی سبب می‌شود تا فرد بخیل نتواند به راحتی از مال خود گذشت کرده و آن را به دیگران ببخشد. ۲- باور نداشتن

به قدرت خدا؛ گاه نیز فرد بخیل از ترس فقر و نداری در آینده از انفاق خودداری می‌کند. خداوند کریم به این عامل در آیه ی ۲۶۸ بقره اشاره کرده و فرموده است: «شیطان، شما را (به هنگام انفاق) به فقر و تهیدستی وعده می‌دهد و به فحشا (و زشتی‌ها) امر می‌کند؛ ولی خداوند وعده‌ی آمرزش گناهان و فزونی اموال به شما می‌دهد و خداوند، قدرتش وسیع است و به هر چیز داناست.»

در آیه‌ی مذکور، تأکید شده که انسان‌های بخیل گمان نکنند که بخل و امساک آنان موجب سود بیشتر آنان خواهد شد؛ بلکه در دنیا و آخرت به زیان آنان تمام خواهد شد.

گفتنی است در قرآن کریم برای مفهوم بخل، از واژه‌های دیگری چون «شُحّ: تنگ‌چشمی» نیز استفاده شده است.

**آیات متناسب:** حشر، ۵۹ / محمد، ۴۷ / نساء، ۳۷.

**حدیث:** امام علی علیه السلام: «عَجِبْتُ لِلْبَخِيلِ ... فَيَعِيشُ فِي الدُّنْيَا عَيْشَةَ الْفُقَرَاءِ وَيُحَاسِبُ فِي الْآخِرَةِ حِسَابَ الْأَغْنِيَاءِ؛ از انسان بخیل تعجب می‌کنم؛ چون در دنیا مثل فقرا زندگی می‌کند و در آخرت، مثل اغنیاء و توان‌گران حسابرسی می‌شود.» نهج البلاغة: حکمت ۱۲۶.

طمع و حرص و بخل و شهوت و خشم

حسد و کبر و حقد به پیوند

هفت در دوزخند در تن تو

در هر هفت محکم اندر بند!

### عجب و خودپسندی

... فَلَا تُزَكُّوْا اَنْفُسَكُمْ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنْ اَتَقَى ﴿۳۲﴾

... پس خودستایی نکنید. او به کسی که پرهیزکاری پیشه کرده است آگاه‌تر است. (نجم، ۳۲)

**توضیح:** عجب و خودپسندی آفتی است که گریبان بسیاری از مؤمنان را گرفته و خشکاندن ریشه‌ی آن، نیاز به مجاهدت و پیکار فراوان دارد. بسیاری از مؤمنان به این گناه مبتلا نیستند؛ چون خویشتن را گناه‌کار می‌دانند، ولی آنان که طاعات و عبادات قابل توجهی انجام داده باشند، اسیر آن می‌شوند. در از روایات و دعا‌های بسیاری برداشت می‌شود که یکی از بزرگ‌ترین گناهان این است که انسان گناهان خویش را کوچک و ناچیز بداند و طاعات و عباداتش را بزرگ در نظر بگیرد. نشانه‌ی عجب و خودپسندی آن است که فرد از مدح و تمجید دیگران خشنود شده و گفتار آنان را درباره‌ی خود باور کند. چنین انسانی مرز حماقت و نادانی را نیز پشت سر گذاشته است؛ چرا که سخنی را باور کرده که خود به بطلان آن آگاه است.

## طرح بزرگ قرآنی ۱۴۴۸

در آیه ی فوق، خداوند از چنین انسان هایی اظهار شگفتی کرده و تصریح می کند که تنها اوست که می داند چه کسی از نظر تقوا و بندگی بالاتر از دیگران است.

**آیات متناسب:** آل عمران، ۱۸۸ / نور، ۲۱ / نساء، ۴۹.

**حدیث:** امام علی علیه السلام: «**الْعُجْبُ رَأْسُ الْحَمَاقَةِ**؛ خودپسندی اساس همه ی حماقت هاست» غررالحکم: ج ۱ ص ۹۵ ح ۳۴۸.

خود ستوده است هر که اهل بود

خودستایی نشان جهل بود

۵۰

### حسد و کینه توزی

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ  
فَضْلِهِ ۗ فَقَدْ أَتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ  
وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا ﴿٥٤﴾

بلکه آنان به مردم [که در حقیقت پیامبر و اهل بیت  
اویند] به خاطر آنچه خدا از فضلش به آنان عطا کرده  
حسد می‌ورزند. تحقیقاً ما به خاندان ابراهیم کتاب و  
حکمت دادیم، و به آنان فرمانروایی بزرگی بخشیدیم  
(نساء، ۵۴)

**توضیح:** اگرچه واژه‌ی «حسد» تنها پنج بار در قرآن به  
کار رفته است، ولی مفهوم آن در بسیاری از آیات قرآن  
-به‌ویژه در برخی استعمالات واژه‌ی «بغی»- تکرار  
شده است. قرآن ریشه‌ی بسیاری از گناهان را حسادت  
می‌داند. نمونه‌هایی آشکار از سرانجام حسودان را  
می‌توان در داستان ابلیس نسبت به آدم یا قابیل نسبت  
به هابیل و یا برادران یوسف نسبت به او مشاهده کرد.  
در این آیه نیز حسادت را عامل دشمنی برخی از اهل  
کتاب با پیامبر ﷺ دانسته است. حسادت، نمونه‌های  
دیگری از نقش این گناه در گمراهی افراد است.

مهم‌ترین ریشه‌های بروز حسادت در انسان سه چیز است: ۱- دشمنی و کینه‌توزی؛ ۲- احساس حقارت و ضعف درونی ۳- ضعف ایمان. نشانه‌ی حسود هم آن است که به هنگام تعریف و تمجید از دیگران، قصد تخریب آنان یا توجیه ضعف خود را دارد. از آیه‌ی پایانی سوره‌ی مبارکه‌ی فلق، فهمیده می‌شود که حسود به قدری منشأ شرارت و بدی است که تنها راه نجات از وی، پناه بردن به خداست.

گفتنی است میان حسد - یعنی آرزوی زوال نعمت از دیگری - و غبطه - یعنی آرزوی دست‌یابی به همان نعمت بدون زوال نعمت دیگران - تفاوت وجود دارد و غبطه در امور معنوی صفتی پسندیده است.

**آیات متناسب:** بقره، ۱۰۹ و ۹۰ / فلق، ۵ / آل عمران، ۱۹.

**حدیث:** امام باقر علیه السلام: «إِنَّ الْحَسَدَ لَيَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا

تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ؛ حسد ایمان را می‌خورد؛ همان‌گونه

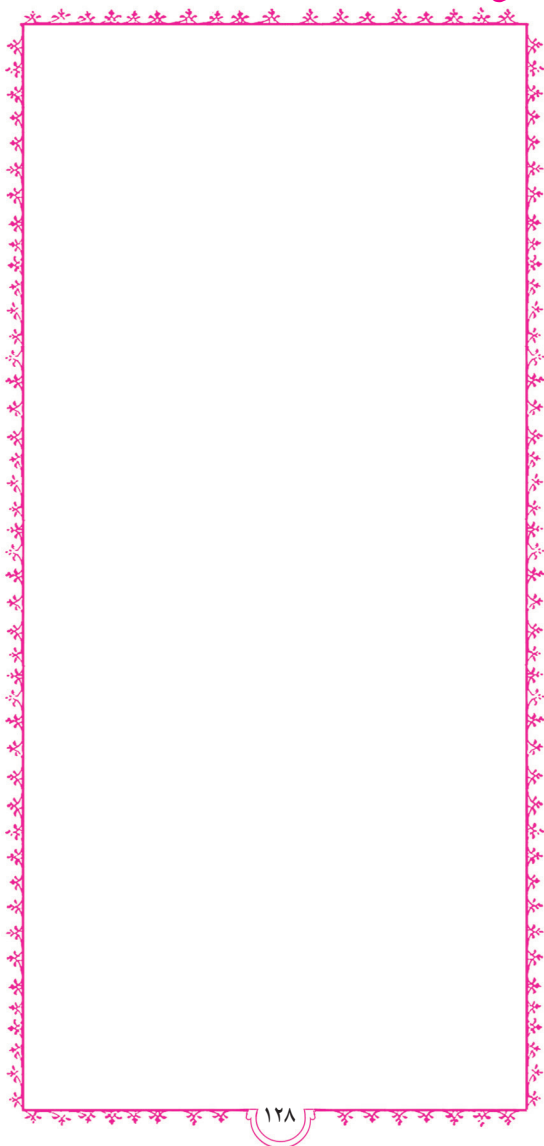
که آتش، هیزم را از بین می‌برد.» کافی: ج ۲ ص ۳۰۶ ح ۱.

الاتا نخواهی بلا بر حسود

که آن بخت برگشته خود در بلاست

چه حاجت که با او کنی دشمنی

که او را چنین دشمنی در قفاست





## فصل نهم:

# رفتارهای مطلوب اجتماعی

### احسان و نیکی به مردم

وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي  
هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ

كَأَنَّهُ وَوَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿٣٤﴾

نیکی و بدی یکسان نیست. [بدی را] با بهترین شیوه دفع کن؛ [با این برخورد متین و نیک] ناگاه کسی که میان تو و او دشمنی است [چنان شود] که گویی دوستی نزدیک و صمیمی است. (فصلت، ۳۴)

**توضیح:** یکی از اساسی‌ترین دستورات دینی در حوزه‌ی اخلاق اجتماعی، احسان و نیکوکاری است. از این رو، آیات فراوانی از قرآن به فضیلت احسان و نیکی به دیگران اختصاص دارد. در برخی از این آیات بر اصل احسان به همه‌ی مردم - حتی کافران - تأکید شده، در برخی دیگر، به آداب و شروط احسان پرداخته شده و در پاره‌ای از آیات، مقام و منزلت و پاداش نیکوکاران ترسیم شده است. از استعمالات متعدد واژه‌ی احسان در متون دینی در می‌یابیم که مفهوم آن، فراتر از احسان مالی است و شامل هر گونه خیررسانی به دیگران می‌شود؛ تا جایی که می‌توان مقام احسان را از والاترین فضایل

متقین و مؤمنان دانست.

آیه‌ی فوق میزان اهمیت احسان و فایده‌ی آن را ترسیم می‌نماید؛ زیرا توصیه می‌نماید حتی در مقابل بدی دیگران نیز - به جای مقابله به مثل - تلاش شود تا به بهترین صورت، با وی برخورد شود. این کار سبب رفع کینه از قلب وی گشته و دشمنی‌ها را به دوستی تبدیل می‌نماید. بی‌گمان عمل به این آیه بسیاری از اختلافات اجتماعی و کینه و کدورت‌های بی‌مورد را برطرف خواهد ساخت. سیره‌ی تبلیغی پیشوایان دینی نیز، پراز مواردی است که به جهت حلم و مدارا با دشمن خود، قلب او را تسخیر کرده و شیفته‌ی خود نموده‌اند.

**آیات متناسب:** نساء، ۳۶ / رحمن، ۶۰ / هود، ۱۱۵.

**حدیث:** امام علی ع: «مَنْ أَحْسَنَ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهِ فَقَدْ أَخَذَ بِجَوَامِعِ الْفَضْلِ؛ هر کس به آن کس که به او بدی کرده، احسان کند، همه‌ی فضائل اخلاقی را در خود جمع کرده است.» غرر الحکم: ج ۵ ص ۳۹۴ ح ۸۹۰۵.

کرم کن که فردا که دیوان نهند  
 منازل بمقدار احسان دهند  
 بدی را بدی سهل باشد جزا  
 اگر مردی احسن الی من اساء

نیکی به والدین

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ  
 إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا  
 أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا نَهْرَهُمَا وَقُلْ  
 لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ﴿٢٣﴾ وَأَخْفِضْ لَهُمَا  
 جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا  
 كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ﴿٢٤﴾

و پروردگارت فرمان قاطع داده است که جز او را  
 نپرستید، و به پدر و مادر نیکی کنید؛ هرگاه یکی از آنان  
 یا دو نفرشان در کنارت به پیری رسند [چنانچه تو را به  
 ستوه آورند] به آنان اف مگوی و بر آنان پرخاش مکن،  
 و به آنان سخنی نرم و شایسته [و بزرگووارانه] بگو. (۲۳)  
 و برای هر دو از روی مهر و محبت، بال فروتنی فرود  
 آرو بگو: ای پروردگار من آنان را به پاس آن که مرا در  
 کودکی تربیت کردند، مورد رحمت قرار ده. (۲۴) (اسراء)

**توضیح:** در آیات متعددی، فرمان به نیکی به پدر و مادر پس از امر به توحید و پرستش خداوند ذکر شده است. این نشان از اهمیت فراوان این فضیلت دارد. خداوند متعال بندگان خویش را از کم‌ترین توهین نسبت به پدر و مادر بر حذر داشته و تأکید نموده که فرزندان باید در همه‌ی احوال - و به‌ویژه در زمان سالخوردگی والدین - با کمال فروتنی و تواضع با آنان رفتار نمایند. بسیاری از مردم از نقش رضایت پدر و مادر در موفقیت خود غافل هستند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «رضایت خدا در سایه‌ی رضایت والدین و خشم خدا در سایه‌ی خشم آنان است.» «آن دو (یعنی پدر و مادر) بهشت و جهنم هر کس هستند.» با این وجود، اشتباه نیست اگر نقش رضایت پدر و مادر در موفقیت هر فرد را به قطار سریع‌السیری تشبیه کنیم که بسیار سریع‌تر و راحت‌تر از ماشین‌های معمولی، آدمی را به مقصد می‌رساند.

**آیات متناسب:** احقاف، ۱۵ / لقمان، ۱۴ و ۱۵ / نساء، ۳۶.

**حدیث:** امام علی علیه السلام: «بِرُّ الْوَالِدَيْنِ أَكْبَرُ فَرِيضَةٍ؛ نیکی کردن به پدر و مادر، بزرگ‌ترین تکلیف الهی است.» غرر الحکم: ج ۳ ص ۲۵۹ ح ۴۴۲۳.

با مادر خویش مهربان باش  
آماده‌ی خدمتش به جان باش  
با چشم ادب نگر پدر را  
از گفته‌ی او مپیچ سر را  
چون این دو شوند از تو خرسند  
خرسند شود از تو خداوند

صله ارحام

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي

الْأَرْضِ وَتَقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ ﴿٢٢﴾

اگر [از خدا و پیامبر] روی گردان شوید آیا از شما جز این انتظار می‌رود که در زمین فساد کنید و [بر سر مال و منال دنیا] قطع رحم نمایید؟ (محمد، ۲۲)

**توضیح:** احادیث و روایاتی که در فضیلت صله‌ی رحم و آثار بی‌ظنیر آن وارد شده است، به قدری شگفت‌انگیز است که هر مؤمنی را به دقت بیشتر در ارتباط با خویشاوندان وامی‌دارد.

بسیاری از روان‌شناسان مطرح غربی نیز به نقش بی‌بدیل ارتباط با خویشاوندان در ارتقای سطح امید به زندگی و طولانی شدن عمر اعتراف کرده‌اند؛ زیرا موجب افزایش عواطف انسانی، دستیابی به منبع حمایت اجتماعی، رشد معنوی، بالا رفتن مقاومت افراد در مقابل فشارهای روانی و کاهش بیماری‌ها می‌گردد. سیره‌ی پیشوایان دینی ما بر این مطلب گواه است که ایشان حتی با خویشاوندانی که خصومت می‌ورزیدند، نیز ارتباط خود را قطع نکردند.

در طرف مقابل، کاهش عمر، دوری از رحمت خدا، نابودی سریع‌تر امت‌ها، انقطاع نسل، قحطی و خشک‌سالی، فقر و تنهایی، حزن و اندوه و بسیاری از ابتلائات دیگر، تنها پاره‌ای از پیامدهای شوم قطع رحم است که در روایات به آن‌ها اشاره شده است. به همین دلیل است که در احادیث آمده است هیچ چیزی موجب قطع رحم نمی‌شود؛ حتی کفر یا فسق خویشاوندان و حتی قطع ارتباط از سوی آنان. در آیه‌ی فوق، صله رحم از مهم‌ترین نشانه‌های روی‌گردانی از خدا دانسته شده است. گفتنی است مقصود از رحم، کسی است که با انسان نسبت خویشاوندی نسبی داشته باشد؛ هر چند این نسبت دور باشد.

**آیات متناسب:** رعد، ۲۱ / نساء، ۱ / بقره، ۲۷.

**حدیث:** پیامبر اکرم ﷺ: «إِنَّ أَعْجَلَ الْخَيْرِ ثَوَابًا صَلَّةُ الرَّحِمِ؛ ثواب صله‌ی رحم زودتر از ثواب هر کار خیر دیگری می‌رسد.» کافی: ج ۲ ص ۱۵۲ ح ۱۵.

گر عمر زیاد خواهی و با برکت  
بنمای به دیدار عزیزان حرکت

عفو و گذشت

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ  
وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ  
النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

۱۳۴

آنان که در گشایش و تنگ دستی انفاق می‌کنند، و خشم خود را فرو می‌برند، و از [خطاهای] مردم در می‌گذرند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد (آل عمران، ۱۳۴)

**توضیح:** یکی از والاترین مکارم اخلاقی، فرو بردن خشم در هنگام غضب و گذشت از لغزش‌ها و خطاهای دیگران است. آیات و روایات فراوانی که مؤمنان را به این فضیلت اخلاقی توصیه می‌نماید، به روشنی گواه اهمیت این صفت کریمانه هستند. قرآن میان انتقام‌جویی و چشم‌پوشی کریمانه، دومی را نزدیک‌تر به تقوا دانسته و آن را از صفات نیکان برمی‌شمرد. (بقره، ۲۳۷) در آیه ی ۲۲ نور نیز آمده است که اگر کسی دوست دارد خداوند از خطاهایش چشم‌پوشی کرده و گناهش را ببخشد، باید خودش هم از اشتباه دیگران چشم‌پوشی کند.

با نگاهی به شیوه‌ی زندگانی رهبران دینی نیز درمی‌یابیم که این خوی پسندیده، زمینه‌ساز اقبال



عمومی بسیاری از مردم به آن آنان بوده است. برای نمونه به این حدیث پیرامون آیه ی فوق دقت کنید: روزی یکی از خدمتکاران امام سجاد علیه السلام ظرف آبی را برای وضوی حضرت آوردند. ظرف از دست خدمتکار افتاد و بر سر امام خورد. سر امام شکست. خدمتکار بلافاصله گفت: «وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ» امام فرمود: «خشم خود را فرو بردم!» خدمتکار ادامه داد: «وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ» امام فرمود: «تو را بخشیدم!» خدمتکار ادامه آیه را تلاوت کرد و گفت: «وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» این بار امام با تبسمی به او گفت: «تورا آزاد کردم!»

**آیات متناسب:** شوری، ۳۷ و ۴۳ / اعراف، ۱۹۹ / نور، ۲۲.

**حدیث:** پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «مَنْ يَعْفُ اللَّهُ عَنْهُ وَمَنْ كَظَمَ الْغَيْظَ يَأْجُرْهُ اللَّهُ؛ هر کس گذشت کند، خدا نیز از او گذشت کند و هر کس خشم خود را فرو برد، خداوند به او پاداش می دهد.» تفسیر قمی: ج ۱ ص ۲۹۱.

حاصل نشود رضای سلطان  
تا خاطر بندگان نجویی  
خواهی که خدای بر تو بخشد  
با خلق خدای کن نکویی

## تعاون و همکاری

وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا نَعَاوَنُوا عَلَى  
الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ

### العِقَابِ ﴿۲﴾

و یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری  
نمایید، و یکدیگر را بر گناه و تجاوز یاری ندهید؛ و از  
خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است. (مائده، ۲)

**توضیح:** به طور که می دانیم انسان موجودی اجتماعی  
است که در روابط خود با دیگران محتاج همکاری با  
انسان است. از این رو، تعاون و هم بستگی در انجام امور  
از عناصر ذاتی پیشرفت یک جامعه محسوب می شود.  
اسلام نیز به این اصل مهم توجه داشته و در آیات و  
روایات متعددی مؤمنان را به همکاری و هم افزایی در  
امور دعوت کرده است.

بسیاری از امور اجتماعی جز با تعاون و هم بستگی مردم  
تحقق نمی یابد. به همین جهت، مسئولیت پذیری هر  
فرد نسبت به جامعه، تأثیر مستقیمی در ارتقاء کارکرد  
مادی و معنوی آن جامعه خواهد داشت. توجه به اصل  
تعاون در امور اقتصادی، فرهنگی و علمی و ... نگرش

صحیحی از ارتباط دولت با مردم و نیز مردم با یکدیگر ارائه می‌دهد و تأثیر شگرفی در پیشرفت همه جانبه‌ی جامعه خواهد داشت.

در کنار این اصل، باید توجه داشت که مفاهیمی چون هم‌بستگی، اتحاد و مانند آن تنها زمانی ارزش حقیقی و دینی دارد که در جهت تقوا و نیکوکاری باشد؛ نه این‌که در مسیر گناه و ستم به دیگران قرار گیرد. بنابراین، مؤمنان باید یکدیگر را در خوبی‌ها کمک کرده و از اشاعه‌ی بدی و فحشا دور سازند. نمونه‌ی بارز این دو مهم، در فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر تحقق می‌یابد.

**آیات متناسب:** آل عمران، ۱۰۴ / نور، ۷۱ / نور، ۱۹.

**حدیث:** پیامبر اکرم ﷺ: «لَا تَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى؛ مردم تا وقتی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در نیکی و پرهیزکاری یکدیگر را یاری می‌رسانند، در خوبی هستند.» تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۱۸۱ ح ۳۷۳.

بنی آدم اعضای یکدیگرند  
که در آفرینش ز یک گوهرند  
چو عوی به درد آورد روزگار  
دگر عضوها را نماند قرار

### ایثار و از خودگذشتگی

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ  
 مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ  
 حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ  
 وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ  
 فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٩﴾

و [نیز برای] کسانی [از انصار است] که پیش از مهاجران در سرای هجرت و ایمان [یعنی مدینه] جای گرفتند، [و] کسانی را که به سوی آنان هجرت کرده‌اند دوست دارند، و در سینه‌های خود نیاز و چشم‌داشتی به آنچه به مهاجران داده شده است نمی‌یابند، و آنان را بر خود ترجیح می‌دهند، گرچه خودشان را نیاز شدیدی [به مال و متاع] باشد. و کسانی را که از بخل و حرصشان بازداشته‌اند، [بر همه موانع و مشکلات دنیا و آخرت] پیروزند (حشر، ۹)

**توضیح:** اهمیت ایثار و از خود گذشتگی در آموزه‌های دینی روشن است. گذشتن از مال، فرزند و جان و مجاهدت در راه خدا و مبارزه با نفس و هواهای نفسانی همه از جلوه‌های ایثار است. نمونه‌های ایثار در قرآن فراوان است. از گذشتن از جان و شهادت در راه خدا گرفته تا گذشتن از مال و آبرو. اوج ایثار را نیز می‌توان در ماجرای خوابیدن حضرت علی علیه السلام در بستر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام مهاجرتشان به مدینه دید که آیه‌ی ۲۰۷ بقره به آن اشاره دارد.

آیه‌ی بالا در ستایش گروه انصار نازل شده که با ایثار و از خودگذشتگی و با وجود تنگدستی، خانه و دارایی خود را با مهاجران تقسیم کردند. از انتهای آیه فهمیده می‌شود که رستگاری در پناه ایثار و از خودگذشتگی است. نقطه‌ی مقابل ایثار در آیه، «شُحّ» است که به معنای بخل همراه با حرص و طمع است.

**آیات متناسب:** انفال، ۷۴ / انسان، ۸ / بقره، ۲۰۷.

**حدیث:** امام علی علیه السلام: «مَنْ آثَرَ عَلٰی نَفْسِهِ بَالِغٌ فِي الْمَرْوَةِ؛ کسی که ایثار کند، در مرّوت به اوج رسیده است.»  
غررالحکم: ج ۵ ص ۲۵۵ ح ۸۲۲۵.

ای خوشا در گذشتن از همه چیز  
بی نشان خالصاً لوجه الله  
آن که بی نام می‌کند ایثار  
هست نزدیک تر به قرب اله

وفای به عهد

وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ

إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا

۳۴

... و به عهد (خود) وفا کنید، که از [وفای به] عهد سؤال می‌شود! (اسراء، ۳۴)

**توضیح:** اسلام به جهت تقویت اعتماد و تحکیم روابط اجتماعی، مسلمانان را به رعایت برخی اصول اخلاقی شایسته فراخوانده است. یکی از این اصول، وفای به عهد است که ترک آن موجب سلب اعتماد و ایجاد ناامنی و هرج و مرج در اجتماع می‌شود.

اسلام وفای به عهد و پیمان را حتی در مورد دشمن لازم می‌شمرد؛ مگر آن‌که پیمان شکنی از سوی آنان باشد. در اهمیت این صفت پسندیده همین بس که در روایات، شرط دین‌داری و نشانه‌ی مسلمانی دانسته شده است. یکی از نشانه‌های منافقان نیز بدقولی و پیمان شکنی دانسته شده است. شاید به خاطر اهمیت فوق‌العاده‌ای که وفای به عهد دارد، در سخنان پیشوایان دینی آمده است که هر کس می‌خواهد به دیگری وعده‌ای بدهد، باید در ابتدا توان و قدرت خود

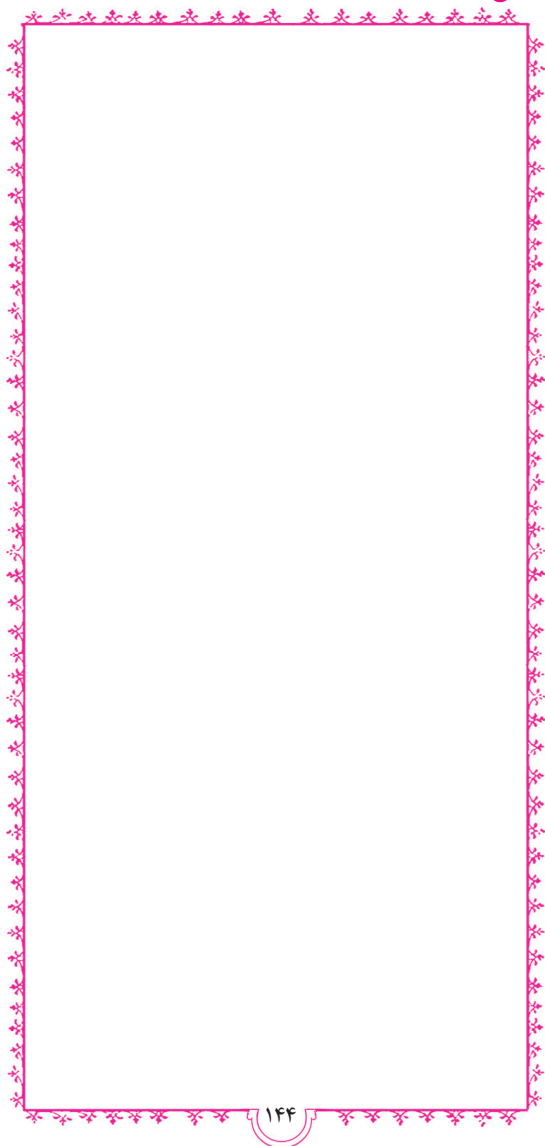
## طرح بزرگ قرآنی ۱۴۴۸

را ارزیابی کند و سپس با او قول و قرار بگذارد. امام علی می‌فرماید: «چیزی را که از وفا کردن به آن ناتوان هستی، وعده مکن.»

در آیه‌ی فوق خداوند به مؤمنان فرمان داده است که باید به عهد و پیمان خود پایبند باشند؛ زیرا از آن بازخواست می‌شود. باید توجه داشت که دامنه‌ی مفهومی وفای به عهد، وسیع‌تر از قول و قرار با مردم است؛ بلکه شامل پایبندی به پیمان فطری بندگی خداوند و اطاعت از پیامبران نیز می‌گردد.

**آیات متناسب:** مائده، ۱/ مؤمنون، ۸/ بقره، ۱۷۷.

**حدیث:** پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ؛ کسی که به عهدش وفا نمی‌کند، دین ندارد.» بحار الانوار، ج ۷۵: ص ۹۶.





**فصل دهم:**

**رفتارهای نامطلوب  
اجتماعی**

بی تفاوتی نسبت به انحراف دیگران

(ترک نهی از منکر)

وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ  
وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ  
وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٤﴾

و باید از شما گروهی باشند که [همه مردم را] به سوی خیر دعوت نمایند، و به کار شایسته وادارند، و از کار ناپسند بازدارند؛ یقیناً اینان رستگارانند (آل عمران، ۱۰۴)

**توضیح:** اساس نظام ارزشی حاکم بردین اسلام، به هدایت عمومی جامعه به سوی نیکی‌ها می‌انجامد. بی‌گمان با کم‌رنگ شدن غیرت دینی و شکسته شدن حریم فحشاء و منکرات در جامعه، بسیاری از مؤمنان سست‌ایمان نیز دچار لغزش شده و گمراه می‌گردند. از این رو، خداوند با وجوب امر به معروف و نهی از منکر، از مؤمنان خواسته با مظاهر فساد در جامعه مقابله کرده و چهره‌ی دینی اجتماع را حفظ نمایند. جامعه‌ای که مؤمنانش نسبت به انحرافات دیگران بی‌اعتنا باشند و به رشد و تعالی همدیگر در معارف دینی کمک نکنند،

جامعه‌ای خموده و به دور از پویایی است. چنین اجتماعی به راحتی اسیر دشمنان درونی و بیرونی خود شده و توان مقابله با تهاجم آنان را نخواهد داشت. به همین جهت، یکی از مهم‌ترین عوامل فساد امت‌های گذشته، بی‌تفاوتی مؤمنان نسبت به گناه دیگران می‌باشد.

ترک این دو فریضه آثار مخرب و زیانباری برای جامعه‌ی اسلامی دارد که دامن آن حتی مؤمنان را خواهد گرفت؛ زیرا به تکلیف دینی خود در آگاه‌سازی و ارشاد دیگران بی‌اعتنا بودند.

گفتنی است که امر به معروف و نهی از منکر دارای شروط، آداب و مراتبی است که رعایت آن ضروری است. بنابراین آیه‌ی فوق، یکی از وظایف حکومت اسلامی، تشکیل گروه‌های سازمان یافته، منسجم و آگاه برای مقابله با منکرات عمومی و آشکار جامعه است.

**آیات متناسب:** آل عمران، ۱۱۰ / انفال، ۲۵ / هود، ۱۱۶.

**حدیث:** پیامبر اکرم ﷺ: «لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيُعَذَّبَنَّكَمُ عَذَابُ اللَّهِ؛ یا امر به معروف و نهی از منکر میکنید، یا عذاب خدا همه‌ی شما را فرا می‌گیرد.»

میزان الحکمة: ج ۷، ص ۳۳۲.

### تمسخر و تحقیر دیگران

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ  
 اَنْ يَّكُوْنُوْا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ اَنْ  
 يَّكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوْا اَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوْا  
 بِالْاَلْقَابِ بِئْسَ الْفُسُوْقُ بَعْدَ الْاِيْمَانِ  
 وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظَّالِمُوْنَ ﴿۱۱﴾

ای اهل ایمان! نباید گروهی گروه دیگر را مسخره کنند، شاید مسخره شده‌ها از مسخره کنندگان بهتر باشند، ونباید زنانی زنان دیگر را [مسخره کنند] شاید مسخره شده‌ها از مسخره کنندگان بهتر باشند، و از یکدیگر عیب جویی نکنید و یکدیگر را با لقب‌های ناپسند صدا زنید؛ بد نشانه و علامتی است اینکه انسانی را پس از ایمان آوردنش به لقب زشت علامت‌گذاری کنند. و کسانی که [از این امور ناهنجار و زشت] توبه نکنند ستمکارند (حجرات، ۱۱)

**توضیح:** یکی از ناپسندترین صفات اخلاقی، تمسخر و طعنه زدن به دیگران است که ریشه در تکبر و خودبزرگ‌بینی دارد. از نظر اسلام، ملاک برتری انسان‌ها بر یکدیگر، تقواست و کسی جز خدا از میزان

تقوای اشخاص آگاه نیست. بنابراین احدی نمی تواند خود را برتر از دیگران دانسته و آنان را تحقیر یا مسخره کند. در آیه ی مذکور به همین دلیل برای نهی از تمسخر دیگران اشاره شده است.

قرآن در آیه ی ۶۷ بقره تمسخر را صفت جاهلان می داند؛ زیرا تنها کسی افراد فرودست خود را مورد طعنه و استهزاء قرار می دهد که فضل و مراتب انسان ها را از دریچه ی امتیازات موهوم و نابخردانه در دنیا بداند.

شایان توجه است که در این آیه چند گونه ی جزئی برای مسخره کردن مطرح شده نشان دهنده ی رواج بیشتر این نوع تمسخرها در میان مردم است: ۱- مسخره کردن اقوام دیگر؛ مانند تمسخر نژاد، قبیله، گویش یا شهر دیگران. ۲- مسخره کردن زنان نسبت به هم. ۳- صدا زدن افراد با لقب های ناپسند و خردکننده.

**آیات متناسب:** همزه، ۱/ بقره، ۶۷ / مطففین، ۲۹ و ۳۰.

**حدیث:** پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَذَلَّ مُؤْمِنًا أَذَلَّهُ اللهُ؛ کسی که مؤمنی را خوار شمارد، خدا او را ذلیل خواهد کرد.» امالی طوسی: ص ۱۸۲ ح ۳۰۶.

تار و پود موج این دریا به هم پیوسته است  
می زند برهم جهان را، هر که یک دل بشکند

## دروغ و فریبکاری

إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا  
يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ  
الْكَاذِبُونَ ﴿١٠٥﴾

فقط کسانی [به خدا و پیامبر] دروغ می‌بندند که به آیات خدا ایمان ندارند، و اینانند که دروغ‌گوی واقعی‌اند  
(نحل، ۱۰۵)

**توضیح:** دروغ، ریشه‌ی بسیاری از رذایل اخلاقی و کلید گناهان نامیده شده است و به تعبیر روایات، کلید ورود به خانه‌ی گناهان و رذایل اخلاقی است. در بزرگی و شدت این عمل نکوهیده همین بس که مطابق برخی روایات، تنها گناهی است که به هیچ‌وجه از مؤمن سر نمی‌زند. (بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۷۲) این بدان جهت است که دروغ، از نفاق، ترس، منفعت‌طلبی و عدم باور به علم و عدالت خدا نشأت می‌گیرد و با انجام آن، پیکره‌ی اعتقادات دینی یک فرد به کلی متزلزل می‌گردد. در آیه‌ی بالا نیز بر این مطلب تصریح شده است که کسانی که دروغ می‌گویند، به خدا ایمان ندارند. از آثار شوم دروغ می‌توان به از بین رفتن اعتماد عمومی، ایجاد نفاق و دوربی و سست شدن باورهای مذهبی

اشاره کرد. به همین دلیل است که در متون دینی، از دروغ به شوخی نیز نهی شده است؛ زیرا ممکن است تبدیل به عادت شود و یا اعتماد دیگران را از بین ببرد. دروغ را نباید تنها در گفتار افراد جستجو کرد؛ بلکه ممکن است در رفتار او نیز کاری خلاف واقع دیده شود که ما به آن «فریبکاری» می‌گوییم. فریبکاری گناهی است که متأسفانه دامان بسیاری از مردم را گرفته است؛ بدون آن که توجهی به عواقب شوم آن داشته باشند. راه مقابله با این گناه، احساس مسئولیت نسبت به جامعه و افراد و نیز باور قلبی به علم و آگاهی خداست. آری! اگر کسی خدا را بر اعمال خویش حاضر و ناظر ببیند، نخواهد توانست با فریب دیگران در معامله یا کار و ... تنها به سود اندک و موقتی خود فکر کند.

**آیات متناسب:** زمر، ۳ / یونس، ۶۹ / نحل، ۱۱۶.

**حدیث:** امام علی علیه السلام: «لَا يَجِدُ الْعَبْدُ طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَتْرَكَ الْكِذْبَ هَزْلَهُ وَجِدَّهُ: بنده هیچ‌گاه طعم ایمان را نمی‌چشد تا آن‌که دروغ را ترک کند؛ چه شوخی و چه جدی.» کافی: ج ۲ ص ۳۴۰ ح ۱۱.

### غیبت و بدگویی

... وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ  
 أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا  
 اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ ﴿۱۲﴾

... و از یکدیگر غیبت ننمایید، آیا احدی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد؟ بی تردید [از این کار] نفرت دارید، از خدا پروا کنید که خدا بسیار توبه پذیر و مهربان است (حجرات، ۱۲)

**توضیح:** دین مبین اسلام، اهمیت فراوانی برای آبروی مؤمنان قائل شده است و به هیچ کس اجازه نداده است تا آبرو و حیثیت دیگران را به خطر اندازد. به همین دلیل، در اسلام از غیبت و بدگویی در نبود دیگران نهی شده است. این در حالی است که مترقی ترین جوامع حافظ حقوق انسان، هنوز به چنین حق بزرگی پی نبرده اند.

قرآن غیبت را به مثابه ی آن می داند که کسی گوشت برادر مرده اش را بخورد. این تشبیه بیان گر این مطالب است که آبروی هر فرد چون گوشت تن او است و تجاوز



به آبروی برادر دینی، مانند خوردن گوشت تن او - و در نتیجه، از بین رفتن وی - می باشد؛ به ویژه آنکه این تجاوز در غیاب وی باشد که قدرت دفاع از خود را نیز ندارد. تعبیر گوشت مرده نیز از این جهت است. از این رو، همان گونه که نکوهیده ترین اعمال، خوردن گوشت هم نوعان - به ویژه برادر انسان - است و حتی حیوانات از انجام چنین عملی ابا دارند، غیبت نیز زشت و تنفرانگیز است.

آنچه این عمل زشت را از بسیاری از گناهان متمایز می سازد، بی توجهی به قبح آن و بهانه تراشی برخی مؤمنان برای انجام آن است. بدین منظور باید مضرات غیبت، به خوبی تبیین گردد تا جامعه از پیامدهای شومی چون بی اعتمادی و تفرقه در امان ماند. البته باید توجه داشت که غیبت در مواردی جایز؛ بلکه واجب است. موارد استثناء غیبت را می توان از کتب اخلاقی جستجو نمود.

**آیات متناسب:** نساء، ۱۴۸ و ۱۴۹ / همزه، ۱ / نور، ۱۹.

**حدیث:** امام سجاد علیه السلام: «**إِيَّاكُمْ وَالْغَيْبَةَ فَإِنَّهَا إِدَامُ كِلَابٍ**

**النَّارِ**، از غیبت پرهیز کنید، زیرا غیبت خورش سگ های جهنم است.» امالی صدوق: ص ۲۳۹ ج ۹.

هر که عیب دگران پیش تو آورد و شمرد  
بی گمان عیب تو پیش دگران خواهد برد

۶۲

تهمت و سوء ظن

وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا مَرِّمٍ بِهِ  
 بَرِيئًا فَقَدْ أَحْتَمَلَ بُهْتَنَا وَإِثْمًا مُبِينًا ﴿۱۱۲﴾

و هر کس مرتکب خطا یا گناهی شود، سپس آن را به پاکدامن بی گناهی نسبت دهد، بی تردید بهتان و گناهی آشکار بر دوش گرفته است (نساء، ۱۱۲)

**توضیح:** تهمت از آشکارترین مصادیق هتک آبروی دیگران و از جمله‌ی بزرگ‌ترین گناهان کبیره است؛ زیرا در خود، گناهان دیگری چون دروغ و سخن از روی نادانی و ... را نیز در بردارد. این گناه مهم‌ترین حربه‌ی مقابله‌ی دشمنان با صالحان در طول تاریخ بوده است؛ چه این که آنان همواره انبیاء را به سفاهت، جنون یا شعر و ... متهم می‌کردند. این خود به تنهایی برای زشتی و ناپسندی این عمل کفایت می‌کند.

مهم‌ترین عوامل تهمت زدن، حسادت، ضعف و حقارت درونی و نیز جهالت و نابخردی است. مطابق آیات و روایات، خداوند مجازات بسیار سنگینی برای تهمت‌زنندگان در دنیا و آخرت قرار داده است.

پیامدهای شوم این رذیله‌ی اخلاقی بسیار است. از آن جمله می‌توان به زوال ایمان، برهم خوردن روابط انسانی، خواری و رسوایی در دنیا اشاره کرد. به همین دلیل، خداوند به مؤمنان فرمان داده است تا فعل برادر دینی خود را حمل بر صحت نموده و از تهمت و سوءظن نسبت به وی پرهیز نمایند؛ زیرا حرمت او از حرمت خانه‌ی خدا نیز بالاتر است.

امروزه با پیشرفت و گسترده‌گی وسایل ارتباط جمعی، گناه تهمت زدن اشکال تازه‌تری نیز به خود گرفته است. نمونه‌های آن را به راحتی می‌توان هر روز در جراید و مطبوعات و در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ورزشی مشاهده نمود.

**آیات متناسب:** نور، ۱۵-۱۷ / اسراء، ۳۶ / احزاب، ۵۸.

**حدیث:** امام علی علیه السلام: «**الْبُهْتَانُ عَلَى الْبَرِيِّ أَثْقَلُ مِنْ**

**الْجِبَالِ الرَّاسِيَاتِ**؛ [بزرگی گناه] تهمت به بی‌گناهان، از کوه‌های استوار سنگین تر است.» خصال: ص ۳۴۸ ح ۲۱.

مریز آبروی برادر به کوی

که دهرت نریزد به شهر آبروی

۶۳

مکرو حيله

أَسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ  
 الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ... ﴿٤٣﴾

این نفرت به سبب گردن‌کشی و تکبر آنان در زمین و  
 نیرنگ زشتشان بود؛ و نیرنگ زشت جز اهلش را احاطه  
 نمی‌کند. (فاطر، ۴۳)

**توضیح:** مکر به معنای زیرکی و فطانتی است که سبب  
 می‌شود تا فرد از راه سریع‌تر و مخفی‌تر به هدف خود  
 برسد. بر این اساس، مکر به خودی خود نکوهیده  
 نیست و به خداوند نیز نسبت داده شده است، ولی مکر  
 بد - یعنی مکرری که برای اهداف ناپسند صورت گیرد -  
 از زشت‌ترین رذایل اخلاقی است و نشانه‌ی حقارت و  
 زبونی عامل آن می‌باشد.

قرآن ضمن نکوهش شدید منافقان برای مکر و خدعه‌ی  
 در دین، تأکید می‌نماید که عاقبت مکر و حيله به  
 خود شخص برمی‌گردد. این سنت الهی به قدری  
 مورد مشاهده‌ی مردم در طول تاریخ بوده است که  
 ضرب‌المثل‌های مختلفی نیز از آن ساخته شده است.

برای نمونه به این مثل‌ها می‌توان اشاره کرد: «هر چه کنی به خود کنی / گر همه نیک و بد کنی» «از مکافات عمل غافل مشو / گندم از گندم بروید جو زجو» مکر در زمره‌ی گناهان کبیره است و اشکال و مراتب مختلفی دارد؛ مثلاً تقلب کردن، دورویی، غش در معامله و... از موارد پیش پا افتاده و سطحی آن است. بارزترین مراتب مکر، مکر و خدعه‌ی منافقان با خدا و مؤمنان است و بیشتر مواردی که در قرآن به مسأله‌ی مکر پرداخته شده نیز، در این زمینه است.

**آیات متناسب:** رعد، ۴۲ / نحل، ۲۶ / آل عمران، ۵۴.

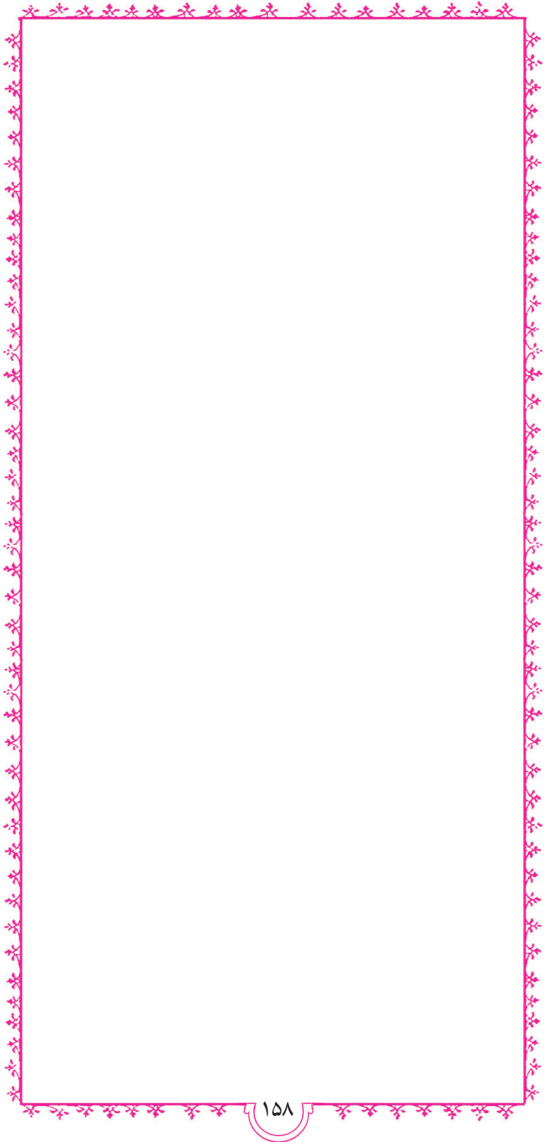
**حدیث:** امام علی ع: «مَنْ مَكَرَ بِالنَّاسِ رَدَّ اللَّهُ سَبْحَانَهُ

**مَكْرُهُ فِي عُنُقِهِ؛** هر که به مردم نیرنگ بزند، خداوند سبحان نیرنگ او را گریبان گیر خودش می‌کند.»

غررالحکم: ج ۵ ص ۳۷۷ ح ۸۸۳۲.

سپهر تیغ مکافات بر کف استاده است

چه لازم است که ما فکرا انتقام کنیم؟



**فصل یازدهم:**

**رفتارهای  
مطلوب در خانواده**

تشویق به ازدواج و پاکدامنی

وَأَنْكِحُوا الْأَيْمَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ  
عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ  
اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ وَسِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٣٢﴾  
وَلَيْسَتَعَفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ  
يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ ...

[مردان و زنان] بی‌همسر و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید؛ اگر تهیدست‌اند، خدا آنان را از فزون‌بخشی خود بی‌نیاز می‌کند؛ و خدا بسیار عطا‌کننده و داناست. (۳۲) و کسانی که [وسیله] ازدواجی نمی‌یابند باید پاکدامنی پیشه کنند تا خدا آنان را از فزون‌بخشی خود توانگر سازد... (۳۳) (نور)

**توضیح:** اسلام به عنوان جامع‌ترین برنامه‌ی سعادت بشر، به قوای غریزی انسان توجه نموده و در صدد تعدیل و بهره‌ی مناسب از آن برآمده است. یکی از این غرایز، میل جنسی و شهوت است که ارضاء آن از راه ازدواج مشروع است. ازدواج سبب ایجاد الفت و آرامش در انسان‌ها، تولید نسل، حفظ جامعه از فساد اخلاقی، افزایش امید و نشاط در زندگی و بسیاری فواید دیگر



می‌گردد. به همین جهت، اسلام جوانان را به ازدواج و پیروی از سنت رسول خدا فراخوانده است. افزون بر آن، مؤمنان دیگر را به ترغیب جوانان برای ازدواج و تسهیل شرایط برای آنان دعوت نموده است. خداوند هم چنین در آیه‌ی بالا، برای جلوگیری از هر عذر و بهانه‌ای، تضمین نموده است که خود او زوج‌های جوان را از فضل و رحمتش بهره‌مند سازد. بدین ترتیب کسی که بی‌جهت و با بهانه‌های غیرمعقولی چون بی‌پولی یا ترس از آینده و ... از ازدواج پرهیز می‌نماید، در حقیقت وعده‌ی نیکوی پروردگارش را باور ندارد. در آیه‌ی بعد، به کسانی که فرصت یا امکانات اولیه برای ازدواج را ندارند، توصیه شده تا عفت پیشه کنند و از نزدیک شدن به زمینه‌های گناه خودداری کنند.

**آیات متناسب:** روم، ۲۱ / نحل، ۷۲ / اعراف، ۱۸۹.

**حدیث:** پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي؛ هر کس ازدواج کند، نیمی از دینش را حفظ کرده است؛ پس در نیم دیگر از خدا پروا کند.» امالی طوسی: ص ۵۱۸ ح ۱۱۳۷.

۶۵

محبت میان همسران (همسر دوستی)

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ  
 أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ  
 مَوَدَّةَ وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ  
 يُفَكِّرُونَ ﴿٢١﴾

و از نشانه‌های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد؛ یقیناً در این [کار شگفت‌انگیز] نشانه‌هایی است برای مردمی که می‌اندیشند، (روم، ۲۱)

**توضیح:** بر خلاف برخی ادیان، از منظر اسلام، ازدواج عامل قرب به پروردگار و زمینه‌ساز دوری از شیطان و هوای نفس است. خداوند کریم ازدواج را مایه‌ی آرامش و مهربانی دانسته و الفت و مودت میان همسران، را نشانه‌ی لطف و قدرت خود می‌داند. طبق این آیه، وجود محبت میان زن و شوهر نه تنها نکوهیده نیست، بلکه امری کاملاً پسندیده و از آیات الهی می‌باشد.

## طرح بزرگ قرآنی ۱۴۴۸

نکته‌ی قابل توجه این است که خداوند به واسطه‌ی ازدواج نه تنها مودت و دوستی میان همسران را به وجود می‌آورد؛ بلکه رحمت و عنایت خاصش را نیز بر آنان سرازیر می‌کند.

از نظر دین مبین اسلام، محبت کردن زن و مرد به یکدیگر و حفظ احترام متقابل، امید و نشاط زندگی و بندگی را در آنان حفظ کرده و سبب رشد و تعالی معنوی خانواده می‌شود. بنابراین، زن و شوهر باید سعی کنند میزان صفا و صمیمیت و دوستی میان خود را افزایش دهند و از بروز هرگونه عاملی که دوستی میان آنان را به هم بزند جلوگیری کنند. البته باید توجه داشت که در منطق قرآن، هدف اصلی از ازدواج، رسیدن به آرامش روحی و ایجاد زمینه برای بندگی بهتر خداست. بنابراین، محبت میان همسران نیز نباید از این مسیر الهی خارج نشود.

**آیات متناسب:** اعراف، ۱۸۹ / بقره، ۱۸۷ / نساء، ۱۹.

**حدیث:** امام سجاد علیه السلام: «حقّ زن این است که بدانی خداوند متعال او را مایه‌ی آرامش و انس تو قرار داده است و بدانی که این نعمتی است که خداوند به تو داده؛ پس او را گرامی داری و با وی نرمخو باشی.» من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۶۲۱ ح ۳۲۱۴.

### خوش رفتاری با همسر

... وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ  
فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ

خَيْرًا كَثِيرًا ﴿١٩﴾

... و با آنان به صورتی پسندیده رفتار کنید. و اگر از آنان نفرت داشتید [باز هم با آنان پسندیده رفتار کنید] چه بسا چیزی خوشایند شما نیست و خدا در آن خیر فراوانی قرار می دهد (نساء، ۱۹)

**توضیح:** از دیگر مشخصه های اصلی سبک زندگی قرآنی، خوش رفتاری زن و شوهر با یکدیگر است. این توصیه به ویژه به مردان شده است؛ زیرا قرآن، مرد را سنگ زیرین آسیای زندگی می داند و همان گونه که وی را مدیر اجرایی خانواده می داند، هرگونه استعلاء و برتری جویی را نیز در مورد وی محکوم کرده است.

در این آیه، خداوند به مردان فرمان می دهد تا با زنان رفتار شایسته و نیکو داشته باشند و در ناملايمات زندگی زناشویی خویشتن دار باشند؛ زیرا مصلحت خانواده در حفظ صلح و آرامش میان همسران است. در نظرگاه

قرآن، زن و مرد هم چون لباسی برای یکدیگر، عیوب و زشتی هم را می پوشانند. این تشبیه بلیغ و رسا، گویای نکات فروانی در حوزه‌ی علوم تربیتی و آداب همسررداری است که در کتب تفسیر به آن اشاره شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «بهترین شما کسی است که برای خانواده اش بهتر باشد و من از همه‌ی شما برای خانواده ام بهترم.» (من لا یحضره الفقیه: ج ۳ ص ۵۵۵ ح ۴۹۰۸)

ذکر این نکته ضروری است که اگرچه خطاب آیه با مردان است، ولی روشن است که این دستور، یک سویه نیست و تنها به این دلیل خطاب به مردان آمده که حق طلاق با آنان است و زمینه‌ی بروز رفتار مستبدانه در ایشان بیشتر است.

**آیات متناسب:** بقره، ۱۸۷ / نساء، ۱۲۸ / نساء، ۳۵.

**حدیث:** امام علی علیه السلام: «أَحْسِنِ الصُّحْبَةَ لَهَا لِيَصْفُوَ عَيْشُكَ» با همسرت خوش رفتار باش تا زندگی ات با صفا گردد.» من لا یحضره الفقیه: ج ۳ ص ۵۵۶ ح ۴۹۱۱.

مهربانی صفت بارز عَشَاقِ خداست  
یادمان باشد از این کارِ اِبایی نکنیم

مسئولیت در برابر هدایت خانواده

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا قُوْا اَنْفُسَكُمْ وَاَهْلِيْكُمْ نَارًا  
 وَقُوْدهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ  
 غُلَاطٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللّٰهَ مَا اَمَرَهُمْ  
 وَيَفْعَلُوْنَ مَا يُوْمَرُوْنَ ﴿٦﴾

ای مؤمنان! خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ ها است حفظ کنید. بر آن فرشتگانی خشن و سخت گیر گمارده شده اند که از آنچه خدا به آنان دستور داده، سرپیچی نمی کنند، و آنچه را به آن مأمورند، همواره انجام می دهند (تحریم، ۶)

**توضیح:** در سبک زندگی اسلامی، همه چیز تحت الشعاع بندگی خدا و پیشرفت معنوی بندگان خلاصه قرار دارد. از این رو، مهم ترین بایسته‌ی اخلاقی خانواده‌ی دینی نیز کمک و همراهی اعضای آن در امور معنوی به یکدیگر دانست. بر این اساس، خانواده، کوچک ترین و اساسی ترین واحد تربیت دینی را تشکیل می دهد.

از منظر قرآن، هریک از اعضای خانواده - و به ویژه مردان به عنوان مدیر اجرایی خانواده - باید یکدیگر را در رشد و تکامل معنوی یاری کرده و از سقوط و تباهی برهانند. با نگاهی به سیره‌ی انبیاء در قرآن، درمی یابیم که آنان توجه ویژه‌ای به هدایت همسر و فرزندان خود نموده و حتی پیش از ولادت فرزندان خود، از خداوند طلب هدایت و پاکی آنان را نموده‌اند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگامی که آیه‌ی فوق نازل شد، مردی از مسلمانان نشست و شروع به گریستن کرد و گفت: «من خودم را نمی توانم حفظ کنم؛ حال مسئولیت خانواده‌ام نیز به من سپرده شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: «برای تو همین کافی است که آن چه به خودت فرمان می دهی، به آنان نیز فرمان دهی و هر چه خودت را از آن منع می کنی، آنان را نیز منع کنی.» (کافی: ج ۵ ص ۶۲ ح ۱)

**آیات متناسب:** طه، ۱۳۲ / لقمان، ۱۳ / مریم، ۵۵.

**حدیث:** پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «حق زن بر شوهرش این است که او را سیر کند، لباس بپوشاند، نماز و روزه و زکات را - اگر در مالش حق زکاتی است - به او یاد دهد، و زن نیز در این کارها با او مخالفت نکند.» مستدرک الوسائل: ج ۱۴: ص ۲۴۳.

### وظایف هر یک از همسران

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ  
 اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ  
 أَمْوَالِهِمْ فَأَلْصَقِ لِحَاثُ قَنْبَتُ حَفِظَتْ  
 لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ... (نساء، ۳۴)

مردان، کارگزاران و تدبیرکنندگان [زندگی] زنانند، به خاطر آن که خدا مردان را [از جهت توان جسمی و تحمل مشکلات و قدرت روحی و فکری] بر زنان برتری داده، و به خاطر آن که [مردان] از اموالشان هزینه زندگی زنان را [به عنوان حقی واجب] می‌پردازند؛ پس زنان شایسته و درست کار [با رعایت قوانین حق] فرمانبردار [و مطیع شوهر]ند [و] در برابر حقوقی که خدا [به نفع آنان برعهده شوهرانشان] نهاده است، در غیاب شوهر [حقوق و اسرار و اموال او را] حفظ می‌کنند... (نساء، ۳۴)

**توضیح:** از نظر دین مبین اسلام، هر یک از زن و شوهر حقوق و وظایف متقابلی دارند که عمل به آن ضامن خوشبختی و موفقیت آنان می‌گردد. بر این اساس، شاید بتوان اساسی‌ترین شرط موفقیت هر زندگی را وظیفه مداری و احساس مسئولیت همسران نسبت به وظایف ذاتی شان دانست.



## طرح بزرگ قرآنی ۱۴۴۸

آیه‌ی فوق از آیات راهگشا و بسیار کلیدی قرآن می‌باشد که متأسفانه نسبت به مفاهیم حکیمانه و مترقی آن کم لطفی صورت گرفته است. این آیه به خوبی وظایف زن و شوهر را در اداره‌ی زندگی ترسیم می‌نماید. مردان - به جهت توانایی‌های جسمی و قدرت روحی - وظیفه‌ی تدبیر زندگی و درآمدزایی دارند و زنان - به جهت قدرت روحی و عاطفی - نگاه‌داری امور منزل را برعهده دارند. هر کدام از این امور، به جای خود مهم و حیاتی است و دو بال موفقیت در زندگی را تضمین می‌نماید. بنابراین مفاد این آیه، مدیریت و تدبیر کلی امور خانواده با مرد است؛ زیرا او از ساختار جسمی و روحی قوی‌تری در برابر مشکلات برخوردار است. هم‌چنین ویژگی زنان شایسته آن است که در برابر شوهر خود، مطیع و فروتن و رازدار باشد. روشن است که حکم فوق زمینه‌ی سوء استفاده‌ی مردان را فراهم نمی‌آورد؛ بلکه مسئولیت آنان را نسبت به پیشبرد و هدایت مادی و معنوی خانواده بیشتر می‌کند.

**آیات متناسب:** نساء، ۱۲۸ / نساء، ۳۵ / بقره، ۲۲۸.

**حدیث:** امام کاظم علیه السلام: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ؛ جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است.» کافی: ج ۵ ص ۵۰۷ ح ۴۰.

## تشویق به تولید و تربیت نسل پاک و صالح

... رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً

إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ ﴿٣٨﴾

... ای پروردگار من! مرا از سوی خود فرزندی نیکو عطا کن، یقیناً تو شنوای دعایی (آل عمران، ۳۸)

**توضیح:** اسلام تولید نسل صالح را امری بسیار نیکو و شایسته می‌داند. این مطلب از چند دعای انبیاء در قرآن فهمیده می‌شود. یکی از این دعاها دعای زکریای پیامبر ﷺ است. آن حضرت در کهنسالی و در حالی که همسر او پیر، عقیم و نازا بود، از درگاه الهی نومید نشده و از خداوند طلب فرزند کرد تا نام نیک او را که به یادگار بگذارد. از این دعا چند نکته فهمیده می‌شود:

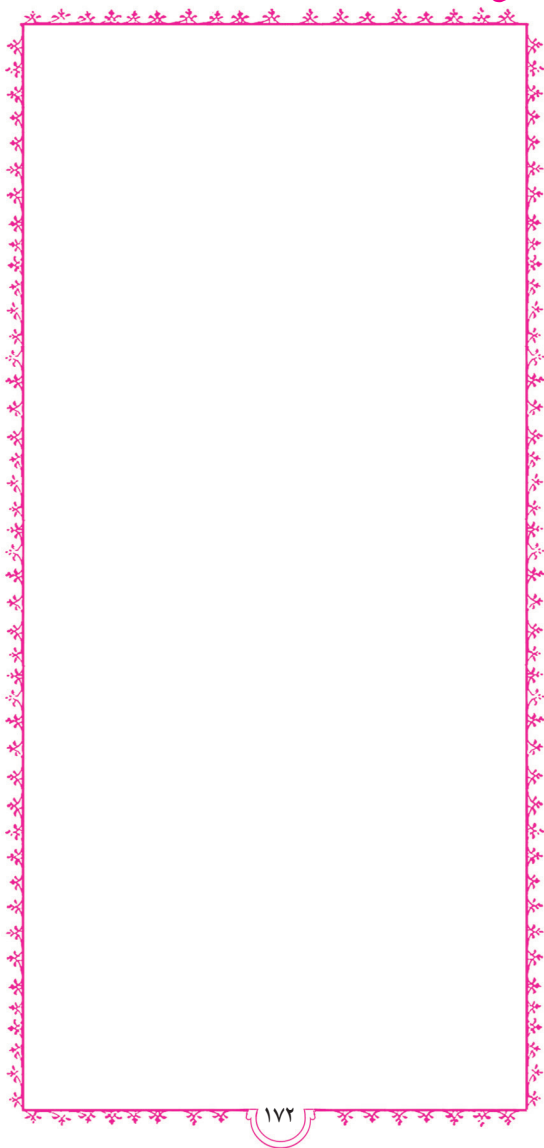
- ۱- برخورداری از فرزند و نسلی که ادامه دهنده‌ی یاد و خاطره‌ی آدمی باشد، امری نیکو و پسندیده است تا جایی که زکریا در کهنسالی نیز آن را از خداوند طلب می‌کند.
- ۲- در منطق دینی، پیش از همه چیز، هدایت و پاکی نسل و فرزندان مهم است. از این رو، اولیای خدا حتی هنگام دعای برای فرزنددار شدن، اول درخواست

می‌کردند که آن فرزند صالح و پاکیزه باشد. آری! اسلام مهم‌ترین حقوق والدین بر فرزندان را تربیت دینی و به‌ویژه آموزش نماز و قرآن به آنان دانسته و به همین جهت، مؤمنان به تربیت دینی فرزندانشان عنایت خاصی داشتند. نامه‌ی حکیمانه‌ی امام علی به فرزندش و پند و اندرزهای حکیمانه‌ی لقمان به فرزندش نمونه‌های برجسته‌ی این مدعا هستند. ۳- از این دعا هم چنین فهمیده می‌شود که نباید به جهت ناممکن بودن امری در نظر خود، از دعا صرف نظر نمود. چه بسایی خدایی که یک عمر به زکریا علیه السلام و همسر عقی و نازایش فرزند نداد، به یک باره به او فرزند نیکویی چون یحیی علیه السلام عطا کند که نامش در تاریخ جاودانه بماند.

**آیات متناسب:** لقمان، ۱۳ تا ۱۹ / ابراهیم، ۳۵ و ۴۰ / احقاف، ۱۵.

**حدیث:** امام علی علیه السلام: «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَيُحَسِّنَ آدَبَهُ وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ؛ حق پسر بر پدرش این است که نام نیک و والا برایش برگزیند و او را به خوبی تربیت کند و به او قرآن بیاموزد.» نهج البلاغه: حکمت ۳۹۹.

چو خواهی که نامت بماند به جای  
پسر را خردمندی آموز و رای



**فصل دوازدهم:**

**رفتارهای مطلوب اقتصادی**

### تلاش برای به دست آوردن روزی حلال

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا  
 فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ ﴿١٥﴾

او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر شانه‌های آن راه بروید و از روزی‌های خداوند بخورید و بازگشت و اجتماع همه به سوی اوست! (ملک، ۱۵)

**توضیح:** قرآن کریم کتابی است که از تمام نیازهای مادی و معنوی انسان فروگذار نکرده است. احکام اجتماعی و اقتصادی اسلام نیز بخش قابل توجهی از آیات قرآن را به خود اختصاص داده است. این احکام چون سایر اوامر الهی از سوی خالق یکتا و آگاه به مصالح انسان صادر شده و باید به آن ایمان داشت و به آن عمل نمود.

کسب حلال در اسلام از بزرگ‌ترین عبادات و هم‌وزن جهاد در راه خدا دانسته شد. در منطق این دین مبین، کار نوعی عبادت است و کارآفرینی از برترین مصادیق خدمت به خلق به شمار می‌رود. در تاریخ آمده است که پیامبر اسلام دست کارگری که برای خانواده‌اش روزی می‌آورد را بوسید و فرمود: «این دستی است که هرگز آتش

## طرح بزرگ قرآنی ۱۴۴۸

جهنم به آن نمی‌رسد.» این نشان از ارزش کار در اسلام دارد. البته کار نیز - مانند هر عبادت دیگر - تنها اگر برای رضای خدا و به هدف الهی باشد، مورد تحسین و تشویق اسلام است.

خداوند متعال در آیه‌ی فوق، از این نعمت بزرگ خود یادآوری نموده است که زمین را برای انسان مسخر و راهوار نمود تا در آن راه رفته و از روزی‌های آن بخورند. این تعبیر کنایه از این است که برای برخورداری از روزی‌های روی زمین، باید تلاش کرد و به دنبال آن به راه افتاد.

ذکر این نکته نیز بسیار ضروری است که اسلام به عموم مردم توصیه‌ی اکید نموده است تا فراگیری احکام اقتصادی، خود را از قرار گرفتن در معرض اموال حرام و نامشروع برهانند؛ زیرا اثر سوئی در زندگی آنان و فرزندانشان خواهد داشت.

**آیات متناسب:** بقره، ۲۷۵ / نساء، ۲۹ / اسراء، ۳۵.

**حدیث:** امام علی علیه السلام: «**يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ! الْفِئَةُ ثُمَّ الْفِئَةُ ثُمَّ الْمَتْجَرُ**، **الْفِئَةُ ثُمَّ الْمَتْجَرُ الْفِئَةُ ثُمَّ الْمَتْجَرُ**، ای جماعت تاجران! نخست احکام [داد و ستد را بیاموزید] سپس تجارت، نخست احکام، سپس تجارت، نخست احکام، سپس تجارت.» کافی: ج ۵، ص ۱۵۰، ح ۱.

پرهیز از معاملات نامشروع اقتصادی (چون ربا)

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا اتَّقُوا اللّٰهَ وَذَرُوْا  
 مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَاۤ اِنَّ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ۗ فَاِنَّ  
 لَكُمْ تَفَعُّوْا فَاذْنُوْا بِحَرْبٍ مِّنَ اللّٰهِ وَرَسُوْلِهِۦ  
 وَاِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوْسُ اَمْوَالِكُمْ لَا  
 تَظْلِمُوْنَ وَلَا تُظْلَمُوْنَ ﴿۲۷۸﴾

ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید، و اگر مؤمن هستید آنچه را از ربا [بر عهده مردم] باقی مانده رها کنید. (۲۷۸) و اگر چنین نکردید [و به رباخواری اصرار ورزیدید] به جنگی بزرگ از سوی خدا و رسولش [برضد خود] یقین کنید؛ و اگر توبه کردید، اصل سرمایه‌های شما برای خود شماست که در این صورت نه ستم می‌کنید و نه مورد ستم قرار می‌گیرید. (۲۷۹) (بقره)

**توضیح:** قبلاً گفته شد که اسلام با تولید ثروت از هراه و به هر صورتی موافق نیست و براین اساس، مسلمانان را به رعایت موازین شرعی در امور اقتصادی دعوت کرده است. یکی از اصول اقتصاد اسلامی، دوری از ربا و بهره است. در اسلام، سرمایه‌داری هدف نیست؛ بلکه سودرسانی به مردم هدف است. بنابراین معاملات



عموماً ارزش تولیدی دارد. در چنین فضایی ربا، سبب جمع شدن بهره‌های تصاعدی و غیر واقعی پول در نزد گروه خاص و کاهش روند تولید کار و سرمایه در اقتصاد و نیز افزایش فاصله‌ی طبقاتی می‌شود. این همه در حالی است که بیع و دیگر معاملات عقلائی، سبب تعدیل سرمایه و نقدینگی جامعه و گسترش روند کار و تولید می‌شود.

قرآن گاه - چون آیه‌ی ۲۷۵ بقره - رباخواران را به دیوانگانی تشبیه کرده که تعادل جسمی و روحی ندارند. گاه نیز - چون آیه‌ی فوق - رباخواری را جنگی آشکار با خدا و رسولش دانسته است. از برخی آیات قرآن هم چون آیه ۱۶۱ نساء استفاده می‌شود که ربا در امت‌های پیشین نیز حرام بوده است. این به معنای مبارزه‌ی تمام‌عیار دین با این پدیده‌ی شوم می‌باشد. در این آیه، رباخواران را در حال جنگ آشکارا با خدا و رسولش دانسته است. مشابه این تعبیر درباره‌ی هیچ یک از گناهان کبیره گفته نشده است.

**آیات متناسب:** آل عمران، ۱۳۰ و ۱۶۱ / بقره، ۲۷۵ و ۲۷۶.

**حدیث:** پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَعَنَ آكِلَ الرِّبَا وَمُؤَكَّلَهُ وَكَاتِبَهُ وَشَاهِدِيَهُ؛ خداوند متعال رباخوار و ربا دهنده و کاتب و گواهان بر آن را لعنت کرده است.»  
امالی صدوق: ص ۴۲۵ ح ۱.

### قناعت و ساده زیستی

وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا  
مِّنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ  
رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ﴿١٣١﴾

دیدگانت را به آنچه برخی از اصناف آنان را بهره مند کردیم مدوز، [آنچه به آنان داده ایم] شکوفه [بی میوه و زیور و زینت] دنیا است تا آنان را در آن بیازماییم، و رزق پروردگارت بهتر و پایدارتر است. (طه، ۱۳۱)

**توضیح:** دستور اخلاقی این آیه، پرهیز از چشم دوختن به اموال مردم و پرورش روحیه ی قناعت در مؤمنان نیز است. قناعت به معنای راضی شدن به اندازه ی نیاز است و نقطه ی مقابل حرص و طمع می باشد. آراستگی به این صفت، آثار فراوان و پربرکتی را نصیب انسان می کند. امام علی، حیات طیب و نیکو را که در آیه ی ۹۷ نحل - «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّاهُ حَيَاةً طَيِّبَةً» - آمده است، به قناعت تفسیر فرمود. آن حضرت هم چنین در عبارتی بسیار

حکیمانه، قناعت را بالاترین گنج برای انسان دانستند. قناعت نوعی نگرش خاص درباره‌ی دنیا به انسان می‌دهد که به دنبال خود، ساده‌زیستی و دوری از تجملات را نیز به همراه می‌آورد. عزت نفس و آرامش خاطر نیز از دیگر میوه‌های شیرین این درخت پربار می‌باشند.

قناعت در بعد اجتماعی و سیاسی نیز می‌تواند سبب اقتدار درونی و خودکفایی اقتصادی گردد. مردمی که همواره چشم به پیشرفت دیگران دوخته و دست‌گدایی به سوی آنان دراز می‌کنند، هیچ‌گاه به توانایی ذاتی خود ایمان نمی‌آورند و خود را باور نخواهند کرد.

**آیات متناسب:** حج، ۳۶ / توبه، ۵۹ / حجر، ۸۸.

**حدیث:** امام صادق علیه السلام: «مَنْ قَنِعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ أَغْنَى النَّاسِ؛ کسی که به آن چه خدا به او عطا کرده، قانع و راضی باشد، بی‌نیازترین مردم است.» کافی: ج ۲، ص ۱۳۹، ح ۹.

قناعت کن ای نفس براندکی  
که سلطان و درویش بینی یکی  
خدا را ندانست و طاعت نکرد  
که بر بخت و روزی قناعت نکرد

### دوری از اسراف و تجمل‌گرایی

وَأَتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ  
السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا ﴿٢٦﴾ إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ  
كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ ۖ وَكَانَ الشَّيْطَانُ  
لِرَبِّهِ كَفُورًا ﴿٢٧﴾

و حقّ خویشاوندان و حقّ تهیدست و از راه مانده را  
بپرداز، و به هیچ صورت اسراف مکن. (۲۶) بی‌تردید  
آنان که مال خود را به صورتی گسترده بناحق هزینه  
می‌کنند برادران شیاطین‌اند، و شیطان همواره نسبت به  
پروردگارش بسیار ناسپاس است. (۲۷) (اسراء)

**بیان:** یکی از گناهان کبیره - که نقش بسیاری در  
فروپاشی نظام اخلاقی فرد و جامعه دارد - اسراف و  
زیاده‌روی است. یکی از مهم‌ترین ریشه‌های این صفت  
زشت، لجام‌گسیختگی نفس می‌باشد. به همین دلیل  
در آیه‌ی فوق، اسراف‌کنندگان برادران شیطان نامیده  
شده‌اند؛ زیرا نفس انسان در کنار شیطان، دو نیروی  
اغواکننده‌ی مؤمنان می‌باشند که چنان‌چه افسار آن  
مهار نشده و به کنترل انسان در نیاید، چهره‌ی او را نیز  
شیطانی می‌سازند.

پیشتر گذشت که شکر حقیقی نعمت های خداوند، استفاده ی بهینه و درست از آن است. از سویی، اسراف کنندگان کسانی هستند که بدترین شکل استفاده از نعمت خدا را برگزیده اند. بنابراین آنان شبیه ترین افراد به شیطان هستند و شیطان نیز ناسپاس ترین مخلوقات نسبت به خداست.

اسراف نیز چون بسیاریاز گناهان، ممکن است جنبه ی اجتماعی به خود بگیرد. هنگامی که اولویت های اقتصادی یک جامعه فراموش شده و ریخت و پاش های بیهوده و کم اثر رایج شود، شاهد سلب نعمت و برکت از اجتماع نیز خواهیم بود.

گفتنی است تفاوت میان اسراف و تبذیر، آن است که اسراف به هرگونه زیاده روی در اعمال اطلاق می شود؛ مانند اسراف در کلام، اسراف در غذا و ...، ولی تبذیر تنها به زیاده روی در مال و ریخت و پاش بی حساب آن گفته می شود.

**آیات متناسب:** اعراف، ۳۱ / طه، ۸۱ / انعام، ۱۴۱.

**روایت متناسب:** امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ: «وَيْحَ الْمُسْرِفِ، مَا أَبْعَدَهُ

عَنْ صَلَاحِ نَفْسِهِ وَاسْتِدْرَاكِ أَمْرِهِ؛ بیچاره اسراف کار! چقدر از اصلاح نفس و جبران کارش دور است.»

غزوالحکم: ج ۶ ص ۲۲۸ ح ۱۰۰۹۲.

مال چون باز میبرند از پس  
صد کجا میبری؟ ز صد یک بس  
روی در گفته ی خدای آور  
حق «لا تسرفوا» بجای آور

۷۴

## همت و تلاش

وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى ﴿٣٩﴾

وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى ﴿٤٠﴾

ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى ﴿٤١﴾

و این که برای انسان جز آنچه تلاش کرده [هیچ نصیب و بهره‌ای] نیست، (۳۹) و این که تلاش او به زودی دیده خواهد شد؛ (۴۰) سپس به تلاشش پاداش کامل خواهند داد. (۴۱). (نجم)

**توضیح:** بی‌گمان لازمه‌ی موفقیت در هر راهی، همت و تلاش در آن راه است. همت به معنای جزم و عزم راسخ بر انجام کار با وجود موانع و مشکلات موجود در راه است. عدم همت و تلاش یا به تعبیر دیگر، تن‌آسایی و تنبلی را می‌توان مهم‌ترین عامل سستی و شکست بسیاری از جوامع اسلامی تلقی کرد؛ زیرا فضل و رحمت خدا زمانی به انسان رو می‌آورد که آدمی بر هدف خود، پایدار، کوشا و بلندهمت باشد. نمونه‌های بارز همت و تلاش، پیامبران و امامان علیهم‌السلام هستند که در راه احیای دین ذره‌ای خستگی به خود راه ندادند.

## طرح بزرگ قرآنی ۱۴۴۸

در بعد اجتماعی و اقتصادی نیز همت و تلاش رمز موفقیت و بالندگی هر کشور است. بدون تلاش مستمر و خستگی ناپذیر نمی توان قله های پیشرفت را فتح نموده و به توسعه ی پایدار رسید. به همین جهت است که امام علی علیه السلام در یکی از جملات حکیمانه و تأثیرگذار خویش فرمودند: «ارزش هر کس به قدر همت اوست.»

در آیه ی فوق به روشنی تصریح شده است که انسان هیچ بهره ای جز آن چه برایش تلاش کرده، نخواهد داشت و به زودی تلاشش را مشاهده خواهد کرد.

**آیات متناسب:** انسان، ۲۲ / اسراء، ۱۹ / لیل، ۴.

**حدیث:** امام علی علیه السلام: «كُنْ بَعِيدَ الْهَمِّ إِذَا طَلَبْتَ؛ هرگاه در طلب چیزی برمی آیی، بلند همت باش!»

غررالحکم: ج ۴ ص ۶۰۵ ح ۷۱۶۱.

مزدور خفته را ندهد مزد هیچکس  
میدان همت است جهان خوابگاه نیست

### رعایت انصاف در معاملات اقتصادی

وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ  
 الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٣٥﴾

و هنگامی که [جنسی را] پیمانه می‌کنید، پیمانه را کامل بدهید، و [اجناس قابل وزن را] با ترازوی صحیح وزن کنید، این برای شما بهتر و فرجامش نیکوتر است. (اسراء، ۳۵)

**توضیح:** تجارت در اسلام، احکام، آداب و شروطی دراد که رعایت آن سبب پاکی مال و افزایش روزی می‌گردد. پیشوایان بزرگ اسلام همواره بازاریان را با این احکام و آداب آشنا ساخته و آنان را به رعایت آن توصیه می‌کردند. یکی از احکام تجارت، رعایت انصاف در انجام معامله و پرهیز از گران‌فروشی یا فریب دیگران است. آیات ابتدایی سوره‌ی مطففین در کنار آیات متعدد دیگری از قرآن، به این مطلب اشاره دارد. توجه به این آیات هر وجدان خفته‌ای را بیدار خواهد ساخت.



متأسفانه این گناهان رواج زیادی در اجتماع داشته و آثار مخرب و زیان بار فرهنگی و اقتصادی آن نادیده گرفته شده است. با نگاهی به سرگذشت قوم شعیب علیه السلام، درمی یابیم که مهم ترین عامل انحطاط و فروپاشی اخلاقی این قوم، گران فروشی و عدم رعایت انصاف در معامله است. بنابراین، جامعه ی اسلامی نیز باید از این واقعه ی تلخ تاریخی عبرت گرفته و در برابر این آفت بزرگ اقتصادی هوشیار باشند.

آیه ی فوق به حقیقتی مهم و تأثیرگذار در این زمینه اشاره و بیان می کند که انجام نیکوی معامله و رعایت آداب و احکام آن، برای فرد و اجتماع سودمندتر است؛ زیرا اعتماد را به بازار سرمایه و تجارت بازگردانده و موجب رونق خرید و فروش شده و زمینه ی بهتری برای استقرار عدالت اقتصادی ایجاد می کند.

**حدیث:** امام علی علیه السلام: «**يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ! ... جَانِبُوا الكَذِبَ وَتَجَافَوْا عَنِ الظُّلْمِ ، وَ أَنْصِفُوا المَظْلُومِينَ**؛ ای جماعت تاجران! ... از دروغ گفتن دوری کنید؛ از ستم کردن فاصله بگیرید؛ و با مظلومان به انصاف و عدالت رفتار کنید.» کافى: ج ۵ ص ۱۵۱ ح ۳.

هیچ میزانی درین بازار چون انصاف نیست

گوهر خود را نمى سنجى به این میزان چرا

### انفاق و کمک به نیازمندان

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ  
 اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ  
 فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضْعِفُ لِمَنْ  
 يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٦١﴾

مَثَلِ آنان که اموالشان را در راه خدا انفاق می‌کنند، مانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند، در هر خوشه صد دانه باشد؛ و خدا برای هر که بخواهد چند برابر می‌کند و خدا بسیار عطا کننده و داناست (بقره، ۲۶۱)

**توضیح:** دست‌گیری از مستمندان و انفاق به نیازمندان از زیباترین خصلت‌های نیکوی مؤمنان است و به همین دلیل، مورد توجه فراوان در متون دینی واقع شده است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان آن را در کنار نماز، برجسته‌ترین عبادت مورد تأکید قرآن دانست.

مهم‌ترین آثار فردی انفاق عبارت است از: برکت و افزونی مال، دوری از بلا، تزکیه و طهارت نفس، آمرزش گناهان و ... برجسته‌ترین آثار اجتماعی آن هم عبارت

## طرح بزرگ قرآنی ۱۴۴۸

است از: رفع فقر از چهره‌ی جامعه‌ی اسلامی و استقرار عدالت اقتصادی و اجتماعی، پیشرفت و پویایی نظام اقتصادی، صیانت جامعه از تباهی و گسترش فساد و ...

یکی از بهانه‌های ترک انفاق، ترس از فقر و نداری در آینده است و به تعبیر قرآن در آیه‌ی ۲۶۸ سوره‌ی بقره، شیطان این خوف و هراس را در اشخاص برمی‌انگیزد تا آنان را از فضیلت والای انفاق محروم سازد. در نقطه‌ی مقابل، خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن، به انفاق‌کنندگان وعده داده است که نه تنها مال بخشیده‌شده را به آنان برمی‌گرداند؛ بلکه چندین برابر مال بخشیده‌شده را به آنان برمی‌گرداند. تأکید بر این مطلب در آیات و روایات به حدی است که حتی افراد فقیر و تنگ‌دست را به انفاق توصیه نموده‌اند تا خداوند به مال آنان برکت داده و آنان را از فضل خویش بهره‌مند سازد.

**آیات متناسب:** حدید، ۷ / معارج، ۲۵ / بقره ۲۷۱ تا ۲۷۴.

**حدیث:** پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «**مَا نَقَصَ مَالٌ مِنْ صَدَقَةٍ قَطٍ فَأَعْطُوا وَلَا تَجَبَّنُوا؛** هیچ‌گاه مال انسان با صدقه کم نخواهد شد، پس بدهید و نترسید.» بحار: ج ۹۶ ص ۱۳۱ ح ۶۲.

بپهوده نقدِ عمر مکن صرفِ کیمیا  
پاینده، مالِ فانی خود از زکات کن

